

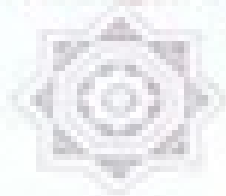


مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پارلن برکت

قرآن مجید آیه‌ها

چهارم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باران برکت: قرض الحسنه ، هست‌ها و بایسته‌ها

نویسنده:

جواد بیگ محمدی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	باران برکت: قرض الحسنه ، هست‌ها و بایسته‌ها
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۴	دبیاچه
۱۶	پیش گفتار
۱۹	بخش اول: بررسی مسائل اساسی در قرض الحسنه
۱۹	فصل اول: مفهوم شناسی قرض الحسنه
۱۹	۱. واژه شناسی
۲۱	۲. اصطلاح شناسی
۲۳	۳. رابطه قرض با دین
۲۳	۴. تفاوت عقد قرض با دیگر عقود
۲۳	الف) تفاوت قرض با بیع
۲۴	ب) تفاوت قرض با شرکت
۲۴	ج) تفاوت قرض با ودیعه
۲۴	د) تفاوت قرض با عاریه
۲۵	هـ) تفاوت قرض با اجاره
۲۵	و) تفاوت قرض با هبه
۲۵	۵. قرض الحسنه در قرآن کریم
۲۷	۶. قرض الحسنه در حدیث
۲۸	فصل دوم: جایگاه قرض الحسنه در نظام اخلاقی اسلام
۲۸	اشاره
۳۲	۱. آثار اخلاقی و تربیتی قرض الحسنه
۳۲	الف) نزدیکی دل‌ها

- ۳۲ (ب) پاک شدن از رذایل اخلاقی
- ۳۳ (ج) تقویت صلہ رحم
- ۳۴ (د) تقویت روحیه جوان مردی و ایثار
- ۳۶ (ه) اثر روان شناختی
- ۳۹ ۲. آثار اخروی قرض الحسنه
- ۳۹ (الف) پاداش آخرتی
- ۴۳ (ب) بخشش گناهان
- ۴۷ ۳. آثار فردی و اجتماعی قرض الحسنه
- ۴۷ اشاره
- ۴۷ (الف) رشد مادی و معنوی انسان
- ۴۹ (ب) افزایش محبت میان مردم
- ۴۹ (ج) عاقبت به خیری
- ۴۹ (د) دچار نشدن به بیماری های جسمی و روحی
- ۵۰ (ه) دوری از اندوه
- ۵۱ (و) استحکام پیوندهای اجتماعی
- ۵۱ (ز) ایجاد تعادل اجتماعی
- ۵۲ (ح) تأمین اجتماعی
- ۵۳ (ط) تقویت نیروهای دفاعی جامعه برای افزایش ضریب امنیت اجتماعی
- ۵۳ (ی) اثرگذاری روحی و روانی بر اجتماع
- ۵۴ ۴. آثار اقتصادی قرض الحسنه
- ۵۴ (الف) ایجاد تعادل اقتصادی
- ۵۹ (ب) حذف ربا
- ۶۳ (ج) کاهش فقر در جامعه
- ۶۴ (د) کاهش هزینه های دولت اسلامی
- ۶۴ (ه) کاهش روحیه ثروت اندوزی
- ۶۴ (و) تقویت نظام اسلامی

۶۵ (ز) به کار افتادن پول های راکد
۶۵ (ح) اثرگذاری بر توزیع درآمد
۶۹ بخش دوم: قرض الحسنه در قرآن و حدیث
۶۹ فصل اول: قرض الحسنه در قرآن
۶۹ ۱. خداوند، طرف قرض
۷۳ ۲. اهمیت و فضیلت قرض نیکو
۷۴ ۳. قرض الحسنه در ردیف نماز و روزه
۷۶ فصل دوم: قرض الحسنه در حدیث
۷۶ اشاره
۷۷ ۱. شتاب در کارهای خیر با قرض دادن
۷۹ ۲. جلب روزی با قرض دادن
۸۰ ۳. ذخیره ای برای آخرت
۸۲ ۴. قرض و همسایه
۸۳ ۵. عامل جبران گناهان
۸۵ ۶. حاجت روا شدن
۸۵ ۷. قرض، عامل رفع بلا
۸۶ ۸. قرض، مایه شادی خدا و رسول
۸۶ ۹. قرض، برتر از روزه و اعتکاف در خانه خدا
۸۹ ۱۰. تشویق به قرض در صورت نیازمندی
۹۱ ۱۱. پرهیز از وام دار شدن
۹۵ ۱۲. ویژگی قرض دهندگان
۹۶ ۱۳. وظایف قرض گیرنده
۹۹ ۱۴. خداوند، پشتیبان قرض گیرنده
۱۰۱ ۱۵. مدارا و گذشت در قرض
۱۰۵ ۱۶. پی گیری نکردن قرض از بده کاران
۱۰۶ ۱۷. پی آمدهای قرض ندادن

۱۰۹	۱۸. بخل، مانعی در برابر قرض
۱۱۲	۱۹. دلیل برتری قرض بر صدقه
۱۱۵	۲۰. زکات شمرده شدن قرض
۱۱۷	۲۱. ثواب همیشگی صدقه در قرض
۱۱۹	۲۲. دعا برای ادای قرض
۱۲۰	۲۳. نماز برای ادای دَین و بدهی
۱۲۱	۲۴. مقایسه قرض دادن با صلّه رحم
۱۲۲	۲۵. درداور بودن بده کاری
۱۲۳	۲۶. لزوم پرداخت قرض هنگام سررسید آن
۱۲۷	۲۷. برابر بودن بازنگرداندن قرض با دزدی
۱۳۰	بخش سوم: قرض الحسنه در جامعه اسلامی
۱۳۰	فصل اول: جایگاه قرض الحسنه در بانک داری بدون ربا
۱۳۰	۱. قانون عملیات بانک داری بدون ربا
۱۳۴	۲. عملکرد بانک ها در زمینه قرض الحسنه
۱۳۹	فصل دوم: صندوق های قرض الحسنه
۱۳۹	۱. تقسیم بندی صندوق های قرض الحسنه
۱۴۰	۲. عوامل اثرگذار در جذب سپرده در صندوق های قرض الحسنه
۱۴۰	الف) عوامل معنوی
۱۴۱	ب) اعتماد مردم به مؤسسان و اعضای هیئت مدیره و کارمندان صندوق ها
۱۴۱	ج) مکان صندوق قرض الحسنه
۱۴۲	د) امکان دریافت وام
۱۴۲	هـ) وام در مقابل سپرده (وام جدولی)
۱۴۲	و) تبلیغات
۱۴۳	ز) اهدای جایزه به سپرده گذاران
۱۴۳	۳. شرایط و چگونگی پرداخت وام در صندوق های قرض الحسنه
۱۴۵	۴. انواع وام های پرداختی صندوق های قرض الحسنه

۵. حساب مسدودی ۱۴۶
۶. ویژگی های صندوق قرض الحسنه کارآمد ۱۴۷
۷. مشکلات صندوق های قرض الحسنه ۱۴۸
۸. ضرورت تشکیل صندوق های قرض الحسنه خانوادگی و دوستانه (خصوصی) ۱۵۲
- اشاره ۱۵۲
- الف) پی آمدهای مثبت تشکیل صندوق های قرض الحسنه خانوادگی و دوستانه ۱۵۳
- ب) عوامل موفقیت صندوق های قرض الحسنه خانوادگی و دوستانه ۱۵۴
- ج) آسیب های فراروی صندوق های قرض الحسنه خانوادگی ۱۵۵
- د) چگونگی عملکرد صندوق های قرض الحسنه خانوادگی ۱۵۷
۹. مفهوم قرض الحسنه در نگاه مردم ۱۵۸
- فصل سوم: تفاوت های مفهوم قرآنی و حدیثی قرض الحسنه با مفهوم رایج آن ۱۶۲
- اشاره ۱۶۲
۱. مفهوم قرض الحسنه ۱۶۲
۲. آثار قرض الحسنه ۱۶۴
۳. شرایط قرض دادن ۱۶۵
۴. قرض گیرندگان ۱۶۹
۵. قرض دهندگان ۱۷۰
۶. کارمزد ۱۷۲
- فصل چهارم: بررسی موانع ترویج فرهنگ قرض الحسنه ۱۷۴
۱. ناآگاهی از آثار مثبت قرض الحسنه ۱۷۴
۲. ناآگاهی از پی آمدهای منفی ترک قرض الحسنه ۱۷۴
- اشاره ۱۷۴
- الف) بی توجهی خدا ۱۷۶
- ب) نفرین الهی ۱۷۶
- ج) بی کاری ستم کاران ۱۷۶
- د) تباه شدن اموال ۱۷۷

- ۱۷۷ (ه) بی برکتی اموال و دارایی
- ۱۷۷ (و) روی آوردن گرفتاری
- ۱۷۸ (ز) حسرت هنگام مرگ و در قیامت
- ۱۷۸ ۳. داشتن روحیه دنیاپرستی و مال دوستی
- ۱۸۰ ۴. بخل
- ۱۸۰ ۵. آزمندی
- ۱۸۱ ۶. ترس از تهی دستی و پیروی از شیطان
- ۱۸۲ ۷. بی تقوایی
- ۱۸۳ ۸. غرور و آرزوهای طولانی
- ۱۸۳ ۹. ترک صله رحم و روابط اجتماعی
- ۱۸۵ ۱۰. ترویج نادرست قرض الحسنه
- ۱۸۷ بخش چهارم: همراه با برنامه سازان
- ۱۸۷ اشاره
- ۱۸۷ وظایف رسانه در مورد قرض الحسنه
- ۱۸۷ ۱. تبیین مفهوم واقعی قرض الحسنه
- ۱۸۸ ۲. بیان تفاوت های قرض الحسنه رایج با مفهوم قرآنی و حدیثی آن
- ۱۹۰ ۳. ترویج فرهنگ قرض الحسنه
- ۱۹۳ ۴. آسیب شناسی فرهنگ قرض الحسنه در جامعه
- ۱۹۵ ۵. پیشنهادهای برنامه ای
- ۱۹۵ الف) تشکیل میزگرد
- ۱۹۶ ب) برنامه های کودک و نوجوان
- ۱۹۶ ج) برنامه های طنز و نمایشی تلویزیونی
- ۱۹۷ د) پرسش های مردمی
- ۱۹۷ ه) پرسش های کارشناسی
- ۱۹۹ کتاب نامه
- ۱۹۹ کتاب

۲۰۵ ----- نشریه

۲۰۷ ----- پایان نامه

۲۰۹ ----- درباره مرکز

باران برکت: قرض الحسنه، هست‌ها و بایسته‌ها

مشخصات کتاب

سرشناسه: بیگ محمدی، جواد

عنوان و نام پدیدآور: باران برکت «قرض الحسنه، هست‌ها و بایسته‌ها» / جواد بیگ محمدی؛ تهیه‌کننده مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۸۱ ص.

فروست: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما؛ ۱۱۸۴.

شابک: ۱۹۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۰۲-۹

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۷۵] - ۱۸۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: قرض الحسنه

موضوع: قرض الحسنه -- جنبه‌های قرآنی

موضوع: قرض الحسنه -- احادیث

موضوع: اسلام و اقتصاد

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش‌های اسلامی

رده بندی کنگره: BP۱۹۲/ب۹ب۲ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۵۳۶۴۷

ص: ۱

اشاره

«قرض الحسنه» در نظام اخلاقی اسلام دارای جایگاهی بس والاست و آثار اقتصادی، فرهنگی، فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی فراوانی دارد. از این رو، در آموزه های دینی بر توجه انسان ها به نیازها و گرفتاری های یکدیگر و تلاش برای رفع آنها تأکید شده است.

قرض الحسنه، آدمی را از خودخواهی و خودبینی می رهاند و دریچه گسترده ای از دگرخواهی را به روی او می گشاید و به رشد فضیلت های اخلاقی همچون سخاوت و بخشش در نهاد وی یاری می رساند. با قرض دادن، زمینه های شکوفایی استعدادها و تکامل روحی انسان فراهم می شود. بر اساس منطق قرآن، انسان نیکوکار با کمک به دیگران، در اصل، ابتدا به خود کمک می کند، هر چند آثار مثبت این کار روحی بر قرض دهنده هم اثر می گذارد و احساس خوشایندی در وی نسبت به احسان کننده به وجود می آید. کوشش برای رفع مشکلات دیگران و کمک به مردم، روح بندگی را در وجود انسان تقویت می کند. سوره های مختلفی از قرآن از جمله مائده، حدید، بقره، مزمل و مانند آن، همگی درباره اهمیت قرض الحسنه و فضیلت آن سخن می گویند. به طور کلی، خداوند قرض الحسنه را در ردیف نماز و روزه آورده و آن را وسیله آمرزش گناهان دانسته است که نشان دیگری از

اهمیت این سنت حسنه در اسلام است.

در روایات دینی نیز فراوان از اهمیت قرض الحسنه سخن به میان آمده است. رسول گرامی اسلام می فرماید:

هر کسی به برادر مسلمانش قرض دهد و در طلب آن، با وی مدارا کند، بدان سبب، بدون حساب و عذاب، مانند برق جهنده و درخشان از روی صراط می گذرد.

با این همه، امروزه مسلمانان در عمل به این سنت نیکوی اسلامی از خود سستی نشان می دهند و قرض الحسنه آن گونه که شایسته است، جایگاه خود را در جامعه اسلامی باز نیافته است. بنابراین، یکی از رسالت های مهم فرهنگ سازان به ویژه اصحاب رسانه این است که در نهادهای سازی این امر مقدس، از هیچ کوششی فروگذار نکنند. پژوهش ارزشمند جناب آقای جواد بیگ محمدی نیز ره توشه ای نیکو در این زمینه برای برنامه ریزان و برنامه سازان رسانه ملی است. امید که مقبول افتد.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۴

یکی از مفاهیمی که در قرآن به طور ویژه به آن توجه شده، «قرض حَسَن» یا همان «قرض الحسنه» است. درک بسیاری از مردم از مسئله قرض الحسنه، غیر از آن مفهومی است که در قرآن و سنت معرفی شده است. موضوع این پژوهش، بررسی مفهوم صحیح قرض الحسنه با تکیه بر آیات قرآنی و نیز حدیث‌های معصومین (ع) و سپس دست‌یابی به تعریف جامع و مانع قرآنی و حدیثی از قرض الحسنه است.

قرض الحسنه مورد توجه قرآن و سنت، افزون بر برآورده کردن نیاز نیازمندان و حل گرفتاری‌های آنان، در ترکیه نفس، زدودن گناهان و تربیت نفسانی قرض‌دهندگان نیز بسیار مؤثر است. همچنین از نظر مادی و معنوی، برکت‌های فراوان دنیوی و اُخروی دارد که خداوند به قرض‌دهندگان عطا می‌کند. تلقی مردم از این سنت حسنه این است که بیشترین سود در قرض الحسنه، متوجه قرض‌گیرنده است، ولی از نظر قرآن و احادیث، سفره قرض الحسنه بیش از اینکه برای قرض‌گیرندگان گسترده باشد، برای قرض‌دهندگان گسترده است؛ زیرا بیشترین بهره را آنان از این رهگذر به دست می‌آورند.

یادآوری دو نکته اساسی درباره مفهوم قرض الحسنه، ضروری است.

نخست آنکه گیرنده اصلی قرض الحسنه، خداوند است و اوست که از بنده اش قرض می خواهد. از این رو، قرض دهندگان باید این نکته را همیشه مورد توجه قرار دهند و بر این اساس به این امر نیک اقدام کنند. دوم اینکه قرض مورد نظر خداوند در قرآن کریم، قرض «حَسَن» است. بر همین اساس، باید بندگان خداوند همواره در نیکو بودن و نیکو ماندن قرضی که می دهند، دقت کنند تا از برکت های فراوان آن محروم نمانند.

هدف از انجام این پژوهش، ارائه پژوهش موضوعی روشمند در قرآن کریم و تبیین ماهیت قرآنی _ حدیثی قرض الحسنه به منظور بهره مندی اصحاب رسانه از آن بوده است. با توجه به قرآنی _ حدیثی بودن این پژوهش، با راهنمایی استاد ارجمند آقای دکتر محمدعلی لسانی فشارکی تلاش شده است تا در قسمت قرآنی، نخست با روش تحقیق موضوعی در قرآن مجید و با بررسی آیات مربوط به قرض و سیاق آنها، نکته های مهم را استخراج کنیم. سپس برای تصحیح و تکمیل یافته ها و برداشت ها، از تفسیرهای مختلف در پژوهش موضوعی بهره مند شویم. آن گاه در مرحله تدوین، دست آوردهای پژوهش موضوعی و بررسی های قرآنی، با مطالب تفسیری، تکمیل و تصحیح شده است.

۱. واژه شناسی

واژه «قرض» از باب «قَرَضَ يَقْرُضُ» و مصدر آن «قَرَضَ» است. در بیشتر کتاب های لغوی، قرض به معنای قطع کردن یا بریدن معنا شده است. راغب اصفهانی در تعریف قرض آورده است: «چیزی که [قرض دهنده] از مالش، به شرح ردّ مثلش به انسان می دهد».^(۱) نویسنده مجمع البیان، قرض را به معنای قطع کردن گرفته است.^(۲) ابن منظور نیز گفته است: «قرض به معنای قطع کردن است و مصدر آن قَرَضَا و جمع آن، قروض است».^(۳)

همچنین در نهج البلاغه می خوانیم: «تَمَّ قَرَضُوا الدُّنْيَا قَرْضًا عَلَىٰ مَنَاجِ الْمَسِيحِ؛ دُنْيَا رَا بِه شِيْوَه مَسِيْحٍ اَزْ خَوْذِ بَرِيْدِنْدِ وَّ چِه بَرِيْدِنِي.»^(۴) علامه طباطبایی رحمه الله نیز در تفسیر المیزان در توضیح واژگان آیه قرض حسن، قرض را به معنای قطع کردن می داند.^(۵)

ص: ۸

-
- ۱- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۵۰۲ هـ. ق، ص ۴۰۰.
 - ۲- طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، کتاب خانه اسلامیه، بی تا، ج ۶، ص ۲۵۵.
 - ۳- ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ هـ. ق، ج ۷، ص ۲۱۶.
 - ۴- نهج البلاغه، ترجمه: حسین انصاریان، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۹، چ ۳، ص ۷۷۷.
 - ۵- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۲ هـ. ق، چ ۲، ج ۱۳، ص ۲۵۴.

همان گونه که گذشت، بیشتر لغت شناسان و مفسران، قرض را به معنای قطع کردن گرفته اند. این معنا شاید بدان جهت است که گویا کسی که پول خود را قرض می دهد، ارتباط یا مالکیت خود را تا مدتی، از آن پول قطع می کند. از همین رو، هنگام طلاکاری، به آنچه از طلا، قطع و جدا می شود، «قراضه الذهب» می گویند یا در مورد تکه های جدا شده از نان و لباس و مانند آنها هنگام پختن نان و خیاطی کردن، «قراضه الخبز او الثوب او غیرها»؛ «نان تکه شده یا پارچه جدا شده و مانند آنها» گفته می شود. (۱)

در برخی کتاب های فرهنگ و واژگان فارسی نیز قرض به معنای بریدن و قطع کردن آمده است. مقراض را ابزار بریدن می دانند؛ چون از «قَرْض یقرضُ» به معنای بریدن گرفته شده است. (۲)

در تعریف اصطلاحی قرض می توان گفت: قرض، چیزی است که مردم میان خود، رد و بدل می کنند و با آن، نیازهای یکدیگر را برطرف می سازند. در معجم مقاییس اللغة آمده است: «قرض، مقداری از مال است که انسان آن را به دیگری می دهد تا نیاز او را برطرف سازد و در موعد مقرر، اصل آن مال را برمی گرداند. نیز بدین جهت به آن قرض گفته اند که عمل قرض دادن مانند آن است که صاحب مال، بخشی از مال خود را جدا می سازد و آن را به دیگری می دهد». (۳)

ص: ۹

-
- ۱- نک: محمدحسین ابراهیمی، ربا و قرض در اسلام، قم، ۱۳۷۲، ص ۲۵۹.
 - ۲- محمد قریب، فرهنگ لغات قرآن، تهران، بنیاد، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲، ص ۲۹۳.
 - ۳- احمد بن فارس، مقاییس اللغة، قم، دارالکتب العلمیه، بی تا، ج ۵، ص ۷۱.

در بیشتر کتاب های لغوی و تفسیری، تعریف خاصی از قرض الحسنه نیامده است. شاید مراد بسیاری از لغت دانان و مفسران از تعریف «قرض» در آثارشان، همان قرض الحسنه باشد؛ زیرا اساسا قرض و قرض حسن، هر دو در مقابل «قرض ربوی» قرار دارند. در عرف نیز تعریفی که مردم از قرض الحسنه دارند، تقریبا همان تعریفی است که عالمان لغت و تفسیر از قرض کرده اند. به عبارت دیگر، امروزه بیشتر مردم، قرض الحسنه را قرضی می دانند که فرد، برای مدتی به هم نوع نیازمند خود می دهد و در ازای آن، هیچ گونه اضافه ای نمی گیرد. (۱)

۲. اصطلاح شناسی

در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، برخی، قرض را این گونه معنا کرده اند: «قرض آن است که انسان، مالی را به دیگری بدهد تا از آن استفاده مالکانه کند و عوض یا مثل و قیمت آن را بپردازد.» (۲) در همین کتاب، از قول مذهب حنفی آورده اند: «قرض چیزی است که مثلی باشد که مثل آن دریافت شود. از این رو، قرض بر مثلیات صحیح است.» (۳) همچنین شافعی گفته است:

ص: ۱۰

-
- ۱- نک: «نظر سنجی از مردم تهران درباره فرهنگ قرض الحسنه»، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، پیوست «ب»، ص ۲۱۹.
 - ۲- عبدالرحمان جزیری، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ هـ. ق / ۱۹۸۶م، چ ۷، ج ۲، ص ۲۳۸.
 - ۳- همان.

«قرض، تملیک کردن چیزی است که مقترض از آن استفاده کند و مثل آن را برگرداند»^(۱).

آیت الله العظمی خویی رحمه الله می فرماید: «قرض، تملیک مال است، به ازای ضمان طرف مقابل در ذمه که اگر قیمتی است، قیمت یوم القرض آن را بپردازد»^(۲). امام خمینی رحمه الله نیز در تعریف قرض می فرماید: «اینکه مالی را به ضمان ملک دیگری کنند، به اینکه به عهده او باشد که خود آن مال یا مثل یا قیمت آن را بپردازد. به تملیک کننده، مقترض و به قبول کننده ملک، مقترض یا مستقرض گفته می شود»^(۳). ایشان در تحریر الوسیله، پس از تعریف قرض، به نوزده مسئله در مورد قرض و احکام آن اشاره می کند و درباره مستحب بودن قرض دادن و وظایف متقابل قرض دهنده و گیرنده و نیز عین قرض و موضوع قرض و شرایط اضافی در قرض و برخی مسائل دیگر توضیح هایی آورده است.

امام خمینی رحمه الله مانند برخی فقیهان دیگر، قرض دادن را عقدی می داند که به عبارت های ایجابی مانند «قرض دادم به تو» یا آنچه این معنا را برساند، نیاز دارد. البته ایشان، آن را به هر لغت و زبانی جایز می داند.^(۴)

ص: ۱۱

۱- همان.

۲- سید ابوالقاسم موسوی خویی، المسائل المنتخبه فی فتاوی الخویی، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۳۶۳.

۳- سید روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، منشورات کتاب خانه اعتماد کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱، ص ۵۶۷.

۴- همان، ص ۵۶۹، مسئله ۳.

۳. رابطه قرض با دین

پیش از بیان رابطه قرض با دین، لازم است دین را تعریف کنیم و سپس به بررسی رابطه آن دو بپردازیم. امام خمینی رحمه الله در تعریف دین می فرماید: «دین، مالی است کلی که در ذمه شخصی برای شخص دیگر به سببی از اسباب، ثابت است. به کسی که ذمه اش به آن مشغول (و بده کار) است، «مدیون و مدین» و به دیگری (که طلب کار است)، «دائن و غریم» گفته می شود.»^(۱) همچنین درباره سبب دین می فرماید: «یا قرض سبب آن می شود و یا امور دیگری مانند کلی در سلم و یا ثمن در نسیه و یا اجرت در اجاره و یا صدق در ازدواج و یا نفقه در زوجه دایم و...»^(۲)

بنابراین، رابطه میان دین و قرض، رابطه عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر قرضی، دین خواهد بود، ولی هر دینی لزوماً قرض نخواهد بود؛ زیرا چه بسا سبب آن چیزی به غیر از قرض باشد.

۴. تفاوت عقد قرض با دیگر عقود

الف) تفاوت قرض با بیع

قرض مانند بیع، عقد تملیکی است و این تملیک، با عوض همراه است، ولی ماهیت آن با بیع تفاوت دارد. در بیع، دو مال، به عنوان میبوع و ثمن با هدف سودجویی با هم مبادله می شوند، ولی در قرض، وام گیرنده پیمان می بندد که خود مال یا بدل آن را به وام دهنده بپردازد. به عبارت دیگر، در قرض، یک موضوع دست به دست می شود و موضوع تعهد بار اول، عین

ص: ۱۲

۱- همان، ص ۵۶۴.

۲- همان.

مال و بار دوم، عین یا مثل یا قیمت آن است. (۱)

(ب) تفاوت قرض با شرکت

در قرض، وام گیرنده باید عین یا مثل یا قیمت را بازگرداند و سود و زیان او در این تعهد بی اثر است. در شرکت پس از پایان زمان شراکت، سود یا زیان محاسبه می شود؛ شریک سهم خود را برمی دارد و باقی مانده را به صاحب مال باز می گرداند. بنابراین، در شراکت، احتمال کمتر یا بیشتر بودن مقدار بازپرداخت از اصل مال وجود دارد. (۲)

(ج) تفاوت قرض با ودیعه

در قرض، وام گیرنده باید در پایان مدت تعیین شده، مثل یا بهای مال را بازگرداند، ولی به هر حال، انتقال مالکیت تحقق می یابد. از این دیدگاه، ودیعه با قرض تفاوت اساسی دارد؛ زیرا هیچ انتقالی در آن نیست و امانت دار باید اصل مال را به صاحبش بازگرداند.

(د) تفاوت قرض با عاریه

در عاریه، مالکیت عاریه دهنده محفوظ است و تنها به عاریه گیرنده اجازه استفاده از ملک داده می شود. بدین سبب، حق ندارد مال مورد عاریه را از میان ببرد. باید به عنوان امین، آن را نگاه دارد و هرگاه مالک بخواهد، به وی

ص: ۱۳

۱- علی اصغر هادوی نیا، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۴۳.

۲- عبدالرزاق سنهوری، الوسیط، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۵، ص ۴۲۷.

بازگرداند. از این رو، عاریه تنها در اموالی ممکن است که به سبب بهره برداری از میان نمی روند، ولی در قرض، وام گیرنده، مالک موضوع عقد می شود. بنابراین، مانند هر مالک دیگری حق دارد هر گونه می پسندد، در آن تصرف کند و تعهدی نیز در بازگردان عین آن مال ندارد. (۱)

هـ (تفاوت قرض با اجاره

در اجاره، انتقال مالکیت تحقق نمی یابد و موجر تنها متعهد می شود مورد اجاره را برای مدتی در اختیار مستأجر بگذارد، ولی در قرض، چنان که گذشت، مالکیت انتقال می یابد و وام گیرنده بر بازگرداندن اصل مال تعهدی ندارد. (۲)

و (تفاوت قرض با هبه

در قرض و هبه، انتقال مالکیت به چشم می خورد و هر دو در تبرعی بودن یک گونه اند، ولی در هبه، تعهد به بازگرداندن مال وجود ندارد. (۳)

۵. قرض الحسنه در قرآن کریم

واژه قرض، به تنهایی در هیچ یک از آیات قرآن به کار نرفته است، ولی ترکیب وصفی «قرضا حسنا» در پنج سوره و شش جای قرآن کریم، به ترتیب در آیه ۲۴۵ سوره بقره؛ آیه ۱۲ سوره مائده؛ آیه ۱۷ سوره تغابن؛ آیات

ص: ۱۴

۱- قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، ص ۴۵.

۲- الوسيط، ج ۵، ص ۴۲۵.

۳- همان.

۱۱ و ۱۸ سوره حدید و آیه ۲۰ سوره مزمل آمده است.

اکنون به بررسی مفاد این آیات می پردازیم:

یک _ در آیه ۲۴۵ سوره بقره و آیات هم سیاق دیگر، خداوند به برخی صفات جمال خود مانند: «لذو فضل علی الناس»، «سمیع علیم»، «علیم بالظالمین» و «واسع علیم» اشاره می کند. آیات این سیاق، درباره جهاد فی سبیل الله، مسئله انتخاب فرمان روای بنی اسرائیل و ملاک های سطحی آنان است و به ویژگی های واقعی و لازم یک فرمان روا اشاره دارد.

دو _ در سوره مائده، خداوند به موضوع هایی مانند احسان، اقامه نماز و پرداخت زکات در کنار قرض حسن پرداخته است.

سه _ در سوره تغابن و در آیه مجاور آیه قرض حسن، بحث انفاق و تقوا و اطاعت مطرح شده است. همچنین در این سوره، خداوند به برخی صفات جمال خود مانند: «غفور رحیم»، «شکور حلیم»، «عالم الغیب و الشَّهاده» و «العزیز الحکیم» اشاره دارد.

چهار _ در آیه ۱۸ سوره حدید، خداوند پیش از طرح مسئله قرض حسن، از صدقه دهندگان سخن گفته است. همچنین در آیه مجاور آیه قرض حسن، یعنی آیه ۱۰، دو بار بحث انفاق مطرح شده است. همچنین سیاق آیات مورد نظر این سوره، بحث ایمان و سخنان گروه های مؤمنان و منافقان و کافران را با یکدیگر مطرح کرده است.

پنج _ در سوره مزمل نیز در سیاق مربوط، بحث زکات، اقامه نماز، قرآن خواندن و جهاد در راه خدا مطرح شده است.

با دقت در سیاق آیات پیشین می توان چنین نتیجه گرفت که در بیشتر

سیاق های پنج سوره مربوط به آیات قرض، در کنار بحث قرض حسن، مسائلی مانند صدقه دادن، زکات دادن، کمک و شرکت در جهاد، ایمان به رسول خدا، قرآن خواندن، احسان و انفاق کردن مطرح شده است.

۶. قرض الحسنه در حدیث

بیشتر احادیثی که در زمینه قرض دادن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم (ع) به یادگار مانده است، مسلمانان را در عمل به سنت حسنه قرض تشویق می کند. در این گونه احادیث، به موضوع های زیر پرداخته شده است: پی آمدهای قرض، فایده های قرض، ثواب قرض، نوع رفتار قرض دهنده و قرض گیرنده، داشتن نیت ادای قرض (از سوی گیرنده قرض)، کمک خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرشتگان و اولیای الهی در ادای قرض، نتایج دنیوی و مضاعف قرض، مدارا کردن بر قرض گیرنده و گذشت بر او، صدقه دانستن قرض، زکات شمرده شدن قرض و برخی مسائل دیگر.

با توجه به دوران امامت امام جعفر صادق (ع) که زمینه برای تعلیم و تربیت شاگردان مکتب اسلام بیشتر فراهم شد، بخش زیادی از احادیث در این موضوع، از وجود پربرت این امام بزرگوار است. در بیشتر کتاب های فقهی و روایی، حدیث های مربوط به قرض، در بخش معینی فصل بندی نشده، بلکه برخی احادیث در ضمن بحث «ربا»، برخی در ضمن «صیرف»، دسته ای با عنوان «قرض بیعی» در کتاب البیع، شماری نیز در ضمن «بیع قرضی» و سرانجام، بخشی نیز زیر عنوان «دین» آورده شده است. نکته مهم درباره احادیث قرض این است که موضوع احادیث به گونه ای است که

بیشتر جنبه های اخلاقی قرض مطرح می شود. به بیان دیگر، همه این احادیث برای تبیین قرضی هستند که در قرآن به آنها اشاره شده است.

فصل دوم: جایگاه قرض الحسنه در نظام اخلاقی اسلام

اشاره

قرض الحسنه در نظام اخلاقی اسلام، جایگاه والایی دارد. در واقع، روح حاکم بر قرض الحسنه، بیش از آنکه از مسائل اقتصادی اثر پذیرفته باشد، از مسائل اخلاقی اثر پذیرفته است. به بیان دیگر، قرض الحسنه، رفتاری اخلاقی است که آثار اقتصادی، فردی، اجتماعی و اخروی فراوانی دارد. شاید بتوان قرض الحسنه را نیز مانند انفاق، یک سنت اخلاقی به یادگار مانده از قرآن کریم و سیره معصومین (ع) دانست؛ سنتی که می تواند سرچشمه بسیاری از آثار و برکت های مادی و معنوی باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَنْتِي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من برای کامل کردن مکارم اخلاقی برانگیخته شده ام.» (۱) امام صادق (ع) درباره مصداق های مکارم اخلاق می فرماید:

لَا تُمَانِعُوا قَرْضَ الْخَمِيرِ وَالْخُبْزِ وَاقْتِبَاسَ النَّارِ فَإِنَّهُ يَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. (۲)

مزاحم قرض دادن خمیر و نان و ابزارهای فروختن آتش برای یکدیگر نشوید؛ زیرا در عین اینکه این کار از مکارم اخلاق است، سبب جلب روزی برای اهل خانه نیز می شود.

ص: ۱۷

۱- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، تهران، اعلمی، ۱۳۷۸، ص ۸.

۲- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چ ۴، ج ۷، ص ۱۶۲.

همان گونه که از متن حدیث بر می آید، قرض دادن از مکارم اخلاق شمرده شده و رسالت اصلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز کامل کردن مکارم اخلاق است. همچنین حضرت علی (ع) به کمیل بن زیاد می فرماید:

به خانواده ات دستور بده در به دست آوردن مکارم اخلاق بکوشند و حتی در تاریکی های شب، به برآوردن نیازمندی های مردم پردازند. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هیچ کس به دل مؤمنی، شادمانی وارد نمی کند، مگر آنکه خداوند از این کار نیک او، مایه لطفی می آفریند که هنگام گرفتاری و نزول بلا، سریع تر از سرعت سیلاب در سراشیبه به کمک او می رسد و او را نجات می دهد.^(۱)

در دین مبین اسلام که دین اخلاق و انسانیت است، توجه به نیازها و گرفتاری های یکدیگر و تلاش برای رفع آنها، شرط لازم مسلمانی شمرده شده است. آن کس که خود را به این مکتب مؤمن می داند، هرگز نمی تواند به آموزه های آن بی اعتنا باشد. چنین انسانی می داند با عمل به آموزه های اسلامی، نوری به وجود نیازمند او تابیده خواهد شد که در تاریکی های زندگی، هدایت گر او خواهد بود.

قرض الحسنه، انسان را از خودبینی و خودخواهی که مانعی بزرگ در برابر کمال طلبی انسان است، دور می سازد و او را به مرکز تمام کمال ها و زیبایی ها می کشاند. قرض الحسنه، روحیه مهرورزی، هم دلی و برابرخواهی را در انسان زنده می کند و در حقیقت، ترجمان شخصیت متعادل انسان و راه

ص: ۱۸

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ. ق / ۱۹۸۳ م، ج ۲، ج ۷۴، ص ۳۱۴.

نزدیک شدن به خداوند بزرگ است. همچنین سبب رشد فضیلت های اخلاقی، همچون سخاوت و بخشش در انسان می شود. توجه به نیاز هم نوعان و کمک به حفظ شأن و شخصیت آنان، به انسان لذتی می بخشد که در سایه این لذت، می تواند با اطمینان قلبی بیشتری در مسیر تکامل قرار گیرد.

قرض الحسنه یکی از ابزارهای اخلاقی است که خداوند با آن، هم از مشکلات نیازمندان گره گشایی می کند و هم قرض دهنده را از فضیلت ها و نعمت های بسیاری بهره مند می گرداند. افزون بر این، قرض الحسنه را می توان عاملی برای تهذیب روانی و تربیت روحی برشمرد؛ زیرا درست عمل کردن به این سنت حسنه می تواند سبب پالایش روح و روان از گناهان گردد. شاید بتوان گفت از یک نظر، فرد نخست باید خودسازی کند و سپس اهل قرض حسن باشد، ولی از نظر دیگر و با توجه به سفارش هایی که ائمه معصومین (ع) درباره قرض الحسنه و برخی امور خیر دیگر همچون انفاق و صدقه داشته اند و با دقت در آیات قرآن کریم، می توان نتیجه گرفت که پرداختن به قرض الحسنه و موارد مشابه آن، در خودسازی و تربیت اخلاقی فرد نقش مهمی دارند. در واقع، از مصداق های تقوا و خودسازی، قرض حسن است. خداوند برای اهل قرض حسن، بسیاری از نعمت های دنیوی و اخروی را وعده داده است. افزون بر اینها می توان مطمئن بود که خداوند برای ادا کننده قرض حسن، شرایطی را فراهم می آورد که فرد از نظر فضیلت های اخلاقی و خودسازی و تقوا نیز رشد کند و از توفیق های الهی بهره مند شود.

به طور کلی، در نظام اخلاقی اسلام، قرض دادن اهمیت ویژه ای دارد و

توجه به نیاز هم نوع و تلاش برای رفع نیاز او، از مهم ترین توصیه های اخلاقی معصومین (ع) است. می توان گفت در بسیاری از موارد، عمل به توصیه های معصومین (ع) از واجبات اخلاقی شمرده می شود و اگر فرد مسلمان به آنها عمل نکند، چه بسا گرفتار عذاب اخروی شود. اگر در احکام فقهی اسلام نیامده است که انجام دادن کارهای نیکو، مانند دست گیری از نیازمندان یا قرض دادن به آنان، واجب یا ترک کردن این کارها، گناه است و زمینه ساز کیفر اخروی خواهد شد، شاید بدان دلیل باشد که خداوند خواسته است بندگانش را با این گونه کارها بیازماید. اگر انسان بسیاری از امور عبادی را واجب بشمارد و ترک امور حرام را بر خود لازم بداند، ولی به برطرف کردن نیاز ضروری هم نوع خود بی توجه باشد، در این امتحان بزرگ الهی ناکام مانده است.

خداوند برای بهره مندی انسان از پاداش های بزرگ اخروی و برکت های فراوان دنیوی، زمینه انجام دادن امور اخلاقی را فراهم کرده است و همواره دوست دارد بندگانش افزون بر انجام دادن واجبات و ترک کردن محرمات، به انجام دادن مستحبات نیز مشتاق باشند. خداوند با توجه به اختیار و عقلی که در وجود انسان ها قرار داده است، می خواهد آنها را در استفاده از عقل و اختیارشان بیازماید که آیا همان گونه که به احکام اسلام عمل می کنند، به توصیه های اخلاقی اسلام نیز پای بندند؟ آیا آنان با تفکر در نشانه های الهی می توانند به اهمیت کمک به نیازمندان و اموری مانند قرض دادن و انفاق و بخشش در راه خداوند پی ببرند یا خیر؟

در نظام اخلاقی اسلام، همواره بیشترین پاداش ها و آثار دنیوی و

اخروی، برای اهل خیر در نظر گرفته شده است. از این رو، ترک آنها نیز آثار مخربی در پیکره فرد و جامعه بر جای خواهد گذاشت. نتیجه اینکه اهمیت انجام دادن این گونه امور خیر در بسیاری از موارد، نسبت به انجام دادن واجبات دینی (اعم از فردی یا اجتماعی) بیشتر است؛ زیرا افزون بر پاک سازی روحی فرد، پی آمدهای فراوانی نیز برای جامعه اسلامی به همراه دارد.

۱. آثار اخلاقی و تربیتی قرض الحسنه

الف) نزدیکی دل ها

هرگاه اعضای یک فامیل یا جمع دوستانه، گرفتار باشند، با دادن قرض الحسنه و محبت ورزیدن به افراد می توان آنان را در رفع گرفتاری شان یاری کرد. این کار سبب نزدیکی دل های آنان به هم و ایجاد صمیمیت خواهد شد. حتی اگر میان افراد، کدورتی باشد، این رفتار پسندیده اسلامی می تواند آن را از میان بردارد و سبب نزدیکی افراد به هم و پایداری دوستی آنان شود. (۱)

ب) پاک شدن از رذایل اخلاقی

چون قرض الحسنه، نوعی صدقه شمرده می شود، به حکم آیه قرآن می تواند سبب پاک شدن قرض دهندگان از رذایل اخلاقی، دنیاپرستی، بخل و

ص: ۲۱

۱- نک: علی نورمحمدی، قرض الحسنه، تهران، انتشارات فروزان، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۵۷.

امساک گردد. خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صِدْقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا؛ از مال های آنان صدقه ای بگیر تا پاکشان سازی و آنان را برکت و فزونی بخشی». (توبه: ۱۰۳)

شاید با توجه به سیاق این آیه و آرای مفسران، گفته شود که این آیه به گرفتن زکات مربوط است و درباره صدقه یا قرض نیست. در پاسخ می توان گفت همان گونه که در روایت های مختلفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین (ع) آمده است، کسانی که قرض می دهند و در سر موعد، موفق به دریافت قرض خود نمی شوند، می توانند قرض خود را به حساب زکاتشان قرار دهند. همچنین در برخی احادیث آمده مدت زمانی که سرمایه انسان به عنوان قرض در دست دیگران است، برای او ثواب صدقه نوشته می شود. این موارد و احادیث فراوان دیگر در این زمینه که پیش تر به برخی از آنها اشاره شد، می توانند دلیلی برای مرتبط بودن قرض با آیه یاد شده باشند.

ج) تقویت صله رحم

بی شک، برآوردن نیاز مؤمنان به ویژه بستگان، افزون بر ایجاد محبت و تأثیر عاطفی بر یکدیگر، سبب استواری پیوندهای خویشاوندی و صله رحم می شود. در بسیاری از صندوق های قرض الحسنه فامیلی و دوستانه، قرض الحسنه، بهانه ای شده است تا افراد، بیشتر همدیگر را ببینند و از احوال یکدیگر جويا شوند؛ یعنی در این گونه موارد، رفت و آمدها و احوال پرسی ها

د) تقویت روحیه جوان مردی و ایثار

خوب است در این باره، حکایتی را از کتاب فرج بعد از شدت دهستانی نقل کنیم. در این کتاب آمده است: «جوان مردی گوید که وقتی مرا تنگ دستی روی داد و نعمت و ثروت پشت به من آورد و فقر به غایت کشید و فاقه به نهایت انجامید و ماه رمضان طالع شد و از تأثیر طالع به ترتیب اخراجات (هزینه ها و خرج ها) ماه رمضان بر من متعذر گشت. دوستی علوی داشتم. رقعہ ای بدو نوشتم و هزار درهم قرض خواستم. او هزار درم در کیسه ای که مهر بر [آن] نهاده بود، [برای] من فرستاد و هم در آن لحظه، رقعہ ای از دوستی دیگر به من آوردند که او از من به جهت اخراجات ماه رمضان هزار درهم التماس کرده بود. من هم چنان آن کیسه سر به مهر بدو فرستادم و جانب او را بر جانب خود ترجیح دادم. چون روز دیگر شد، آن دوست که از من قرض گرفته بود و آن علوی که من از او قرض گرفته بودم، هر دو به نزد من آمدند. علوی از من پرسید آن دراهم را که با استقراض آن، مرا رهین منت گردانیدی، چه کردی؟ گفتم: «در مهمی صرف کردم.» او بخندید و کیسه زر سر به مهر [بیرون] کرد و در پیش من نهاد و گفت: «من به جز از این درهم ها هیچ نداشتم و آن [را] به جهت اخراجات ماه رمضان نهاده بودم. چون رقعہ تو به التماس آن محقر رسید،

ص: ۲۳

ایثار کردم و چون محتاج اخراجات ماه رمضان گشتم، به نزد این دوست رقعہ ای نوشتم و قرض خواستم. او این کیسه نزد من فرستاد؛ چون مہر خود بر وی دیدم، تعجب نمودم و کیفیت حال از وی پرسیدم. او با من حکایت کرد و ماجرا چنان کہ بود، شرح داد. اینک ہر دو نزدیک تو آمدہ ایم و کیسہ را آوردہ ایم [تا] با یکدیگر مقاسمت کنیم و آن را خرج کنیم. باشد کہ خدای تعالی دری از درہای روزی بر ما گشادہ گرداند.» و با یکدیگر، آن دراہم را تقسیم کردیم و ماہ رمضان در آمد و بیشتر آن درم ہا خرج کردہ بودم کہ یحیی بن خالد برمکی، بامدادی پگاہ، مرا خواند و گفت: «تو را دوش بہ خواب دیدم، در حالتی کہ تعبیر آن دلالت می کند در محنتی سخت و اندوہی بسیار بودہ باشی. حال خود را با من تقریر کن و از حقیقت آن و سبب تشویش، مرا باخبر کن.» من آن سرّ مکتوم را معلوم کردم و صورت ماجرا را کہ میان من و علوی و آن دوست رفته بود، با وی شرح دادم. او از آن تعجب نمود و گفت: «نمی دانم از شما کدام یک کامل تر است و در مروت تمام تر؟» و بفرمود تا سی ہزار درم بہ من دادند و ایشان رایکی دہ ہزار درم بفرستاد و حال ما نیکو شد و از ضیق و شدت، فرج یافتیم» (۱).

در این حکایت، اثر کار خیر بہ خوبی نمایان است. قرض دادن بہ افراد نیازمند و حل کردن گرفتاری آنان، چون یک کار کاملاً خیرخواہانہ و انسانی و مورد تأکید ادیان آسمانی بہ ویژہ دین اسلام است، برای فرد و جامعہ

ص: ۲۴

برکت خواهد آورد. با توجه به سفارش های موکد قرآن و معصومین (ع) در این باره، می توان نتیجه گرفت که قرض بیش از آنکه برای قرض گیرنده، آثار اقتصادی داشته باشد، برای قرض دهنده، آثار گوناگونی دارد که از آن جمله می توان به برکت یافتن سرمایه، ایجاد آرامش روانی و اثرگذاری اخلاقی اشاره کرد. گویی خداوند در رفتارهای شخص قرض دهنده، اثری وضعی قرار داده است که به واسطه عمل خیر او، پیوسته آثار مثبت بر روح و جسم و کارهای نیک او وارد می آید. البته دلیل اختصاص این همه آثار پربرکت برای عملی که گره گشای مشکلات بندگان و حافظ آبروی آنان است، شاید این باشد که خداوند دوست دارد همواره بندگان در انجام دادن چنین کارهایی و استمرار در آنها تشویق شوند و هیچ گاه خود را زیان دیده نپندارند.

ه (اثر روان شناختی

وقتی انسان با قرض دادن خود، زمینه خوش حالی نیازمندی را فراهم می آورد، احساسی تازه در خود می یابد که در شخصیت و روان او اثر می گذارد و مدت ها در ژرفای جان او باقی می ماند. با تکرار این کارها، کم کم، این احساس، در جنبه های شخصیتی و روانی انسان، آثار پایدارتری بر جای می گذارد. آن گاه با تثبیت این حالت ها در روح و روان فرد، زمینه شکوفایی بسیاری از استعداد های مثبت دیگر در او فراهم می شود. خداوند در این باره می فرماید: «إِنْ أَحْسَبْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا؛ اگر نیکی کنید، به خود کرده اید و اگر بدی کنید، به خود روا داشته اید». (اسراء: ۷)

عرف جامعه چنین می پندارد که اگر انسان، نیکی کند، گویا به دیگری

نیکی کرده است، در حالی که بر اساس منطق قرآن، انسان نیکوکار در واقع، به خود نیکی کرده است. این همان اثر روان شناختی است که از کار نیک در زندگی انسان، ایجاد می شود. از این رو، چون اعمال صالح، پربرکت و سازنده هستند، احساس هایی را در ما ایجاد می کنند و در روح و شخصیت ما اثر می گذارند. در آن صورت، مجموعه شخصیت انسان، مثبت، سازنده و بالنده می شود. از همین رو، هرچه انسان در راه خیر گام بردارد، اگر چه در ظاهر، به دیگری خدمت کرده است، ولی در اصل، خود شخص رشد می کند. (۱)

سرشت انسان نیازمند محبت و عاطفه است. به بیان دیگر، انسان به طور فطری دوست دار محبت است. وقتی فردی با کمک مالی خویش به صورت قرض و مانند آن، نگرانی را از دل برادر دینی خود بزدايد. در واقع، در حق او محبت کرده است و بی گمان، این محبت در قلب وی اثر خواهد گذاشت. از سوی دیگر، بازتاب این محبت در چهره و باطن فرد نیازمند، در وجود انسان قرض دهنده یا کمک کننده نوعی شادابی همراه با آرامش خاطر ایجاد می کند. این اثرگذاری های متقابل، رفته رفته شادکامی و حالت های روحی ویژه ای را در نهاد او ایجاد خواهد کرد که هیچ گاه حاضر نخواهد بود با ترک آن اعمال، خود را از این لذت ها و حالت های روحی محروم سازد. از این رو، نقشی را که اعمال صالح در حالت کلی و قرض حسن به عنوان مصداق برجسته و مهم آن، در شکل گیری روحیه سالم و سازنده ایفا می کنند، نباید

ص: ۲۶

۱- «گفت و گو با دکتر محمدرضا شرفی، استادیار دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی»، وام، بهار ۱۳۸۰، ش ۱۹، ص ۱۳.

نادیده گرفت. بسیاری از کسانی که همواره در کارهای نیک، پیش گام بوده اند، این حالت روحی را به خوبی درک کرده اند و آن را مدیون توفیق الهی در انجام دادن امور خیر می دانند.

گفتنی است افزون بر آرامش روحی، روانی و ایجاد لذت درونی در قرض دهنده، در گیرنده قرض نیز آثار مثبت روانی و روحی ایجاد می شود. با توجه به اینکه انسان، تشنه محبت از سوی دیگران است، وقتی از فردی محبت ببیند، احساس خوشایندی در دلش ایجاد می شود و می کوشد به فرد مقابلش محبت کند. به این ترتیب، پیوند میان او با اطرافیانش عمیق تر می شود. افزون بر آن، با این کمک و محبت هم نوعش، نگرانی هایش به سبب گرفتاری ها و سختی های زندگی زدوده می شود. در اینجا او احساس می کند هنوز در قلب اطرافیانش جا دارد و هنوز انسان هایی، او را دوست دارند و سرنوشت وی برای آنان مهم است. از این رو، خواهد کوشید در مواقع ضروری به دیگران محبت کند.

به این ترتیب، با عمل نیک قرض دادن، روح و روان قرض دهندگان و قرض گیرندگان و حتی اطرافیان شادمان و امیدوار می شود و آنان نیز می کوشند در احیای این سنت الهی، هر چه بیشتر سهم باشند. خداوند نیز همواره یاری گر چنین انسان هایی خواهد بود: «إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ.» (عنکبوت: ۶۹) امام علی (ع) در این زمینه فرموده است: «بِإِلْحْسَانٍ تَمْلِكُ الْقُلُوبَ؛ بِأِحْسَانٍ»

می توان دل ها را به دست آورد.»(۱) و «مِنْ كَثْرِ إِحْسَانِهِ، أَحَبَّهُ إِخْوَانُهُ؛ هر کس احسانش به دیگران بیشتر باشد، دیگران (برادران دینی اش)، او را بیشتر دوست خواهند داشت.»(۲)

۲. آثار اخروی قرض الحسنه

الف) پاداش آخرتی

در آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)، درباره اعطای پاداش به قرض دهندگان و تمامی نیکوکاران در دنیا و آخرت، مطالب فراوانی هست که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

یک _ خداوند در آیه ۲۰ سوره مزمل، پس از درخواست قرض از بندگانش می فرماید آنچه را از خیر، پیش می فرستید، نزد خداوند خواهید یافت و آن پاداش بزرگی دارد. تعبیر «أَعْظَمَ أَجْرًا» در پایان این آیه همان، پاداش فراوانی است که خداوند برای قرض دهندگان در نظر گرفته است.

دو _ خداوند در آیه ۱۱ سوره حدید، وعده «اجر کریم» را در مقابل پرداخت قرض حسن داده است: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ.» افزون بر اجر کریم در این آیه، افزایش حسنه این عمل نیز دیگر وعده الهی است که به پرداخت کنندگان قرض حسن داده شده است. با تأمل در صفت جمال «کریم» الهی درمی یابیم که چنین اجری از سوی خداوند متعال، ارزش فراوانی دارد. اگر بگوییم بخشی از این اجر، همان

ص: ۲۸

۱- عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۷ هـ. ق / ۱۹۸۷ م، ج ۱، ص ۲۹۹.

۲- همان، ج ۲، ص ۱۹۴.

«کرامت» و سخاوتی است که به بنده اش می دهد و او را در شمار اهل کرامت و سخاوت قرار می دهد، اشتباه نکرده ایم؛ زیرا دهنده این اجر، جایگاه والایی دارد و چون خود او مشوق چنین کارهایی است، با اجابت اولیه بندگانش، کم کم آنان را نیز اهل کرامت و بخشش می کند.

سه _ در آیات بعدی همین سوره آمده است که خداوند، نوری را برای اهل ایمان و پرداخت کنندگان قرض حسن قرار داده است که با آن نور، از منافقان جدا و روانه بهشت می شوند. صحبت های اهل بهشت با منافقان که از آنان نور می جویند، بسیار درس آموز است. مؤمنان در پاسخ آنان می گویند: «به دنیا برگردید و از آنجا نور بگیرید.» (حدید: ۱۲ و ۱۳)؛ یعنی باید از دنیا با خود نور می آوردید و با رفتار دنیوی خود صاحب نور می شدید.

چهار _ در آیه ۱۲ سوره مائده می خوانیم:

وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا كُفْرًا عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَادْخُلْنَكَم جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ.

و خدا را وامی نیکو دهید. هر آینه بدی هایتان را از شما بزدایم و شما را به بهشت هایی درآورم که از زیر [درختان] آنها جوی ها روان است.

افزون بر بخشش گناهان، خداوند به صراحت، به قرض دهندگان بهشت را وعده داده است. البته همان گونه که ظاهر آیه نشان می دهد، چنین پاداشی به قرضی داده خواهد شد که دو ویژگی داشته باشد: اول اینکه «حسن» باشد. بنابراین، قرضی که حسن نباشد، یا پاداشی نخواهد داشت یا پاداشش با این جزا قابل مقایسه نخواهد بود. دومین ویژگی آن است که گیرنده قرض حسن باید خود «خداوند» دانسته شود. البته خداوند به این قرض نیازی

ندارد؛ چون بی نیاز مطلق است، ولی برای تشویق بندگان نیکوکارش می خواهد با چنین قرارداد و تعبیری، زمینه حسن شدن قرض را فراهم آورد و به بندگانش بفهماند که چون گیرنده اصلی قرض، خود اوست، پس خودش جزای کار نیک را به خوبی خواهد داد.

پنج _ خداوند در آیه ۲۴۵ سوره بقره، جزای قرض دادن به او را با چند عبارت معنادار بیان می کند:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. (بقره: ۲۴۵)

کیست که خدای را وام دهد؛ وامی نیکو تا او را افزون دهد؛ افزونی های بسیار؟ و خدا [روزی را] تنگ و فراخ می کند و بازگشت شما به سوی اوست.

گفتیم که خداوند در برابر قرض حسن، «بهشت جاودان»، «اجر عظیم»، «اجر کریم» و «اجر مضاعف» را وعده فرموده است. در این سوره نیز خداوند با تعبیر جدیدی، پاداش پرداخت کنندگان قرض حسن را بیان می کند. هر سه عبارت «فیضاعفه»، «اضعافا» و «کثیره» به معنای افزودن، چندین برابر کردن و بسیار فراوان معنا می شوند؛ هر چند با هم مشترکاتی دارند. تأکید خداوند در بیان چنین پاداشی بسیار جالب است. خداوند برای یک قرض حسن، پاداشی چند برابر می دهد. همان گونه که پیش تر اشاره شد، چون خداوند دوست دار نیکی ها و کردارهای شایسته بندگان است و می خواهد بندگان اهل خیر و کردارهای شایسته باشند، کوچک ترین عمل خیر آنها را برکت و فزونی می بخشد و جزایی هم که می دهد، بسیار بزرگ تر از کار خیر بندگان است.

خداوند در آیات بسیاری از قرآن کریم، جزای خیر و پاداش های گوناگونی را به بندگان نیکو کارش وعده فرموده است، ولی در اینجا به همین مقدار بسنده می کنیم. در ادامه به برخی احادیث معصومین (ع) در این زمینه می پردازیم:

یک _ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد قرض فرموده است:

هر کس به دردمندی قرض دهد و در طلب آن به نیکویی رفتار کند، عمل خود را از سر بگیرد؛ (زیرا گناهان گذشته اش آمرزیده شده است و) خداوند به هر درهمی، هزار انبان از نعمت های بهشتی به او می دهد. هر که مشکلی از مشکلات دنیا را از برادر مؤمنش بگشاید، خداوند به رحمت خویش بر او نظر کند و او با این نظر الهی، به بهشت دست یابد... و هر کس به برادر مسلمانش قرض دهد، در برابر هر درهمی که قرض می دهد، به وزن کوه احد و کوه های رضوی و کوه های منطقه سینا برای او حسنه خواهد بود. اگر پس از سرآمد وقت مقرر، در طلب آن با وی مدارا کند، مانند برق جهنده درخشان و بدون حساب و عذاب از صراط عبور خواهد کرد. هر کس که برادر مسلمانش به او (از تهی دستی) شکایت برد و به وی قرض ندهد، خداوند در روزی که نیکوکاران را پاداش می دهد، بهشت را بر او حرام گرداند. (۱)

بخشش گناهان، نظر رحمت الهی، ورود در بهشت الهی و حسنه ای به وزن کوه های رضوی و سینا که نشان بزرگی پاداش الهی است، همه از

ص: ۳۱

نتیجه های اخروی قرض حسن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث، به آنها اشاره کرده است.

دو _ امام جعفر صادق (ع) می فرماید:

مؤمنی نیست که به مؤمن دیگری قرض بدهد و در آن خشنودی خدا را بجوید، مگر اینکه خداوند پاداش صدقه را برای او منظور کند تا اینکه مالش به او برگردد. (۱)

سه _ همچنین امام صادق (ع) فرموده است:

راه رفتن مسلمان به منظور برآوردن نیازمندی مسلمانی دیگر، از هفتاد طواف به دور خانه کعبه بهتر است. (۲)

افزون بر احادیث یاد شده، حدیث های فراوانی درباره رفع نیاز مستمندان و قرض دادن به آنان و انجام دادن اعمال صالح از پیشوایان معصوم (ع) به یادگار مانده است که در گفتارهای بعدی خواهد آمد.

(ب) بخش گناهان

افزون بر پاداش های فراوانی که خداوند به افراد نیکوکار و قرض دهندگان می بخشد، بسیاری از گناهان آنان را نیز می بخشاید. در اینجا، بخشی از این آثار قرض حسن را که در قرآن کریم آمده است، می آوریم. سپس این آثار را از منظر برخی حدیث ها بررسی می کنیم.

یک _ خداوند در سوره مزمل، از خود با صفت «غفورٌ رحیمٌ» یاد می کند.

ص: ۳۲

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ هـ. ق، ج ۴، ص ۳۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۱.

چنین تعبیری پس از دعوت از بندگان برای قرض حسن، می تواند بیانگر رحمت و آمرزش خداوند در مورد بندگان نیکوکارش باشد.

کلام قرآن در این باره چنین است:

... وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و وام نیکو به خداوند دهید و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و یا پاداشی بیشتر بازخواهید یافت و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است.

دو _ خداوند در سوره تغابن می فرماید:

إِنْ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ مُشْكُورٌ حَلِيمٌ. (تغابن: ۱۷)

اگر خدای را وامی نیکو بدهید، آن را برای شما افزون کند و شما را بیامرزد و خدا سپاس گزار و بردبار است.

آمرزش الهی، یکی از آثاری است که در پی دادن قرض حسن شامل حال انسان می شود. همچنین «حلم» خداوند در محاسبه و کیفر بندگان شامل حال چنین بندگان خواهد شد. برخی از مفسران در تفسیر «شکورٌ حلیم» گفته اند خداوند در عذاب و کیفر بندگان شتاب نمی کند.

سه _ همچنین خداوند، تکفیر گناهان را در نتیجه قرض حسن می داند و آشکارا، بخشش گناهان پرداخت کنندگان قرض حسن را وعده می دهد: «وَ أَقْرِضْتُمْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا كَفْرَ لَكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ». (مائده: ۱۲)

بنابراین، قرض حسن را نیز مانند توبه و استغفار می توان از عواملی

دانست که موجب کفاره گناهان می شود. (۱) البته این، تنها بخشی از اثر قرض حسن است و همان گونه که گذشت، فایده ها و آثار قرض حسن بسیار بیشتر از این موارد است.

چهار_ با توجه به اینکه قرض حسن در شرایط خاص، نوعی صدقه شمرده می شود و حتی گاه می تواند جایگزین زکات واجب شود، برخی از آثاری را که در قرآن و احادیث معصومین (ع) در این موارد آمده است، به قرض حسن می توان تعمیم داد. برای مثال، آیه ای که در مورد گرفتن صدقه یا زکات از مردم است، نتیجه این عمل را پاکی و تزکیه آنان بیان می کند: «تُخَذُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صِدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا؛ از مال های آنان صدقه ای (زکات) بگیر که بدان وسیله پاکشان می سازی و آنان را برکت و فزونی می بخشی (یا آنان را پاکیزه و پالایش می کنی)». (توبه: ۱۰۳)

در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم (ع) نیز به آثار قرض حسن در زمینه بخشش گناهان یا آسان گرفتن حساب آخرت و مسائلی از این دست، بسیار اشاره شده است که بخشی از آنها پیش تر آورده شد. در اینجا به چند حدیث دیگر اشاره می شود.

حضرت علی (ع) می فرماید: «بِالْإِحْسَانِ تُعَمَّدُ الذُّنُوبُ؛ با نیکی کردن، گناهان پوشیده می شود.» (۲) همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِذَا عَمِلْتَ سَيِّئَةً فَأَعْمَلْ حَسَنَةً

ص: ۳۴

۱- محمدحسین ابراهیمی، مقاله «طرح قرض الحسنه در سوره مائده»، وام، پاییز ۱۳۷۶، ش ۵، ص ۲۵.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۹۸.

تَمْحُوها؛ وقتی کار بدی کردی، در کنار آن کار خوبی انجام ده که آن را محو کند».(۱)

امام صادق (ع) نیز فرموده است:

... مؤمنی نیست که به مؤمن دیگری برای رضای خدا قرض دهد؛ جز آنکه خداوند، پاداش او را به حساب صدقه می گذارد و مؤمنی نیست که در پی برآوردن حاجت برادر مؤمنش برود، مگر آنکه خداوند برای او در هر گامی که برمی دارد، یک حسنه می نویسد و یک گناه از او پاک می سازد و یک درجه برای او بالا می برد و ده حسنه به او افزوده می شود و ده حاجت او برآورده می گردد.(۲)

با دقت در مفهوم احادیث یاد شده به خوبی می توان نتیجه گرفت که قرض حسن می تواند سبب آمرزش بسیاری از گناهان شود. البته آمرزش الهی درباره گناهایی است که در حق بندگان خداوند صورت نگرفته باشد. این احتمال نیز وجود دارد که خداوند با شیوه هایی درمورد آمرزش خطاهای انسان در حق دیگران، لطف خویش را نشان دهد و به واسطه اعمال خیر بندگان، از گناهان مربوط به حق الناس نیز بگذرد. در زمینه کوتاهی های انسان در مورد واجبات فردی و حق الله می توان گفت دایره گذشت خداوندی، گسترده است. چه بسا آثار وضعی رفتارهای نیک انسان از جمله قرض حسن، رفته رفته او را از ارتکاب گناه در حق دیگران باز دارد و بدین وسیله، زمینه هدایت و عاقبت به خیری او فراهم شود.

ص: ۳۵

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۹. برگرفته از: حسین واعظی نژاد، آینده ای بهتر در پرتو انفاق، تهران، بی نا، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۲۳۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۱.

اشاره

پیش تر گفتیم که قرض حسن هم اثر مثبت اخلاقی بر فرد و جامعه می گذارد و هم زمینه ساز بسیاری از ثواب های اخروی، به همراه بخشودگی یا تخفیف در مجازات گناهان پرداخت کننده قرض حسن می شود. بی شک، بخشی از آثار اولیه قرض حسن، به زندگی دنیایی افراد مربوط می شود. شاید در نگاه نخست، چنین به نظر آید که در قرض حسن، تنها قرض گیرنده از آن سود می برد، در حالی که بنا بر آیات و روایات، نه تنها گیرنده قرض، بلکه قرض دهنده و کسی که بخشی از دارایی اش را از خود جدا می کند و حتی اجتماعی که این دو در آن زندگی می کنند، از این داد و ستد نیکو بهره می برد. در ادامه می کوشیم با بررسی برخی از این آثار، گوشه ای از آثار فردی و اجتماعی قرض حسن را بیان کنیم.

الف) رشد مادی و معنوی انسان

همان گونه که در بررسی آثار اخروی قرض حسن بیان شد، برای اهل قرض، بهره های فراوانی هست که بخشی از آنها در دنیا خواهد بود. کسی که با قرض دادن، گرفتاری دیگران را رفع می کند، خود نیز مشمول عنایت ها و برکت های خداوندی قرار می گیرد و همواره در دارایی هایش برکت به وجود می آید. قرآن می فرماید: «خداوند، ربا را نابود می کند و صدقه ها را برکت می دهد.» (بقره: ۲۷۶) همچنین امام حسین (ع) فرموده است: «السَّخَاءُ غِنَى؛

در حقیقت، یکی از آثار بخشش و سخاوتمندی آن است که فرد یا از امور مادی بی نیاز می شود یا به برکت این صفت نیکو، خداوند، خلق و خوبی به او می بخشد که با آن، دارایی اش فزونی می یابد و سرانجام بی نیاز می شود. همان گونه که پیش تر اشاره شد، لازمه بهره مندی از برکت های فراوان قرض، این است که قرض، حسن باشد و قرضی حسن است که پرداخت کننده آن دارای صفت بخشندگی باشد. هرگز کسی که بخیل است و نمی تواند مقداری از مال و دارایی اش را ببخشد، نمی تواند اهل قرض حسن باشد.

آنچه بیان شد، تنها آثار مادی قرض حسن است. برای قرض حسن، آثار معنوی فراوانی نیز می توان برشمرد، مانند اینکه فرد با کمک به دیگران به نوعی خشنودی و آرامش قلبی می رسد یا پس از حل گرفتاری دیگران و دیدن شادکامی آنان، شادی وصف ناپذیری احساس می کند. کوشش برای رفع مشکلات دیگران و کمک به مردم، روح بندگی را در وجود انسان تقویت می کند و آثاری بر روح فرد می گذارد که او را به آنچه از نماز و روزه نیز حاصل می شود، می رساند. امام حسین (ع) از پدر بزرگوارشان نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که برای برطرف کردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد، گویی

ص: ۳۷

خداوند را نه هزار سال عبادت کرده است، در حالی که روزها را روزه بوده و شب‌ها را به شب زنده داری گذرانده باشد. (۱)

ب) افزایش محبت میان مردم

قرض حسن سبب افزایش شمار دوستان می‌شود و حتی در تداوم دوستی‌ها نیز اثر فراوانی بر جای می‌گذارد. (۲) علی (ع) می‌فرماید: «بِالْإِحْسَانِ تَمْلِكُ الْقُلُوبَ؛ با نیکی کردن، صاحب دل‌ها شوید.» (۳) نیز از همان بزرگوار است که: «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ اسْتَدَامَ النَّاسَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ؛ هر کس به مردم احسان کند، دوستی آنان با او دوام می‌یابد.» (۴)

ج) عاقبت به خیری

امام علی (ع) درباره احسان کردن به خلق می‌فرماید: «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ حَسِبَتْ عَوَاقِبُهُ وَ سَيُهَلَّتْ لَهُ طَرَائِقُهُ؛ هر که به مردم نیکی کند، عاقبت به خیر می‌شود و مسیر زندگانی‌اش آسان می‌گردد.» (۵)

د) دچار نشدن به بیماری‌های جسمی و روحی

امام صادق (ع) با برشمردن پاداش قرض الحسنه، به یکی از اصحابش می‌فرماید:

ص: ۳۸

-
- ۱- نهج الحیاه، ص ۹۵، برگرفته از: مهدی غفاری، مقاله «احسان در سیره سیدالشهدا»، وام، بهار ۱۳۸۱، ش ۲۳، ص ۲۵.
 - ۲- آینده ای بهتر در پرتو انفاق، ص ۲۳۲.
 - ۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹۸.
 - ۴- همان، ج ۲، ص ۲۰۹.
 - ۵- همان، ص ۲۱۷.

ای عثمان، اگر بدانی که شأن مؤمن نزد خدا چه قدر است، هرگز در برآوردن حاجت او سستی نخواهی کرد... برآوردن حاجت مؤمن، دیوانگی و پستی را [از انسان] دور می سازد. (۱)

هـ) دوری از اندوه

خداوند می فرماید:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (بقره: ۲۷۴)

همچنین در قرآن آمده است:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (بقره: ۲۷۷)

آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و نماز را بر پا داشتند و زکات دادند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

شاید اشکال شود که بسیاری از آیات و احادیث، بیشتر به صدقه و انفاق اشاره دارند تا به قرض حسن. پس چگونه می توان آثار آنها را به قرض تعمیم داد؟ در پاسخ باید گفت به تصریح خود آیات و احادیث، ارزش، فضیلت و ثواب قرض بالاتر از انفاق و صدقه است. از این رو، وقتی فضیلت امری مانند قرض حسن، بیشتر از صدقه است، آیا آثار چنین عملی را می توان ضعیف تر از آثار صدقه و انفاق دانست؟

به جز این، آیات و احادیثی که به برطرف شدن بیماری ها و نگرانی ها و

ص: ۳۹

اندوه‌ها از دل قرض دهندگان اشاره دارند، دلالت می‌کنند که می‌توان آثاری از این سنخ را برای قرض حسن نیز در نظر گرفت. افزون بر اینها، با تدبّر در احادیث و آیات قرآنی و با توجه به آرای مفسران، می‌توان نتیجه گرفت که قرض حسن، نوعی صدقه است و جایگاهش را در کنار دیگر انواع صدقه‌ها و زکات‌های مستحب برشمرده‌اند. از این رو، می‌توان گفت آثاری که در احادیث مربوط به صدقه و انفاق برای درمان بیماری‌ها، رفع اندوه‌ها و نگرانی‌ها و رفع بلاهای دنیوی وارد شده است، قرض حسن را نیز دربرمی‌گیرد.

(و) استحکام پیوندهای اجتماعی

اجرای سنت قرض الحسنه می‌تواند عاملی برای بیشتر شدن صله رحم و پیوندهای اجتماعی شود. در سایه همین رفت و آمدهای اجتماعی، زمینه مشارکت، همکاری و هم‌فکری بیشتر فراهم می‌شود و استعدادها شکوفا می‌گردند.

(ز) ایجاد تعادل اجتماعی

کمک به حل مشکل نیازمندان جامعه و برطرف شدن فقر، سبب حفظ شخصیت و ارتقای روحیه آنان خواهد شد. اگر نیازشان بی‌پاسخ بماند، اجتماع از آثار خطرناک و پنهان رفتارهای پیش‌بینی‌ناپذیر آنان در امان نخواهد بود. آمار جرم و جنایت افراد نیازمندی که نتوانسته‌اند مشکل خویش را برطرف کنند و کم‌کم به راه‌های خلاف کشیده شده‌اند، گویای این امر است. عقده‌های روانی که بر اثر ایجاد فاصله‌های طبقاتی شدید و

محرومیت های مادی پدید می آید، می تواند برای هر اجتماعی بسیار خطرناک باشد.

با قرض حسن می توان بخش مهمی از نیازهای افراد نیازمند را حل کرد و اجازه نداد که چنین مسئله کوچکی به خطر بزرگ اجتماعی تبدیل شود. البته اگر در کنار قرض حسن، دیگر آموزه های اسلامی همچون هم یاری، پرداخت زکات و خمس و مالیات و مانند آن اجرا شود، در آن صورت، جامعه وضعیت عادلانه ای خواهد داشت و خواست اسلام نیز همین است. (۱)

ح) تأمین اجتماعی

ح) تأمین اجتماعی (۲)

از آنجا که «ضروری بودن مورد استفاده قرض»، یکی از ارکان آن است، پدید آوردن امنیت اقتصادی از آثار این نهاد شمرده می شود. در واقع، افراد اجتماع اطمینان دارند که هرگاه حادثه ای، بعضی از نیازها را ضروری سازد، نهاد قرض به یاری شان می شتابد و نیازهای آنان را برآورده می سازد. بنابراین، قرض می تواند یکی از ابزارهای مهم جذب منابع برای تأمین اجتماعی در بخش کفالت همگانی شمرده شود.

توجه به مطالب زیر اهمیت قرض را در مقایسه با دیگر منابع تأمین اجتماعی که رنگ انفاق و صدقه دارند، آشکار می سازد:

ص: ۴۱

۱- محمدحسین ابراهیمی، مقاله «فلسفه و آثار اجتماعی قرض الحسنه»، وام، پاییز ۱۳۷۵، ش ۱، ص ۱۲.

۲- قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، ص ۸۴.

یک _ گاه فرد در آینده، توان بازپرداخت دارد. بنابراین، در این موارد، قرض از صدقه، برتر است.

دو _ در قرض، به دلیل لزوم بازپرداخت، بیشتر می توان انتظار استمرار داشت. هر دو ساختار قرض و صدقه، تأمین اجتماعی (رفع نیازهای جامعه) را پدید می آورند، ولی چون در صندوق تعاون، تمام اعضا در گردآوری وجوه مشارکت دارند، این ساختار به ساختار تأمین اجتماعی کنونی شباهت بسیاری دارد. در واقع، افراد می توانند با انگیزه های مختلف مانند رفع نیازهای دوران سالخوردگی، ازدواج و هزینه تحصیلات فرزندان، چنین صندوق هایی را بنیان نهند تا این صندوق ها هنگام پدید آمدن چنین نیازهایی، بر اساس قانون معین، به آنها وام دهند.

ط) تقویت نیروهای دفاعی جامعه برای افزایش ضریب امنیت اجتماعی

با استفاده از آیات مجاور آیه قرض (حدید: ۱۱) و آیات سیاق مربوط به قرض حسن در سوره بقره، می توان نتیجه گرفت یکی از زمینه های استفاده از قرض حسن، تقویت نیروهای دفاعی اسلام و تأمین ابزارهای لازم برای آنان است.^(۱)

ی) اثرگذاری روحی و روانی بر اجتماع

اگر انسان تجزیه و تحلیل درستی در مورد آثار اجتماعی امور خیریه داشته باشد، خواهد دید وقتی کار خیر در جامعه بیشتر می شود، جامعه حالت دیگری به خود می گیرد؛ زیرا اشاعه خیر، خود، خیر دیگری است.

ص: ۴۲

۱- نک: قرض الحسنه، ص ۵۱.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا؛ کسی که کار نیکی انجام دهد، ده برابر مثل همان نیکی، برای اوست». (انعام: ۱۶۰)

با توجه به این آیه، مردم مشتاق می شوند تا برای انجام کار خیر گام بردارند. چون دل های مردم تشنه محبت دیگران است، وقتی کار نیکی را در جامعه ببینند، پیوندهای عاطفی بیشتر می شود و سختی ها در جامعه تقسیم می شود و بر شانه یک نفر سنگینی نخواهد کرد. وقتی انسان های گرفتار ببینند که دیگران مشکلات آنها را درک می کنند، احساس آرامش می کنند. در واقع، اگر هر کسی، گوشه ای از کار را برعهده بگیرد، سختی ها برای هیچ کس نمود نمی یابد و پی آمد اجتماعی کارهای خیر، ایجاد جامعه ای شاداب و به دور از رنج ها و آزارهای روحی و روانی خواهد بود که این سلامتی روانی و جسمی بر روند زندگی اجتماعی افراد اثر می گذارد. (۱)

۴. آثار اقتصادی قرض الحسنه

الف) ایجاد تعادل اقتصادی

قرض الحسنه در کنار دیگر صدقه های مستحب و واجب، نقش مهمی در ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه دارد. در هر جامعه ای، کسانی هستند که با وجود تلاش پی گیرشان، با گرفتاری های غیرمنتظره ای روبه رو می شوند و وضعیت متعادل اقتصادی آنها به هم می خورد. پیش بینی های مکتب اسلام در زمینه برطرف کردن چنین مشکلاتی، بسیار راه گشاست. اگر مسلمانان

ص: ۴۳

۱- «گفت و گو با دکتر محمدرضا شرفی، استادیار دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی»، وام، ش ۱۹، ص ۱۴.

و اعضای جامعه اسلامی در اجرای این راه کارها بکوشند، بی شک، فقر از جامعه اسلامی رخت برمی بندد. در جامعه امروز ما به دلیل مشکلات بی شمار اقتصادی، فرهنگی و زیربنایی توسعه و نیز شرایط متأثر از حکومت های غیراسلامی در دوران گذشته و دخالت های بیگانگان، رفع فقر و ایجاد عدالت اجتماعی در کوتاه مدت امکان پذیر نیست، ولی برای رفع بخشی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه باید روش های مناسب تری را آزمود و در ترویج آنها کوشید.

یکی از این راه های ممکن و مؤثر در حل مشکلات اقتصادی، قرض الحسنه است. درباره آثار اقتصادی قرض الحسنه، به موارد زیادی می توان اشاره کرد. اقتصاددانان، به تفصیل درباره اثرگذاری های اقتصادی قرض در جامعه و نظام پولی بحث کرده اند، ولی با توجه به موضوع و عنوان این پژوهش، نخست به برخی نکته های برگرفته شده از احادیث و آیات قرآنی اشاره می کنیم. سپس به بیان برخی آثار فردی و اجتماعی قرض حسن خواهیم پرداخت.

موضوع قرض حسن در شش جای قرآن کریم، مطرح گشته و از مسلمانان خواسته شده است این سنت حسنه را در جامعه زنده نگه دارند. در کنار طرح موضوع قرض حسن در قرآن کریم، این نکته جای تأمل دارد که تقریباً در تمامی این موارد و آیات سیاق مربوط یا آیات مجاور این سیاق ها، موضوع هایی مانند انفاق، زکات، صدقه، جهاد و شرکت در آنها طرح شده است. از آنجا که هدف از تمامی این موضوع ها در جامعه اسلامی، یکسان است و وظیفه نوعی بیمه گری در برابر جریان فقر را بر

عهده دارند، لزوم دقت بیشتر در آیات یاد شده دو چندان می شود. خداوند متعال برای استواری پیوندهای جامعه اسلامی، دستورهای لازم را در احکام دین قرار داده است. قرض حسن در کنار دیگر انواع صدقه های واجب و مستحب، نقش بسیار مهمی در ایجاد عدالت اجتماعی ایفا می کند، ولی خداوند با دعوت ها و تشویق های لطیف خود در مورد قرض حسن، گویی نظر ویژه ای برای آن قائل بوده است. در این باره که در قرآن، برخی تعبیرها به طور خاص در مورد قرض حسن به کار رفته است، باید بیشتر تأمل شود.

قرض الحسنه، بهترین راه سازنده برای حل کردن گرفتاری های اقتصادی مردم است. از این رو، خداوند برای آن پاداش ویژه ای در نظر گرفته است. در قرآن، قرض حسن در کنار انفاق، صدقه و زکات، مطرح شده است، ولی جایگاهی بسیار بالاتر از آنها دارد و این نشان می دهد که نقش آن در جامعه کارسازتر و کم آفت تر است. درباره علت برتری قرض بر صدقه، در روایات می خوانیم که در قرض دادن، حرکت و فعالیت انسان، نهفته است. امام صادق (ع) در مورد علت فضیلت ثواب قرض در مقایسه با صدقه می فرماید:

وَذَلِكَ أَنَّ الْقَرْضَ لَا يَكُونُ إِلَّا فِي يَدِ الْمُحْتَاجِ وَ الصَّدَقَةُ رُبَّمَا وَقَعَتْ فِي يَدِ غَيْرِ مُحْتَاجٍ. (۱)

قرض تنها در دست نیازمند قرار می گیرد و صدقه چه بسا در دست بی نیاز قرار گیرد.

قرض برای حل مشکل و رفع گرفتاری نیازمندان مصرف می شود و

ص: ۴۵

پیوسته در چرخش است و بنا نیست در دست کسی قرار گیرد که به آن نیاز ندارد. از این رو، بیشتر از صدقه ارزش دارد. امام خمینی رحمه الله در مورد قرض الحسنه می فرماید:

قرض الحسنه از اعمال بسیار خوب است و از همین طور پول دادن، بهتر است. یکی از نکته هایش شاید این است که در قرض الحسنه، فعالیت به دنبال قرض است. مجانی دادن، شاید گدا درست کردن باشد. [در قرض الحسنه] آن کسی که قرض می کند، موظف است که پس بدهد. از این رو، او به فعالیت می افتد که در وقت خودش بتواند قرضش را ادا کند و بعد هم که مازادی پیدا کرده است، به کار خودش ادامه بدهد، ولی آن کسی که نشسته است کنار کوچه و از مردم چیزی می خواهد، او هیچ وقت در این فکر نیست که یک کاری بکند. برای اینکه مطالبه ای ندارد [و] کسی نمی آید از او مطالبه کند. (۱)

بنابراین، نتیجه قرض، تلاش و فعالیت است. حتی اگر فرد نیازمند، از قرض، در جهت کار تولیدی استفاده نکند، همین که در فکر ادای قرض باشد، او را به تلاش و تحرک وامی دارد. می پرسیم اگر انفاق و صدقه هم مورد مصرف ضروری یک فرد نیازمند قرار گیرند و برای امور بی فایده صرف نشوند، آیا با قرض برابری نخواهند کرد؟ در پاسخ می توان گفت هرچند بخشی از فضیلت قرض به نیازمندی یا بی نیازی فرد گیرنده مربوط

ص: ۴۶

۱- سخنان بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینیه در جمع مدیران صندوق های قرض الحسنه سراسر کشور، ۲۰/۳/۱۳۵۹.

می شود، ولی بخشی نیز به فعالیت پس از درخواست قرض برمی گردد. فرد بهره مند از صدقه با وجود استفاده درست و ضروری، خود را برای بازپرداخت آن چه گرفته است، مجبور به تلاش نمی بیند، درحالی که در قرض، قرض گیرنده تلاش می کند بدهی خود را بپردازد. از این رو، با این عمل خود، به اقتصاد خانواده و جامعه اش فایده خواهد رسانید.

علت دوم برتری قرض نسبت به صدقه که اثر بسزایی در مسائل اقتصادی جامعه دارد، این است که در شرایط سالم اجتماعی، وقتی برای افراد جامعه مشکلی ایجاد می شود، بهترین راه کار آن است که برای شأن افراد، اثر منفی کم تری داشته باشد. اگر چنین راه حلی برای رفع مشکلات اقتصادی و مالی افراد پیدا نشود، بی گمان، آن افراد دو راه بیشتر پیش رو نخواهند داشت؛ یا باید به نیاز اقتصادی و چه بسا ضروری خود بی توجه باشند و منتظر پی آمدهای منفی آن بمانند یا اینکه برای حل مشکل خود، با کشیده شدن به راه های ناشایست کسب درآمد نادرست، نیاز خود را برطرف سازند. ناگفته روشن است که با رواج چنین اعمالی، امنیت و رفاه و تعادل جامعه به خطر می افتد و زمینه گرفتاری های اقتصادی _ اجتماعی بعدی فراهم می شود.

توجه ویژه قرآن کریم به قرض حسن برای این است که قرض حسن در مقایسه با دیگر موارد توصیه شده دینی، همانند انفاق و صدقه، بهترین و سالم ترین راه کمک به نیازمندان است. افراد نیازمند، برای حل مشکل خود راحت تر به طرف قرض می روند و چون قصد دارند در اولین فرصت ممکن، قرض خود را باز پس دهند، برای این کار چندان احساس شرمندگی

و نگرانی نمی کنند. به جز آن، جریان داشتن قرض، حساب آن را از موارد مشابه جدا می کند. وقتی توان مندان جامعه، سرمایه و دارایی خود را در حال گردش بدانند، بیشتر به آن رغبت نشان می دهند. همچنین قرض گیرنده برای بازپرداخت قرض، به کار و تلاش اقتصادی می پردازد.

(ب) حذف ربا

از آنجا که ربا، پی آمدهای بسیار زیان بخشی برای جامعه دارد و با رواج آن، سرمایه های مردم در راه های ناسالم به کار می افتد و پایه های اقتصاد که اساس اجتماع است، سست می شود، رواج قرض الحسنه می تواند به خوبی از گسترش این آفت بزرگ اجتماعی جلوگیری کند. درباره فلسفه حرام بودن ربا و پی آمدهای زیان آور آن بر پیکره اجتماع، سخن بسیار است که در اینجا تنها به برخی از آنها اشاره می شود:

یک _ ربا سبب نابودی سرمایه های مردم می شود و حرص گروهی را برای سودجویی بیشتر برخواهد انگیخت و این حرص و طمع سبب می شود مردم، سنت قرض را ترک کنند.

دو _ به فرموده امام صادق (ع)، ربا سبب ترک تجارت مردم می شود و آنها را از حلال، دور و به حرام، نزدیک می گرداند. (۱)

سه _ ربا موجب فساد مالی می شود. از آنجا که رباخوار، سرمایه و درآمد دیگران را جزو اموال خود می کند، گویی عامل نابودی دارایی آنان است. از

ص: ۴۸

این جهت، قرآن کریم، ربا را «ظلم» نامیده است. (۱)

چهار _ ربا سبب رواج سودجویی میان مردم می شود. اهل ربا، رفته رفته، شیفته راه های درآمدزا و بدون زحمت ربا می شوند و بدین صورت، قرض را که امری پسندیده است، ترک می کنند.

پنج _ ربا سبب نوعی دیوانگی می شود. خداوند در قرآن می فرماید:

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ. (بقره: ۲۷۹)

آنان که ربا می خورند، برنخیزند، مگر مانند برخاستن کسی که شیطان او را به سبب آسیب رساندن، پریشان و دیوانه سازد.

این عکس رفتار قرض دهنده است؛ زیرا به فرموده امام صادق (ع)، رهایی از پیسی و دیوانگی و جذام و رفع نیازمندی های مؤمنان از پی آمدهای مثبت قرض حسن است.

استاد مطهری در بیان علل حرمت ربا به شش مورد اشاره می کند که عبارتند از:

اول _ ربا مانع احسان و استفاده نیازمندان از دیگران است.

دوم _ رابطه ثروت و کار قطع می شود؛ یعنی کسی که از پول بهره می گیرد، ثروتی را به دست می آورد که برای به دست آوردنش، کار نکرده است.

سوم _ ربا سبب می شود که سرمایه دار کار نکند و نیروی انسانی او را کد

ص: ۴۹

بماند و از این نظر، رکود اقتصادی در جامعه پیش آید.

چهارم _ ربا سبب می شود گروه تولیدکنندگان در جامعه نباشند؛ چون ربا، اجتماع را به دو طبقه مولد و غیرمولد تقسیم می کند.

پنجم _ ربا یکی از شئون سرمایه داری است؛ چون فردی تنها خودش کار می کند، ولی دیگری هم خود و هم سرمایه اش کار می کنند که در نتیجه، تعادل اجتماعی به کلی به هم می ریزد. (۱)

افزون بر این آثار، به برخی دیگر از آثار ربا از زبان یکی از نویسندگان اهل تسنن اشاره می کنیم: (۲)

اول _ ربا موجب می شود فقیر، فقیرتر و غنی، غنی تر شود.

دوم _ نظام رباخواری، موجب تمرکز ثروت در دست گروهی خاص می شود و در پی آن، قدرت هم در دست آنان قرار می گیرد.

سوم _ رباخواری موجب ترس سرمایه دار از حفظ سرمایه و جانش می شود و نیز موجب ترس فقیر به خاطر روزی اش می شود.

چهارم _ رباخواری به افزایش جرم و جنایت می انجامد. در نتیجه، عقیده ها را سست می سازد.

امام خمینی رحمه الله درباره ربا می فرماید:

کمتراهایی است که به اندازه ربا در قرآن و سنت به او اهمیت

ص: ۵۰

۱- نک: فلسفه و آثار اجتماعی قرض الحسنه، ص ۱۶۰، به نقل از: استاد مطهری، مسئله ربا به ضمیمه بیمه.

۲- همان، ص ۱۶۲.

داده شده باشد و او را مطرود کرده باشد. نکته اش این است که اگر ربا رواج بگیرد، فعالیت کم می شود. یکی از نکاتش این است که در مقابل ربا، کار نیست. این سودی که می برد، این توی خانه اش نشسته و عیاشی می کند و پولش دارد اضافه می شود. یک همچو چیزی را که آدم بخواهد ربا بگیرد و تحمیل بکند به مسلمین، این از یک طرف ظلمی است _ به حساب آیه شریفه که تعبیر ظلم کرده است _ و از یک طرف دیگر، بی کاری درست می کند. این پول باید راه بیفتد و کار انجام بگیرد. از آن، رزق پیدا بکند. اینها پول را همین طور می گذارند آنجا دست یک کسی و می خواهند این پول برایشان بدون کار افزایش یابد و این در جامعه، فساد بزرگی است و این را قرآن شریف، ظلم نامیده است: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) و این طور تشبیه کرده است: «فَأَذِنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ». این اهمیت زیاد [ای] دارد و به همان اندازه ای که قرض به ربا محکوم است، به همان اندازه، قرض به حسنه و بدون ربا و «همین طور دادن» مطلوب است. (۱)

همچنین امام خمینی رحمه الله در مناسبت های مختلف درباره ربا فرموده است:

ربا موجب بی کاری عده ای رباخوار از صنعت و کار می شود. ... (۲) ربا، موجب ظلم و بی کاری است...

اصلاً بهره از پول، یک امری است بسیار خلاف انصاف و خلاف انسانیت؛ یک پولی آنجا گذاشته اند، بعد، از این پول، نه کاری، نه

ص: ۵۱

۱- صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۳. با اندکی گزینش

۲- همان، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

چیزی در آورند. بدترین نوع استثمار همین رباست که در مقابل هیچ، خود پول که هست و در مقابل هیچ، پولش اضافه شود یا بهره بردارد. البته در اسلام، این به هر صورتش حرام است؛ حتی این فرارهایی که بعضی جایز می دانند، هم صحیح نیست. (۱)

با درست عمل کردن به سنت قرض حسن می توان تا حدود زیادی از آفت ربا در امان ماند. برخی از کارشناسان علوم اقتصادی معتقدند برای نابودی کامل ربا، افزون بر ترویج قرض باید از راه هایی مانند دادن وام های تولیدی خدماتی و عمرانی و نیز مشارکت در طرح های عمرانی و اقتصادی با به کار بستن قراردادهای اسلامی پیش بینی شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا استفاده کرد. (۲)

ج) کاهش فقر در جامعه

اگر سنت حسنه قرض در جامعه رواج یابد، می توان زمینه کار بسیاری از بی کاران را فراهم آورد و به این ترتیب، سطح تولید را در جامعه بالا برد. بی گمان، با افزایش بی کاران جامعه، قدرت خرید مردم نیز کاهش خواهد یافت و همین امر سبب کاهش تقاضا و به دنبال آن، کاهش تولید خواهد شد. در جامعه ای هم که تولید و کار کاهش یابد، میزان فقر و فساد فزونی می یابد. از این رو، احیای سنت قرض حسن در جامعه در بعد مصرفی و

ص: ۵۲

۱- همان، ج ۶، ص ۲۲۲. با اندکی گزینش

۲- حسن علی مؤذن زادگان، مقاله «عوامل پیش گیری از ارتکاب جرم»، وام، زمستان ۱۳۷۹، ش ۱۸، ص ۳۸.

تولیدی، عامل رونق اقتصادی است. (۱)

(د) کاهش هزینه های دولت اسلامی

با توجه به منابع محدود دولت اسلامی برای تأمین هزینه های مختلف جامعه با قرض های در گردش مردم و جبران بخشی از سرمایه های ملی مورد نیاز دولت، می توان از هزینه های فراوان دولت کاست.

(هـ) کاهش روحیه ثروت اندوزی

با مشارکت های مردم در قرض حسن، نوعی تعادل در روحیه اقتصادی آنها ایجاد می شود و آنان با تمرینی که در دادن صدقه، انفاق، زکات، خمس و قرض انجام می دهند، کمتر به جمع کردن مال دنیا دل بستگی پیدا می کنند و با به کار انداختن سرمایه های راکد می توانند در اقتصاد جامعه اثرگذار باشند.

(و) تقویت نظام اسلامی

کمک های مردمی به گروه های ضعیف و ایجاد زمینه مناسب برای رشد آنان و جلوگیری از پدید آمدن آفت های اجتماعی که در پی برنامه های زیربنایی و دست گیری از نیازمندان واقعی صورت می گیرد، به موفقیت حکومت می انجامد. بنابراین، یکی از آثار مثبت قرض حسن در جامعه اسلامی، تقویت حکومت اسلامی است. وقتی مشارکت مردمی در اقتصاد جامعه زیاد شود، مشکلات دولت و نظام نیز کمتر خواهد شد و این به معنای پشتیبانی مردم از نظام و دولت است.

ص: ۵۳

ز) به کار افتادن پول های راکد

چون مصرف کنندگان قرض الحسنه، از پول های ذخیره شده مردم استفاده می کنند، رواج فرهنگ قرض الحسنه، این وجوه را به جریان می اندازد. با استفاده از این وجوه، زمینه کار بخشی از مصرف کنندگان و تولید کنندگان جامعه در بخش اقتصاد فراهم می شود و رفاه و تولید کل در اقتصاد بالا می رود. (۱)

ح) اثرگذاری بر توزیع درآمد

قرض، آثار اقتصادی مثبتی بر توزیع درآمد دارد. ویژگی های مهمی که از این جهت برای قرض برشمرده اند، عبارت است از:

یک - قرض، برخلاف مالیات ها، سبب انتقال اختیارات درآمد افراد به دولت نمی شود. پس تخصیص بهینه آنها در جهت عدالت اجتماعی به اجرای برنامه های درست در چارچوب بودجه های عمومی وابسته نیست. در قرض، وام دهنده، به طور مستقیم، قرض را به نیازمند منتقل می کند و دولت هیچ گونه نقش واسطه ای ندارد تا درستی و نادرستی برنامه هایش در آثار قرض بر توزیع درآمد دخالت مستقیم داشته باشد.

دو - قرض با مبانی توزیع درآمد در اسلام هماهنگی کامل دارد. با توجه به اینکه در قرض، هیچ اجباری نیست و وام دهنده به اختیار خود در این راه گام می نهد، در آن، احترام به مالکیت خصوصی به طور کامل مشهود است.

ص: ۵۴

۱- سید کاظم صدر، مقاله «آثار اقتصادی رفتار و عقد قرض الحسنه»، وام، زمستان ۱۳۷۵، ش ۲، ص ۲۵.

از سوی دیگر، ثروتمندان می دانند که مالکیت آنان پس از مرتبه مالکیت مطلق خداوند است و بنا بر آموزه های الهی در برابر نیازمندان مسئولیت دارند. این امر، انگیزه کافی در آنان پدید می آورد تا با اختیار و آزادی وام دهند. احترام به مالکیت خصوصی و نیز رعایت اختیار و آزادی افراد سبب می شود که نهاد قرض با انگیزه افزایش تولید و رشد اقتصادی منافاتی نداشته باشد.

سه _ در قرض، مبلغ وام به خرید کالاهای ضروری اختصاص می یابد. از این رو، منافع موجود در اقتصاد، از طریق سیستم قرض، به تولید کالاهای ضروری تخصیص می یابد و برای تولید کالاهای تزیینی هزینه نمی شود. پس قرض، ساختاری است که تخصیص مطلوب منابع نیز در آن گنجانده شده است. البته در نظام اقتصادی اسلام، تولید کالاهای تزیینی نیز در برخی از موارد پیش بینی شده است، ولی از آنجا که هدف این مکتب، برقراری عدالت اجتماعی است که دست یابی بدان با برآورده شدن نیازهای ضروری عمومی، امکان پذیر خواهد شد، تخصیص منابع در این جهت همچون گذشته مطلوب خواهد بود.

چهار _ در قرض، شاخص های یک ساختار توزیع مطلوب به چشم می خورد؛ زیرا:

اول _ با قرض دادن، انگیزه های تولید از افراد گرفته نمی شود؛

دوم _ قرض، پس از اعمال سازوکار قیمت ها و در محدوده تولیدات، مباح است. بدین سبب، در آغاز، با سازوکار بازار، بالاترین سود برای مصرف کننده و تولیدکننده تحقق می یابد. البته فرض بر این است که سازوکار

بازار در تخصیص بهینه منابع، عامل اساسی است.

سوم _ قرض، زمینه های انحصار را برمی چیند؛ زیرا با انتقال موقت مالکیت به طبقه نیازمندان، یکی از عوامل پیدایش انحصار که مالکیت انحصاری است، خنثی می شود. از سوی دیگر، چون در قرض الحسنه خصوصی، انتقال مالکیت به دولت نیز تحقق نمی یابد، در نظام توزیعی، برخلاف مالیات، انحصار دولتی نیز پدید نمی آید.

چهارم _ با توجه به اینکه «نیاز» از ارکان قرض است، قرض را می توان ابزار مناسبی برای ایجاد زندگی مناسب دانست. (۱)

ص: ۵۶

۱- قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.

فصل اول: قرض الحسنه در قرآن

۱. خداوند، طرف قرض

قرض دادن در اسلام، از امور مستحبی مؤکد است و ریشه قرآنی و روایی دارد. موضوع قرض در قرآن، در چهارده آیه در سوره های مختلف، همراه انفاق و احسان به صورت های مختلف و با مشتق های گوناگون به صورت ماضی، مضارع، امر و مصدر مطرح شده است. نکته مهم در این آیات آن است که هر چند قرض دهنده، مال را به ظاهر به شخص قرض گیرنده می دهد و نه به خدا _ زیرا خداوند نیازی به قرض گرفتن ندارد _ تا گرفتاری فرد، خانواده یا جامعه ای را برطرف کند، ولی خداوند در قرآن، خودش را طرف قرض می داند؛ گویا قرض مستقیم به او داده می شود و اوست که مال قرض را می گیرد:

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ مُشْكُورٌ حَلِيمٌ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (تغابن: ۱۷ و ۱۸)

اگر به خدا وام نیکو بدهید، آن را برای شما چند برابر می کند و شما را می آمرزد و خدا، سپاس گزار، بردبار، دانای نهان و آشکار، عزیز و استوار است.

در این آیه، نکته های ظریفی وجود دارد که به چند مورد اشاره می شود:

الف) خداوند، خودش را وام گیرنده معرفی می کند و فعل «تقرضوا» را که از ریشه اقراض است، به خودش نسبت می دهد. البته اینکه خدای بخشنده همه مال ها و صاحب همه موجودات و مخلوقات درخواست وام

می‌کند، معلوم است که نه برای خود، بلکه برای بندگان نیازمندش می‌خواهد. از این تعبیر، اهمیت قرض دادن و انفاق در راه خدا و اهمیت حل گرفتاری‌های مردم و جامعه معلوم می‌شود. همچنین قرض گیرنده در عمل قرض به حساب نمی‌آید و او را طرف قرض نمی‌شمارد تا مبادا قرض دهنده بر سر قرض گیرنده منت بگذارد و گمان کند که مالش را به فردی مثل خودش می‌پردازد یا اینکه شاید این عمل، مایه خودخواهی و خودبزرگی بینی یا سرکشی نفس فرد شود و در این میان، خداوند از یاد برود. با حذف نام قرض گیرنده، آن را به حساب خود می‌گذارد تا مبادا قرض گیرنده دچار عقده‌های روانی شود و خود را به دیگری نیازمند بداند.

پس قرض دهنده حق منت گذاردن بر قرض گیرنده را ندارد؛ زیرا قرض گیرنده، یعنی خداوند، مالک همه موجودات و دارایی‌های همه انسان‌هاست. قرض دهنده نیز با این پندار که او ثروت دارد و دیگری ندارد و دیگران نیازمندند و او بی‌نیاز است، نباید دچار سرکشی و عصیان و خودبزرگی بینی شود.

منظور آیه این نیست که قرض گیرنده از قرض دهنده قدردانی نکند؛ زیرا بنا به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله، کسی که از نیکی‌های دیگران تشکر نکند، در برابر نعمت‌های الهی نیز سپاس‌گزاری نکرده است. به هر حال، قرض دهنده احسان کرده و مالش را بدون طلب سود در اختیار او گذارده و گرفتاری او را حل کرده است؛ حال آنکه می‌توانست این احسان را نکند و دارایی خود را در راه‌های سودآوری برای خودش مصرف کند.

ب) برای قرض (که در لغت به معنای قطع است) صفت حَسَنُ آورده

شده است. این نکته مهم، اشاره دارد که جدا کردن مال از خود و دادن آن در راه خدا عمل نیکویی است. در این صورت، منت گذاردن یا دادن مال بدون در نظر گرفتن خدا، عمل را بی ارزش می کند و تنها پوسته عمل باقی می ماند.

آری، عمل قرض باید نیکو باشد؛ یعنی در راه خدا و برای خدا و بدون منت بر بندگان خدا باشد و از اراده خالص انسان برخیزد؛ زیرا قرض دادن خیلی هم آسان نیست و انسان نتیجه تلاش های خود را به دیگری وامی گذارد تا رایگان از آن بهره گیرد. این عمل سود دنیوی برای او ندارد و تنها یک عمل انسانی است که چه بسا با هواهای نفسانی انسان که همه چیز را برای خود می خواهد، سازگار نیست.

عبارت «يُضَاعَفْهُ لَكُمْ» از ماده ضَعَفَ (به کسر ضاد) تنها به معنای دو برابر نیست، بلکه به معنای چندین برابر است تا آنجا که در مورد انفاق تا هفت صد مرتبه و بیش از آن در قرآن آمده است. (۱) این آیه نشان می دهد که قرض دادن، بی پاداش نیست، به ظاهر، از قرض گیرنده، عوض یا سودی خواسته نمی شود و تنها مثل یا قیمت آن در وقت تعیین شده خواسته می شود، ولی خداوند پاداش او را در دنیا یا آخرت، نه یک برابر، بلکه به مراتب زیادتیر می دهد؛ چون او به خدا قرض داده است. خدایی که کریم و رحیم است و همه چیز در اختیار اوست؛ همو که نخستین بار مال را به قرض دهنده بخشیده است. حال که قرض دهنده به خاطر او، چیزی از آن

ص: ۶۰

مال را برای خشنودی او به دیگری می دهد، دریای بخشش الهی به جوشش می آید و به زیبایی هر چه تمام تر کار نیک قرض دهنده را جبران می کند.

د) «يَغْفِرُ لَكُمْ»؛ یعنی خدا، گناهان قرض دهنده را می آمرزد. این واژه، به برتری و پاداشی اشاره می کند که خداوند به قرض دهنده می دهد. اگر انسانی بخواهد به دیگری محبت کند، با چیزی از مال و ثروت خود، آن را جبران می کند یا مالی مثل مال قرض گرفته شده یا بهتر از آن می دهد، ولی پاداش خداوند از سنخ مال و ثروت دنیایی نیست. او از گناهان و خطاهای انسان گناه کار درمی گذرد؛ یعنی در حقیقت، یک عمل جزئی انسان مانند قرض دادن سبب می شود که خداوند، گناهان او را بیامرزد.

آیا بزرگواری از این بالاتر دیده اید که بنده ای که از فرمان خالق خویش سرپیچی کرده است، اگر به بنده دیگری قرض دهد و گرفتاری زندگی او را بگشاید، خداوند، وی را مشمول رحمت خویش سازد و گناهانش را بیامرزد.

ه) آیه «وَاللّٰهُ شَكُوْرٌ حَلِيْمٌ»؛ خداوند، شکرگزار و بردبار است، بر این نکته دلالت دارد که آمرزش گناه قرض دهنده و مضاعف ساختن مال قرض دهنده به این دلیل است که خداوند، سپاس گزار کار نیک بندگانش است. در واقع، ذیل آیه، علت برای دو بخش نخست و میانی آیه است؛ یعنی خداوند مال قرض داده شده را چندین برابر می گرداند و قرض دهنده را می آمرزد؛ چون او سپاس گزار است و شکرگزاری او سبب اعطای پاداش زیاد در برابر قرض دادن و آمرزیدن گناه قرض دهنده است.

در نگاه نخست، واژه «حلیم» به معنای بردباری، در اینجا درباره قرض مناسب نیست، ولی با دقت بیشتر می توان دریافت که انسان ها از

جمله قرض دهنده، به مجرد ارتکاب گناه، عقوبت نمی شود. در غیر این صورت، نه جایی برای مغفرت می ماند و نه موردی برای مضاعف کردن اجر قرض دهنده. خداوند با شکیبایی و تفضل به بندگان خویش، به سبب گناهشان، آنان را بی درنگ بازخواست نمی کند، بلکه به آنان مهلت می دهد تا شاید از گناهان خود توبه کنند یا به دلیل کارهای نیکشان از آنها می گذرد. اینجاست که بردباری خداوند بر بندگان گناه کارش تجلی می کند.

همچنین اینکه «حلیم» در پی «شکور» آمده است، به این نکته اشاره دارد که شکرگزاری خداوند از بندگان نیکوکارش، تنها از طریق بردباری او امکان پذیر است. به این ترتیب، همه صفت هایی که در آیه به آنها اشاره شده است، نه تنها با مسئله انفاق و قرض الحسنه بیگانه نیستند، بلکه همگی به نوعی با موضوع انفاق و قرض الحسنه، ارتباط تنگاتنگ دارند؛ یعنی برخی زمینه وجود برخی دیگر را فراهم می کنند و برخی علت برخی دیگرند.

۲. اهمیت و فضیلت قرض نیکو

در سوره های مختلفی از قرآن از جمله در سوره های مائده، حدید، بقره، مزمل و مانند آن به آیاتی می رسیم که با اندک تفاوتی با یکدیگر، همگی درباره اهمیت قرض و فضیلت آن متفق هستند. مثلاً در سوره حدید می خوانیم:

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ. (حدید: ۱۸)

برای مردان و زنان انفاق کننده و آنها که به خدا قرض می دهند، پاداشی چندین

برابر هست و آنان پاداش ارزش مندی دارند.

واژه «کریم» در این آیه، لطف دیگری دارد و آن اینکه خداوند در برابر قرض الحسنه، حسنه و پاداش می دهد، ولی انتظاری در برابر این پاداش و حسنه از بنده خود ندارد. معنای کریم نیز به همین معنا دلالت دارد و آن نیز از لطف خالی نیست؛ زیرا خداوند در برابر عمل نیکوی گناه کاری که به دیگری قرض الحسنه می دهد، پاداش می دهد و در مقابل این پاداش نیز هیچ انتظاری از بنده اش ندارد. بالاتر اینکه همه بندگان را به این پاداش با کرامت فرامی خواند، آنجا که می فرماید:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ. (بقره: ۲۴۵)

کیست آن کسی که به خدا قرض نیکویی بدهد و خدا آن را چندین برابر می کند [و به او باز می گرداند].

۳. قرض الحسنه در ردیف نماز و روزه

خدا در آیه دیگری، قرض الحسنه را در ردیف نماز و زکات می آورد و می فرماید: «... أَفِيْمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ...؛ ... نماز به پادارید و زکات بدهید و به خدا قرض بدهید؛ قرض نیکویی...». (مزمّل: ۲۰)

از این آیه، چندین نکته دیگر نیز استفاده می شود:

الف) خداوند، قرض الحسنه را در ردیف و سیاق نماز و روزه آورده است که اهمیت بسیار قرض را نشان می دهد.

ب) اعمال صالح، تنها نماز و زکات نیست، بلکه قرض الحسنه دادن نیز لازم است. حتی آن را با فعل «اقرضوا» به صیغه امر

آورده است. صیغه امر در اینجا، به معنای فقهی اش، به معنای وجوب قرض نیست، ولی این سنت الهی و این عمل مستحب به قدری اهمیت دارد که لازم است همواره شعار زبان و عملی هر مسلمانی باشد؛ زیرا با رواج این عمل در جامعه اسلامی، اختلاف طبقاتی رخت برمی بندد.

اگر همه مسلمانان دنیا در همه شئون زندگی، این عمل را معیار خود قرار دهند و به مقدار توان به آن پردازند، آیا فقری در جامعه پدید می آید؟ آیا جامعه، دیگر به دو قطب سرمایه دار و فقیر تقسیم می شود؟ آیا در این صورت، جامعه اسلامی عزت پیدا نمی کند و نیاز آنان به بیگانگان که همیشه با استعمار و استثمار همراه است، پایان نمی یابد؟ آیا اگر فقری که بنا به فرموده امام علی (ع)، مرگ به شمار می آید (الْفَقْرُ، الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ)، از یک فرد یا خانواده یا جامعه برطرف شود، سبب نمی شود بسیاری از گناهان و گرفتاری هایی همچون سرقت، راهزنی، خیانت به امانت و مانند اینها از آن جامعه رخت بر بندد؟

خداوند در آیه دیگری، اهمیت قرض دادن را چنین بیان می کند: «وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّنَا لَا كُفْرَانَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ؛ به خدا قرض نیکو دهید [و سود نخواهید] تا گناهان شما را بیاورم.» (مائده: ۱۲) خداوند در این آیه، علت آمرزش گناهان را قرض دادن می داند و به صورت قضیه شرطیه، نوعی ملازمه و رابطه علی و معلولی میان قرض دادن و آمرزش گناهان قائل می شود که

فصل دوم: قرض الحسنه در حدیث

اشاره

در منابع حدیثی شیعی و سنی، احادیث فراوانی در مورد «قرض» دیده می شود. با توجه به تبیین شایسته «قرض»، در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین (ع)، مسلمانان رفته رفته درک صحیحی از «قرض حسن» پیدا کردند. قرض، پیش از دوران نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در جامعه آن روز عربستان و دیگر جوامع رایج بوده است. البته با توجه به آیات قرآنی و نیز احادیث و نوشته های تاریخ نویسان، برمی آید که قرض رایج در آن زمان با قرض مورد تأیید مکتب اسلام، فرق داشته است. قرضی که در آن زمان ها داده می شد، بیشتر از نوع «ربوی» بود و سرمایه داران بیشتر از این رهگذر، در پی سود بیشتر بودند تا انجام یک کار خیر و گره گشایی از گرفتاری دیگران.

پس از ظهور اسلام، با توجه به روح آموزه های اسلامی که برای احیای ارزش های انسانی وضع شده بود، ضروری بود مسئله «قرض» نیز در کنار بسیاری از مسائل دیگر، با نگاهی نو مطرح شود. روایات و آیات موجود در مورد این عمل نیک، بیان می کنند که قرض «حسن»، نه تنها به حل بسیاری از گرفتاری های مردم کمک می کند، بلکه یک رفتار ارزشی و مؤثر در خودسازی و شکوفایی فردی و اجتماعی است. درست در نقطه مقابل قرض ربوی که نابودکننده روح ایثار و برادری و برابری و بسیاری از فضایل

ص: ۶۵

انسانی است؛ قرض حسن، احیاگر ارزش های دینی و انسانی همانند ایثار، عطوفت و مهربانی است.

اکنون برای پی بردن به جنبه های گوناگون فرهنگ قرض حسن در منابع روایی، به حدیث های گردآوری شده در این زمینه می پردازیم.

۱. شتاب در کارهای خیر با قرض دادن

علی (ع) فرمود:

وَ إِذَا وَجِدْتَ مِنْ أَهْلِ الْفَاقَةِ مَنْ يَحْمِلُ لَكَ زَادَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيُؤَافِيكَ بِهِ غَدًا حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَاعْتَنِمَهُ وَ حَمَلُهُ إِيَّاهُ وَ أَكْثَرُ مِنْ تَرْوِيدِهِ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ فَلَعَلَّكَ تَطْلُبُهُ فَلَا تَجِدُهُ وَ اعْتَنِمَ مَنْ اسْتَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ لِيَجْعَلَ قَضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمِ عُسْرِ لَكَ. (۱)

اگر نیازمندی را یافتی که قدرت بر دوش نهادن زاد و توشه ات را تا قیامت دارد و در فردای محشر که به آن توشه نیازمند شدی، در اختیارت بگذارد، وجودش را غنیمت بدان و زاد و توشه ات را بر دوشش بگذار و در حالی که قدرت افزودن زاد و توشه را بر دوشش داری، تا بتوانی اضافه کن. چه بسا با از دست رفتن فرصت، چنین شخصی را به روز دارندگی بجویی و نیابی. اگر کسی از تو وام خواست، وامش ده تا در روز تنگ دستی ات ادا کند.

امام حسین (ع) فرمود:

وَاعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النَّعْمَ

ص: ۶۶

نیازهای مردم به شما از نعمت های خداوند بر شماست. هر گز از آن خسته و غمگین نشوید، و گرنه به نِقْمَت و بلا تبدیل می شود.

امام صادق (ع) فرمود:

قَرْضُ الْمُؤْمِنِ غَنِيمَةٌ وَ تَعْجِيلُ خَيْرٍ إِنْ أَيْسَرَ آدَاهُ وَ إِنْ مَاتَ اخْتُسِبَ مِنَ الرَّكَاهِ. (۲).

قرض دادن به مؤمن، غنیمت و شتاب کردن در خیر است؛ زیرا اگر مؤمن دستش باز شد، آن را برمی گرداند و اگر هم از دنیا برود، جزو زکات قرض دهنده به شمار می آید.

بنا بر، این احادیث، مسلمان باید از فرصتی که برایش پیش می آید، بیشترین استفاده را ببرد تا با قرض دادن مقداری از دارایی اش، گرهی از مشکل برادر مسلمانش را بگشاید و با رفتار نیک خود، زمینه برکت و رحمت خداوندی را فراهم آورد. فرمایش حضرت علی (ع) نشان می دهد که گرچه یک فرد توان مند امروز وضع خوبی داشته باشد، شاید در آینده، به کمک دیگران نیازمند شود یا حتی اگر نیازمند کمک مالی مردم نباشد، برای آخرت خود به یاری و گذشت خداوند و بندگانش از گناهان و کوتاهی های او نیازمند شود. از این رو، کمک به بندگان در شرایط نیازشان و دادن قرض به

ص: ۶۷

-
- ۱- سید مصطفی آل اعتماد، بلاغه الحسین، ترجمه: علی کاظمی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۶هـ. ق، ص ۲۲.
 - ۲- ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، الفروع من الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱هـ. ق، ج ۴، ص ۳۶.

آنها و مدارای پس از آن، همگی می توانند بهترین فرصتی باشند که انسان مؤمن از آنها به زیبایی بهره گیرد.

۲. جلب روزی با قرض دادن

امام صادق (ع) فرموده است:

لَا تُمَاعُوا قَرْضَ الْخَمِيرِ وَالْخُبْزِ وَاقْتِبَاسَ النَّارِ فَإِنَّهُ يَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. (۱)

از قرض دادن خمیر و نان و ابزارهای آتش افروختن به یکدیگر خودداری نکنید؛ زیرا [قرض] برای اهل خانه روزی جلب می کند و از مکارم اخلاق است.

در نگاه نخست، کسانی که از قرض دادن سر باز می زنند، می پندارند با قرض دادن، چیزی از آنان کاسته می شود، در حالی که این گونه نیست و خود عمل «قرض» سبب روزی بیشتر می شود. چه بسا تنها، کمی قرض دادن و داشتن اندک روحیه ای در دست گیری از نیازمندان، سبب عنایت فراوان الهی شود و راه رسیدن رزق و روزی انسان را فراهم آورد.

ص: ۶۸

۳. ذخیره ای برای آخرت

رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَمَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَقْرَضَهُ وَزَنَ جَبَلٍ أَحَدٍ مِنْ جِبَالِ رَضْوَى وَ طُورِ سَيْنَاءَ حَسَنَاتٍ. (۱)

هر که به برادر مسلمانش قرض دهد، به هر دره‌می که قرض می دهد به وزن کوه احد و کوه های رضوی و سینا، برای او حسنه خواهد بود.

امام علی (ع) نیز فرموده است:

وَ إِذَا وَجَدْتَ مِنْ أَهْلِ الْفَاقَةِ مَنْ يَحْمِلُ لَكَ زَادَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيُؤَا فَيْكَ بِهِ غَدَا حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَاعْتَنِمُهُ. (۲)

اگر نیازمندی را یافتی که قدرت بر دوش نهادن زاد و توشه ات را تا قیامت دارد و در فردای محشر که به آن نیازمند شدی در اختیارت بگذارد، وجودش را غنیمت بدان ... و اگر کسی از تو وام خواست، وامش ده تا در روز تنگ دستی ات ادا کند.

امام باقر (ع) از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

مَنْ قَرَضَ النَّاسَ قَرْضُوهُ وَ مَنْ تَرَكَهُمْ لَمْ يَتْرُكُوهُ. قِيلَ: فَأَصْنَعُ مَاذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ أَقْرِضْهُمْ مِنْ عَرَضِكَ لِيَوْمِ فَفَرِكَ. (۳)

هر که به مردم قرض دهد، به او قرض می دهند و هر کس آنها را

ص: ۶۹

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۸.

۲- نهج البلاغه، ص ۶۳۰.

۳- الفروع من الکافی، ج ۸، ص ۸۶.

ترک کند، از او دست برنمی دارند. کسی گفت: پس ای رسول خدا چه کنم؟ فرمود: از آبروی خود برای روزگار تهی دستی به آنان قرض بده.

با توجه به سه حدیث بالا، می توان پی برد که هرچه انسان، کار خیر انجام دهد، خداوند، نتیجه اش را برای او در روز واپسین ثبت خواهد کرد. همچنین قرض دادن از کارهای خیری است که تأکید فراوان بر انجام دادن آن، نشانه جزای خیر بی شمار خداوند برای اهل آن است. خوشا به حال کسانی که از کمترین فرصت های پیش آمده، بیشترین استفاده را می برند و قلب بندگان خداوند را شاد می کنند و برای آخرت خود پس انداز نیکو تدارک می بینند.

بی پرده نظر به کعبه راز کنید

از نور، دریچه ای به دل باز کنید

اندوخته حساب فردا، عشق است

امروز بیایید و پس انداز کنید

ص: ۷۰

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَتَدْرُونَ مَا حَقُّ الْجَارِ؟ قَالُوا: لَا، قَالَ: إِنَّ اسْتِغَاثَكَ أَغْنَىٰ وَ إِنَّ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضَهُ، وَ أَنْ افْتَقَرَ عُدَّتْ إِلَيْهِ... (۱)

آیا می دانید حق همسایه چیست؟ گفتند: خیر. فرمود: اگر از تو یاری خواست، یاری اش دهی و اگر از تو قرض خواست، قرضش دهی و اگر تهی دست شد، به او کمک رسانی و... .

همچنین فرمود:

حَقُّ الْجَارِ إِنْ مَرَضَ عُدَّتَهُ وَ إِنْ مَاتَ شَيَّعَتْهُ وَ إِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضْتَهُ... .

حق همسایه این است که اگر بیمار شد، به عیادت او بروی و اگر در گذشت، به تشییع جنازه اش بروی و اگر از تو قرض خواست، به او قرض بدهی.

از حدیث های یاد شده، این نکته برمی آید که قرض دادن به برخی افراد و در برخی شرایط، یک امر واجب، وظیفه مسلمان است. تعبیر «حَقُّ» در مورد همسایه، نشان می دهد که اگر فرد توانایی کمک به همسایه را داشته باشد و از آن دریغ کند، در واقع، در حق همسایه و هم نوع خویش کوتاهی کرده است.

در حدیث دیگری از امام صادق (ع)، «حق» معلومی در دارایی توانگران معین شده است که می تواند قرینه ای بر این مطلب باشد که گاه قرض حسن،

ص: ۷۱

از امور واجب می شود:

خداوند بزرگ در اموال توانگران، حقی غیر از زکات، واجب گردانیده است، چنان که فرموده است: «و آنان که در اموالشان حق معلومی است»، پس حق معلوم، غیر از زکات است و آن امر واجبی است که مرد در مال خود به اندازه توان مالی اش بر خود واجب می سازد. پس آن اندازه ای را که خود واجب ساخته؛ خواه در هر روز و خواه در هر هفته و خواه در هر ماه می پردازد. نیز خدای بزرگ فرموده است: «به خداوند قرض حسن بدهید» و این غیر از زکات است. نیز فرموده است: «از آنچه روزی شان کرده ایم، در پنهان و آشکار انفاق می کنند» و نیز از «ماعون» نام برده است و آن قرضی است که انسان می دهد و کالایی است که عاریت می دهد و احسان و بخششی است که می کند. (۱)

۵. عامل جبران گناهان

از حدیثی که پیش تر از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آوردیم، (۲) به خوبی برمی آید که یاری به یکدیگر و رفتار نیکو داشتن با قرض گیرنده، در آمرزش گناهان، بسیار اثربخش است. حال، اگر برخی از قرض دهندگان، پس از قرض دادنشان، قرض گیرنده را آزار دهند، مشمول این نتیجه نمی شوند، بلکه به دلیل آزاری که به گیرنده قرض وارد ساخته اند، سزاوار کیفر خواهند شد. به

ص: ۷۲

۱- علاءالدین علی متقی بن حسام الدین هندی، کنز العمال فی سنن اقوال و الافعال، ج ۹، بیروت، لبنان، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹

ه. ق. / ۱۹۷۹م، ص ۵۲.

۲- بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۶۸.

بیان دیگر، آن قرضی ستودنی است و پاداش فراوان دارد و گناهان را می آمرزد که «حسن» باشد و اگر قرض از نوع «سیئه» شد، نتیجه عکس خواهد داشت.

امام صادق (ع) می فرماید:

وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا يَلْتَمِسُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حَسَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَهُ بِحِسَابِ الصَّدَقَةِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمِشِي لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي حَاجَةٍ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَزًّا وَجَلًّا لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٍ وَحَطَّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً وَزِيدَ بَعْدَ ذَلِكَ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَشُفِّعَ فِي عَشْرِ حَاجَاتٍ وَ... (۱).

مؤمنی نیست که به مؤمن دیگری به خاطر خشنودی خدا قرض دهد، جز آنکه خداوند، پاداش او را صدقه می شمارد و مؤمنی نیست که در پی برآوردن حاجت برادر مؤمنش برود، مگر آنکه خداوند برای هر قدمش یک حسنه می نویسد و یک گناه از او پاک می سازد و یک درجه، او را بالا می برد. پس از آن، ده حسنه به او افزوده می شود و ده حاجت او برآورده می گردد و....

در این حدیث، امام صادق (ع) برای هر گام از حرکت انسان برای کمک به برادر دینی و نیازمندش، جزای خیری برمی شمارد و این جزا تا آنجا می تواند ادامه یابد که برای هر کار نیک یا گام خیر، چندین مشکل انسان حل گردد و چندین گناه از او پاک و چندین حسنه برایش ثبت شود.

ص: ۷۳

۶. حاجت روا شدن

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

الْمُؤْمِنِينَ إِخْوَةٌ يَقْضِي بَعْضُهُمْ حَوَائِجَ بَعْضٍ فَبِقَضَاءِ بَعْضِهِمْ حَوَائِجَ بَعْضٍ يَقْضِي اللَّهُ حَوَائِجَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

مؤمنان با هم برابرند. نیازمندی های یکدیگر را برمی آورند و به همین دلیل که نیازهای یکدیگر را برمی آورند، خداوند در روز قیامت، نیازمندی های آنان را برآورده می سازد.

۷. قرض، عامل رفع بلا

امام علی (ع) به کمیل بن زیاد نخعی فرمود:

يَا كَمِيلُ مَرَّ أَهْلَكَ أَنْ يَرُوْحُوا فِي كَسْبِ الْمَكَارِمِ وَيُذِلُّوْا فِي حَاجِهِ مَنْ هُوَ نَائِمٌ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَدْخَلَ أَحَدٌ عَلَى قَلْبِ مُؤْمِنٍ سُرُورًا إِلَّا وَ خَلَقَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ لُطْفًا فَإِذَا نَزَلَتْ بِهِ نَائِبَةٌ كَانَ اسْرِعَ إِلَيْهَا مِنَ السَّيْلِ فِي أَنْحَادِهِ. (۲)

به خانواده ات دستور ده در تحصیل مکارم اخلاق بکوشند و حتی در تاریکی های شب به برآوردن نیازمندی های مردم پردازند. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هیچ کس بر دل انسان مؤمنی، شادمانی وارد نمی کند، مگر آنکه خداوند از این عمل نیک او، مایه لطفی می آفریند که هنگام گرفتاری و نزول بلا، سریع تر از سرعت سیلاب در سراشیبی، به کمک او می رسد و او را نجات می دهد.

ص: ۷۴

۱- همان.

۲- همان، ص ۳۱۴.

۸. قرض، مایه شادی خدا و رسول

امام صادق (ع) در پاسخ یکی از یارانش می فرماید:

الْقَرْضُ عِنْدَنَا بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَ الصَّدَقَةُ بِعَشْرِهِ... يَا عُمَانُ إِنَّكَ لَوْ عَلِمْتَ مَا مَنَزَلَهُ الْمُؤْمِنِ مِنْ رَبِّهِ مَا تَوَانَيْتَ فِي حَاجَتِهِ وَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا فَقَدْ أَدْخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ يَدْفَعُ الْجُنُونََ وَ الْجُدَامَ وَ الْبَرَصَ. (۱)

نزد ما، قرض، هجده و صدقه، ده ثواب دارد... ای عثمان، اگر بدانی که شأن مؤمن نزد خدا چه قدر است، هرگز در برآوردن حاجت او سستی نخواهی کرد و هر کس دل مؤمنی را شاد کند، همانا دل رسول خدا صلی الله علیه و آله را شاد کرده است. برآوردن حاجت مؤمن، دیوانگی و پستی و جذام را دور می سازد.

۹. قرض، برتر از روزه و اعتکاف در خانه خدا

امام رضا (ع) فرموده است:

مَا مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَسَبَ لَهُ ذَلِكَ بِحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يُؤَدِّيَهُ إِلَيْهِ مَالَهُ... وَ مَنْ قَضَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِهِ وَ إِعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. (۲)

ص: ۷۵

۱- فروع من الكافي، ج ۴، ص ۳۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۳.

کسی که به مؤمنی به خاطر خشنودی خدای عزوجل قرض دهد، آن قرض به حساب صدقه برای او خواهد بود تا زمانی که قرض گیرنده آن را ادا کند... و هر که حاجتی از مؤمنی برآورد، برای او از روزه و اعتکاف در مسجدالحرام برتر خواهد بود.

افزون بر روایات بالا، روایت های فراوان دیگری نیز هست که ارزش کسانی را که در برآوردن نیازمندی های مؤمنان مشارکت دارند، بیان می کنند. امروزه برخی برای چندین بار به سفر زیارتی یا حج خانه خدا می روند، ولی هرگز فکر نمی کنند شاید کار واجب تر یا پسندیده تری نیز وجود داشته باشد. بر اساس روایت های بسیاری که برخی از آنها نقل شد، اگر پیرامون انسان، گرفتارانی باشند، کمک کردن به آنان مثل دادن قرض به ایشان برای رفع مشکل یا برآوردن نیازشان، ارزش و ثواب بسیار بیشتری از برخی مستحبات مؤکد مثل زیارت و اعتکاف و حج دارد. همه این مقایسه ها و تعبیرهای زیبا در کلام معصومین (ع)، بر ارزشمندی جایگاه «مؤمن» و «انسان» و «کمک و یاری» رساندن به یکدیگر در مکتب اسلام دلالت دارد. ملا محسن فیض کاشانی می گوید: (۱)

ایستادن نفسی نزد مسیحا نفسی

به ز صد سال نماز است به پایان بردن

یک طواف سر کوی ولی حق کردن

ص: ۷۶

۱- موسی خسروی، پند تاریخ، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، بی تا، ج ۸، ج ۴، ص ۱۱۵.

به ز صد حج قبول است به دیوان بردن

تا توانی ز کسی بار گرانی برهان

به ز صد ناقه حمرا است به فرمان بردن

یک گرسنه به طعامی بنوازی روزی

به ز صوم رمضان است به شعبان بردن

یک جو از دوش مدین دین اگر برداری

به ز صد خرمن طاعات به دیان بردن

به از آزادی صد بنده فرمان بردار

حاجت مؤمن محتاج به احسان بردن

دست افتاده بگیری ز زمین برخیزد

به ز شب خیزی وشاباش ز یادان بردن

نوشته اند روزی صفوان در مجلس امام صادق (ع) حضور داشت. ناگهان مردی که آثار ناراحتی از چهره اش نمایان بود، به مجلس وارد شد و لب به سخن گشود و به شرح گرفتاری اش پرداخت. گرفتاری او یک مسئله مالی بود که کارش را به بن بست کشانده بود. امام به صفوان دستور داد: «بی درنگ برو و در حل مشکل برادر ایمانی خود بکوش.» صفوان پس از برطرف کردن گرفتاری آن مرد، به حضور امام بازگشت. امام درباره جریان کار پرسید و صفوان گفت: خداوند اصلاح کرد. آن گاه امام فرمود: آگاه باش، اقدام در حل همین مشکل به ظاهر کوچک که برای آن مقدار کمی هم وقت

صرف کردی، از طواف یک هفته متوالی به دور کعبه برای تو با ارزش تر است. سپس آن حضرت افزود: مردی به علت گرفتاری اش به حضور امام حسن (ع) رسید و از آن حضرت یاری خواست. امام حسن (ع) بی درنگ، آماده شد و به راه افتاد. در میان راه به حسین بن علی (ع) برخورد کردند، در حالی که به نماز ایستاده بود. امام حسن (ع) از آن مرد پرسید: چرا از حسین بن علی (ع) غافل شدی و از وی کمک نخواستی؟ پاسخ داد: ابتدا تصمیم داشتم از ایشان در حل مشکل خود درخواست کمک کنم، ولی چون شنیدم آن حضرت در حال اعتکاف است، منصرف شدم. سپس امام حسن (ع) فرمود: «اگر توفیق رفع گرفتاری تو را یافته بود، ارزش آن برایش از یک ماه اعتکاف بیشتر بود».^(۱)

۱۰. تشویق به قرض در صورت نیازمندی

امام موسی کاظم (ع) می فرماید:

مَنْ طَلَبَ الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ فَعَلِبَ فَلْيَسْتَقْرِضْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله. ^(۲)

کسی که به دنبال کسب روزی حلال برود، ولی در زندگی در مانده شود، باید قرض کند. خداوند و رسولش، او را [برای ادا] یاری

ص: ۷۸

۱- سیدمجتبی موسوی لاری، رسالت اخلاق در تکامل انسان، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۵۳، ص ۲۴۸.

۲- ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۳، تهران، نشر صدوق، بی تا، ص ۱۸۲.

خواهند کرد.

این حدیث، در کتاب وسائل الشیعه نیز با همین مضمون آمده است. همچنین در جلد پنجم کتاب المعیشه فروع کافی با کمی تغییر آمده است که آن را می آوریم:

موسی بن بکر می گوید: موسی بن جعفر (ع) به من فرمود:

کسی که در پی روزی حلال برود تا خرج خود و عیالش در آورد، همچون مجاهد در راه خداست، ولی اگر کسب این روزی برایش سخت شد، باید قرض بگیرد و دینش برعهده خدا و رسول است؛ به اندازه ای که قوت و غذای خانواده اش را تأمین کند. پس اگر از دنیا رفت و دینش را ادا نکرد، برعهده امام است که آن را ادا کند و اگر امام چنین نکرد، گناهِش بر گردن اوست. خدای عزوجل فرمود: «صدقه ها مخصوص فقیران، مسکینان، کارکنان بر امر صدقه و... بده کاران است» و آن شخص، فقیر و مسکین و بده کار است. (۱)

بر اساس این دو حدیث، اشکالی ندارد که انسان نیازمند قرض بگیرد و اگر بدون نیاز، در پی قرض برود، البته دچار عمل مکروهی شده است. امام خمینی رحمه الله در تحریر الوسيله درباره قرض می فرماید:

قرض گرفتن بدون احتیاج مکروه است و به هر اندازه نیاز به قرض کمتر باشد، کراهت گرفتن آن بیشتر و شدیدتر می شود و به هر مقدار احتیاج به آن بیشتر شود، کراهت گرفتن آن کمتر و سبک تر خواهد شد تا اینکه کراهت آن برداشته می شود و در برخی موارد

ص: ۷۹

گرفتن قرض برای امر واجبی مثل حفظ آبرو و جان و امثال اینها واجب می شود.^(۱)

بنابراین، به نظر می رسد قرض گرفتن برای فرد نیازمند _ به ویژه اگر نیازش، موقتی باشد و بداند که در آینده می تواند قرض خود را ادا کند _ پسندیده است. به فرموده امام کاظم (ع)، با توجه به بقای نیاز فرد تهی دست، می توان برای حل مشکل او و بده کاری اش، مبلغی از محل «صدقات» پرداخت کرد؛ زیرا او مصداق یکی از موارد مصرف «صدقات» است.^(۲)

با دقت در برخی روایت های موجود، می توان پی برد که بزرگان دین حتی شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار (ع) بنا به مقتضای اوضاع و احوالشان، قرض گرفته^(۳) و به همه مسلمانان سفارش نیز کرده اند که بی جهت و بدون ضرورت، قرض نگیرند.

۱۱. پرهیز از وام دار شدن

برخی از احادیث به این نکته اشاره دارند که بدون نیاز، نباید به قرض یا دَین روی آورد. البته بیشتر تعبیرهای موجود، به دوری از دَین اشاره دارد و واژه «قرض» کمتر به کار رفته است. برای نمونه، امام علی (ع) فرموده است:

إِيَّاكُمْ وَ الدَّيْنَ فَإِنَّهُ مَذَلَّةٌ بِالنَّهَارِ وَ مَهْمَةٌ بِاللَّيْلِ وَ قَضَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَ

ص: ۸۰

۱- سیدروح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۷.

۲- فروع من الکافی، ج ۵، ص ۹۳.

۳- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۴۲. برگرفته از: قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، ص ۳۵.

از زیر بار دین رفتن پرهیزید؛ زیرا در روز، موجب ذلت و در شب، موجب هم و غم است و باید یک بار در دنیا و یک بار در آخرت ادا شود.

امام صادق (ع) می فرماید: «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ؛ به خدا پناه ببرید از بسیار شدن دین». (۲)

امام صادق (ع) می فرماید:

حَفِّقُوا الدَّيْنَ فَإِنَّ فِي خَفِّهِ الدَّيْنَ زِيَادَةً وَالْعُمْرَ. (۳)

دین خود را سبک کنید (کمتر قرض کنید و کمتر زیر بار آن بروید)؛ زیرا در سبکی وام، طول عمر است.

با اندکی تأمیل در این روایات می توان دریافت آنچه ائمه طاهرين (ع) نکوهش کرده اند، زیر بار «دین» رفتن است. به بیان دیگر، در شرایطی که انسان می تواند زیر دین کسی نرود یا ضرورتی وجود ندارد، شایسته است کاری نکند که او را مدیون می سازد. دومین نکته این است که انسان نباید روحیه دین پذیری یا بی اعتنایی در برابر مدیون شدن را به خود گیرد. اساساً اظهار نیاز به دیگری انسان را خوار و نیازمند و ضعیف نشان می دهد و این، با مقام والای انسان مناسب نیست.

از این رو، در برخی از احادیث معتبر، وام گرفتن معادل کفر به شمار

ص: ۸۱

۱- فروع من الکافی، ج ۵، ص ۹۵؛ نک: من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۸۳.

۲- همان، ص ۹۲؛ نک: من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۸۱.

۳- صدوق، امالی، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الانوار، ج ۱۵۳، ص ۱۴۵، ح ۲۱.

آمده است؛ یعنی همان گونه که کفر امری ناپسند است، هیچ انسان با شخصیت هم نباید نیاز خود را به دیگری اظهار کند. ابوسعید خدری می گوید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَالذَّيْنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْعِيدُ الذَّيْنُ بِالْكَفْرِ؟ فَقَالَ نَعَمْ؛ (۱)» از کفر و بده کاری [هر دو] به خدا پناه می برم.» گفته شد ای رسول خدا، آیا بده کاری معادل کفر است؟ فرمود: آری.

البته با توجه به روایت های پیشین، انسانی که نیاز ضروری دارد، می تواند قرض کند. به بیان دیگر، کراهت «قرض» گرفتن برای فرد نیازمند نیست. قرض کردن تنها در حالت بی نیازی و به منظور افزون طلبی و مال اندوزی، مکروه و زشت دانسته شده است.

با توجه به شرایط و آداب گفته شده درباره قرض در آموزه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار (ع)، با دیگر دُیون فرق دارد. به ویژه آنکه وجود احادیث فراوان درباره قرض دهندگان و گیرندگان قرض نیز گویای این تفاوت است. با توجه به تبیین ائمه معصومین (ع) در مورد قرض و فرهنگ آن در میان مسلمانان، هرگز محدوده آن با مسئله دَیْن و زیر بار دَیْن رفتن خلط نشده است؛ زیرا مسلمانان می دانستند باید در پی شرایطی باشند که کمتر به کمک مالی و حتی غیرمالی دیگران نیازمند شوند. برای نمونه، تشویق ها و سفارش های فراوان آن بزرگواران به کار و کسب روزی حلال و دوری از بی کاری و تبلی و انجام دادن امور زندگی به دست خود افراد، بیانگر این واقعیت مهم است که باید در پی شرایطی باشند تا وامدار دیگران نشوند،

ص: ۸۲

ولی اگر ناخواسته دچار چنین وضعیتی شدند، با توکل به خدا و بدون دغدغه، به سراغ این عمل سفارش شده بروند. حتی امید داشته باشند که خداوند، آنان را در ادای این قرض، یاری خواهد کرد. حتی اگر شرایطشان در آینده نیز بهتر نشود و در شرایط نیازمندی مداوم باقی بمانند، اسلام به گونه ای پیش بینی کرده است که قرض این گونه افراد از محل دریافت صدقات واجب و مستحب پرداخت شود یا اینکه قرض دهندگان، با گذشت و مدارا یا بخشیدن طلبشان، خود را مشمول اجر کریم و مضاعف خداوند بگردانند.^(۱)

در برخی کتاب ها، در توضیح احادیث دین، مسئله قرض گرفتن و مقروض شدن چنان معنا و تفسیر شده است که گویی منظور از «قرض» همان مدیون شدن و زیر بار دین رفتن است. شدت نهی و پرهیز از قرض کردن به گونه ای در تفسیر این حدیث ها آمده است که به نظر می رسد افراد حتی در حالت نیاز، هرگز به خود اجازه قرض گرفتن نخواهند داد. این در حالی است که قرض، در اسلام و آموزه های بزرگان دین با توجه به شرایط اقتصادی فرد توصیه شده است. حتی ائمه اطهار (ع) برای اموری مانند ازدواج و حج مجوز قرض داده اند:

قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَسْتَقْرِضُ الرَّجُلُ وَيَحُجُّ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: يَسْتَقْرِضُ وَيَتَزَوَّجُ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُ يَنْتَظِرُ رِزْقَ اللَّهِ غُدْوَةً وَ عَشِيَّةً.^(۲)

ص: ۸۳

۱- بقره: ۲۴۵.

۲- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، تهران، کتاب خانه اسلامی، بی تا، ج ۱۳، ص ۸۲.

راوی از امام صادق (ع) درباره قرض گرفتن برای حج و ازدواج می پرسد و امام در پاسخ می فرماید:

«آری و پس از آنکه قرض گرفت، صبح و شام منتظر روزی خداوند خواهد بود.» این حدیث، نشان دهنده باز بودن راه قرض گرفتن حتی برای انجام دادن برخی مستحبات یا کارهای ضروری دیگر است.

۱۲. ویژگی قرض دهندگان

امام علی (ع) فرموده است: «أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ طَلْبُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا؛ سَخَتْ تَرَاذِيمُ مَرَكِّ أَيْنَ اسْتَكْرَهَ أَنْ يَأْتِيَ بِمَنْ يَأْتِيهِ رَدُّ دَارِي، رَفَعُ حَاجَتِهِ نِيْسَتْ، حَاجَتُهُ بِخَوَافِ» (۱) همچنین ایشان می فرماید: «لَا تَسْئَلُ مَنْ تَخَافُ مَنَعَهُ؛ مِنْ كَسِيٍّ كَمَا يَبِيْمُ جَوَابَ رَدِّ دَارِي، دَرِخَوَاسْتِي مَكْنُ» (۲).

با توجه به اینکه قرض کردن نوعی کمک خواستن است، بنا بر سفارش امام علی (ع)، از کسانی که اهل کمک کردن نیستند یا روحیه یاری کردن و قرض دادن ندارند، نباید درخواست کرد. همچنین از کسانی که با آداب قرض دادن و اخلاق اسلامی آشنا نیستند، نباید درخواست کمک یا قرض داشت. به قول فردوسی:

ز بازارگانان و دهقان، درم

اگر وام خواهی، نگرده دژم

ص: ۸۴

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲- همان، ص ۳۱۹.

یعنی باید از بلندنظران و گشاده‌دستان قرض خواست. ممکن است معنای دیگر حدیث این باشد که از کسانی که توان مالی و شرایط مساعدی برای کمک ندارند و چه بسا در پاسخ درخواست انسان، شرمند شوند، نباید درخواست کرد، بلکه باید از کسانی درخواست کنیم که می‌توانند به تقاضای ما پاسخ مثبت دهند. علی (ع) درباره افرادی که به قرض دادن شایسته‌ترند و قرض دادن وظیفه آنان است، می‌فرماید:

أَمَّا الْقَرْضُ فَقَرُضْ دِرْهَمٍ كَصَدَقَةٍ دِرْهَمَيْنِ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ هُوَ الصَّدَقَةُ عَلَى الْأَغْيَاءِ. (۱)

یک درهم قرض بهتر از دو درهم صدقه است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: آن [قرض دادن] بر عهده توانگران است.

۱۳. وظایف قرض‌گیرنده

عبدالرحمان بن حجاج می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره مردی که از شخصی دیگر درهم قرض کند و به او مثقال پس دهد یا مثقال قرض کند و درهم پس دهد، پرسیدم و امام فرمود:

اگر شرطی در این زمینه نکرده باشد (که زیاده بگیرد)، اشکالی ندارد و آن بهتر است. پدرم _ که رحمت خداوند بر او باد _ وقتی درهم کم قیمت قرض می‌گرفت، به هنگام ادای قرض، درهم‌های نفیس پس می‌داد و به من می‌گفت: فرزندم، اینها را به کسی که قرض گرفتی، بده. پس من می‌گفتم: درهم‌هایی که او داده بود، از نوع

ص: ۸۵

ارزان و کم قیمت بود و اینها که می خواهیم به او بدهیم، از نوع گران تر است. وی می گفت: فرزندم: این فضل و احسان است؛ همین ها را به او بده. (۱)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ خِيَارَكُمْ أَحْسَنُكُمْ قَضَاءً؛ بهترین شما کسی است که به بهترین وجه قرض یا دین را ادا کند.» (۲) همچنین می فرماید: «إِنَّ خَيْرَ الْقَوْمِ خَيْرُهُمْ قَضَاءً؛ بهترین شما، گروهی است که در به جای آوردن امانت و بدهی بهتر عمل کند.» (۳)

رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ يَمْتَلِ عَلَى ذِي حَقٍّ حَقَّهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى آدَاءِ حَقِّهِ فَعَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ خَطِيئَةٌ عَشْرًا. (۴)

کسی که به پرداخت حق دیگران تواناست، اگر سهل انگاری کند و طلب کار را معطل کند، در مقابل هر روز تأخیر، گناه باج گیران برای او نوشته خواهد شد.

همچنین ایشان فرموده است:

مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ، يُرِيدُ آدَاءَهَا، آدَاهَا اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ أَخَذَهَا، يُرِيدُ

ص: ۸۶

۱- فروع من الكافي، ج ۵، ص ۲۵۴.

۲- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بیهقی، السنن الكبرى، بیروت، انتشارات دار المعرفه، بی تا، ج ۵، ص ۳۵۲.

۳- کنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۱.

۴- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۶.

کسی که اموال دیگران را بگیرد، اگر قصد ادای آن را داشته باشد، خداوند، آن را ادا می کند و کسی که قصد تلف کردن آن را داشته باشد، خداوند، اموالش را نابود می کند.

امام سجاد (ع) نیز می فرماید:

... اگر در پرداخت آن (قرض) توانایی نداشتی، با خوش رفتاری، او (قرض دهنده) را خشنود کن و به صورت زیبایی از او خواهش کن و او را به نیکی و لطافت پاسخ ده و از خودت دور کن و هرگز به تباه کردن مال او و بدرفتاری با او عزم مکن. (۲)

بنابراین، نتیجه می گیریم:

الف) همان گونه که قرض دهنده بدون هیچ گونه چشم داشتی و با نیت خیر و برای گره گشایی مشکل، با کار خود سبب خوش حالی قرض گیرنده شده است، شایسته است قرض گیرنده نیز هنگام ادای قرض، مقداری به عنوان هدیه و اضافه، به برادر دینی اش تقدیم کند. البته در احادیث دیگری وارد شده

است که بهتر است طلب کار افزون بر اصل قرض، از قرض گیرنده، هدیه ای قبول نکند، ولی این هدیه از سوی قرض گیرنده، نوعی ارج گذاری و تشکر از قرض دهنده و عمل او است.

ص: ۸۷

۱- سنن کبری، ج ۵، ص ۳۴۵.

۲- حسین سیدعلی قبانچی، مقاله «حقوق متقابل قرض دهنده و قرض گیرنده»، ترجمه: علی اصغر هادوی نیا، وام؛ ذخیره ماندگار، تابستان ۱۳۷۸، ش ۱۲، ص ۱۹.

ب) در قرض حسن شایسته است فرد پس از برطرف شدن گرفتاری اش و گشایش در روزی بدون اتلاف وقت بکوشد تا قرض خود را ادا کند.

ج) داشتن پشتوانه معرفتی یاری خداوند در ادای قرض، به دنبال داشتن نیت درست قرض گیرنده، می تواند همواره مایه دل گرمی او در ادای هر چه زودتر قرض باشد؛ زیرا بنا بر محتوای روایت پنجم، خداوند، خود، یاری گر کسانی است که قرض دار شده اند؛ تنها به این شرط که فرد همواره نیت ادای قرض خود را داشته باشد و در این مسئله، بر خدا توکل کند.

۱۴. خداوند، پشتیبان قرض گیرنده

علی (ع) می فرماید:

مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاءً، وَ مَنْ سَأَلَهُ، أَعْطَاهُ وَ مَنْ أقرَضَهُ قَرْضًا وَ مَنْ شَكَرَهُ جَزَاءً. (۱)

کسی که به او [خدا] اعتماد کند، بی نیازش سازد و هر که از او بخواهد، بر او ببخشد و هر که به او قرض دهد، ادا کند و به هر که سپاس گزارش باشد، پاداش بخشد.

از امام صادق (ع) است که فرمود:

مَنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ فَيَتَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاءً كَانَ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَافِظًا يُعِينَانِهِ عَلَى الْأَدَاءِ عَنْ أَمَانَتِهِ. (۲)

اگر کسی دینی بر گردنش باشد و نیتش این باشد که آن را بپردازد،

ص: ۸۸

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۹، ص ۱۸۳.

۲- فروع من الکافی، ج ۵، ص ۹۵؛ نک: من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۸۳.

خداوند عزوجل دو فرشته همراه او قرار می دهد که او را حفظ کند و در پرداخت امانتش یاری دهد.

همچنین امام کاظم (ع) فرموده است:

مَنْ طَلَبَ الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ فَعُلِبَ فَلَيْسَتْ قَرْضٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۱).

هر کس در پی روزی حلال رود و به دست نیاورد، باید با ضمانت خدای بزرگ و رسول او، قرض بگیرد.

گفتار ائمه (ع) در این حدیث های نورانی بیانگر آن است که خداوند، خود، نخستین و بهترین پشتیبان بندگان نیازمند و قرض دارش است. بنده ای که از مسیر بندگی خداوند خارج نشده است، به مسئله «قرض» و هر نوع نیاز دیگر، به دیده یک امر ناپسند نمی نگرد، بلکه چون در مسیر صحیح الهی گام برمی دارد، تنگناهای مالی را نیز همانند دیگر زمینه های ابتلای الهی درک می کند. او می داند که اگر در تمامی این زمینه ها به خداوند پناه ببرد و از او یاری بخواهد، بی گمان، از یاری او نیز بهره مند خواهد شد. او می داند دلیلی ندارد که با هرگونه گرفتاری و مانع در زندگی _ چه مالی و چه بلا و درد و مصیبت و عزا _ تسلیم آنها شود و ناامیدانه منتظر پی آمدهای کمرشکن آن بماند؛ زیرا یک مسلمان می داند که خداوند بهتر از هر کسی، به حال بندگان آگاه است. اگر از او خواسته شود، هرگز بنده اش را بی پاسخ نمی گذارد و هرگز او را از درگاه خویش ناامید برنمی گرداند. بنا بر نص صریح روایات، خداوند با لطف و کرمش و با واسطه هایش، پشتیبان بندگان

ص: ۸۹

نیازمند خود است. در این میان، تنها شرط بنده نیازمند، داشتن نیت خالص است. بنده باید در سراسر زندگی و شرایط پیش آمده زندگی اش، نیت خالص داشته باشد؛ نیتی که همواره از باور راستین به فضل الهی و یاری او سرچشمه می گیرد.

قرض هم عامل امتحان بندگان است و هم عامل برکت و ایمان و رشد و تکامل آنان. آنجا که بنده ای، در برآوردن نیاز زندگی خود گرفتار می شود، هم خود او در ظرف امتحان الهی قرار می گیرد و هم تمامی اطرافیان و توانگران نزدیک او. امتحان فرد نیازمند آن است که آیا او می تواند با امید به خداوند، مشکل کنونی اش را با قرض گرفتن از بندگان خداوند برطرف سازد و به امور نهی شده در دین روی نیاورد. امتحان اطرافیان توانگر او نیز آن است که آیا در چنین شرایطی حاضرند از محل لطف خداوند و فرصت هایی که به آنها داده است، دست این فرد نیازمند را بگیرند و در حق او برادری کنند.

۱۵. مدارا و گذشت در قرض

رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَمَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ... إِنْ رَفَقَ بِهِ فِي طَلْبِهِ تَعَدَّى بِهِ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بَغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ. (۱)

هر کسی به برادر مسلمانش قرض دهد ... و در طلب آن، با وی مدارا کند، بدان سبب، بدون حساب و عذاب مانند برق جهنده و درخشان از روی صراط می گذرد.

ص: ۹۰

همچنین از ایشان نقل است که فرمود:

مَنْ يَسَّرَ عَلَيَّ مُعْسِرًا يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۱)

هر کس تنگ دستی را مهلت دهد و بر او آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان گیرد.

آن حضرت در جای دیگر می فرماید:

وَمَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ فِي كُلِّ يَوْمٍ تَوَابُ صَدَقَةٍ. (۲)

هر کس به تنگ دستی مهلت دهد، برای هر روز مهلت او ثواب صدقه نوشته می شود.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است:

أَظَلَّ اللَّهُ عَبْدًا فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَوْ تَرَكَ لِعَارِمٍ. (۳)

خداوند در روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست، بنده ای را که به بنده کار تنگ دست مهلت دهد یا از بنده کارش بگذرد، زیر سایه خود قرار می دهد.

آن حضرت در حدیث دیگری فرمود:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يُظِلَّهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ فَلْيَنْظُرْ مُعْسِرًا أَوْ لِيَدْعَ لَهُ مِنْ حَقِّهِ. (۴)

ص: ۹۱

۱- ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی ابن ماجه، سنن، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱، ص ۸۰۸.

۲- همان؛ نک: کنز العمال، ج ۶، ص ۱۴.

۳- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۴، ص ۱۳۵.

۴- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۱.

هر کس می خواهد که خداوند روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش او نیست، او را در سایه اش قرار دهد، به تنگ دست و بده کار مهلت دهد.

امام صادق (ع) فرمود:

صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمِئْبَرِ ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمِدَ اللَّهَ - وَ أَثْنَى عَلَيْهِ... الا و مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَوَابٌ صَدَقَهُ بِمِثْلِ مَا لَهُ حَتَّى يَسْتَوْفِيَهُ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسرِهِ فَنظَرَهُ إِلَى مَيْسَرِهِ وَ إِنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» أَنَّهُ مُعْسِرٌ فَتَصَدَّقُوا عَلَيْهِ بِمَالِكُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ. (۱)

روزی، رسول خدا صلی الله علیه و آله از منبر بالا رفت و پس از ستایش خداوند فرمود: آگاه باشید هر کس تنگ دستی را مهلت دهد، بر خداوند واجب است که در هر روز، صدقه ای به اندازه مالش را برای او منظور کند تا زمانی که تمام مالش را دریافت کند. (سپس امام، این آیه را تلاوت فرمود):

«و اگر [مقروض] تنگ دست بود، او را تا فراخ دستی مهلتی باید داد و بخشیدن و صدقه دادن شما [به آن تنگ دست] برای شما بهتر است، اگر می دانستید»؛ یعنی اگر می دانید که او تنگ دست است، مالتان را به او صدقه بدهید که برایتان بهتر است.

همچنین از رسول الله صلی الله علیه و آله است که فرمود:

مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا إِلَى مَيْسَرِهِ، أَنْظَرَهُ اللَّهُ بِدَنْبِهِ إِلَى تَوْبَتِهِ. (۲)

ص: ۹۲

۱- فروع من الكافي، ج ۴، ص ۳۵.

۲- كنز العمال، ج ۶، ص ۱۴.

هر کس به تنگ دست (بده کار) مهلت دهد تا شرایطش بهتر شود، خداوند نیز در مورد گناهان او صبر می کند تا توبه کند.

امام صادق (ع) در حدیثی از قول پیامبر نقل می کند که فرمود:

أَلْفُ دِرْهَمٍ أَفْرَضُهَا مَرَّتَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً وَ كَمَا لَا يَحِلُّ بِغَرِيمِكَ أَنْ يَمُطَّلَكَ وَ هُوَ مُوسِرٌ فَكَذَلِكَ لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تُغْسِرَهُ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مُعْسِرٌ. (۱)

اگر هزار درهم را دوبار قرض دهم، نزد من محبوب تر است از آنکه یک باره همه را صدقه دهم و همچنان که برای بده کار تو جایز نیست که پرداخت بدهی اش را به تأخیر افکنند، اگر دارا باشد، برای تو نیز جایز نیست که او را در فشار قرار دهی، اگر بدانی که تنگ دست است.

نتیجه ای که از این روایت ها می گیریم، بدین شرح است:

الف) نتیجه گذشت از بده کار و مدارا با تنگ دست این است که خداوند نیز کوتاهی های بنده مدارا کننده اش را نادیده می گیرد و اگر گناهانش زیاد باشد، در عذاب او شتاب نمی کند تا بنده اش توبه کند. افزون بر این، در آخرت در گذشتن از پل صراط، یاری اش می کند. علت همه این عنایت های الهی، آن است که خداوند دوست دارد بندگان توانگر به بندگان نیازمند گذشت داشته باشند و آنها را یاری کنند. در واقع، دست گیری از افراد بده کار از سوی توانگران و حتی طلب کاران غیرتوانگر، سبب خشنودی خداوند متعال می شود و آن را به زیبایی جبران می کند.

ص: ۹۳

ب) هرچه به فرد قرض دار بیشتر فرصت داده شود و در شرایط او آسان بگیرند، در واقع، مثل این است که فرد، همه روزه معادل ارزش مقدار قرض، در راه خدا صدقه می دهد و این ارزش و ثواب تا روز توانایی بده کار بر ادای قرضش ادامه خواهد داشت.

بارها پیشوایان معصوم (ع) اشاره کرده اند که خداوند به سبب آسان گرفتن فرد طلب کار، برای او حسنه فراوان می نویسد و در دنیا و آخرت، او را زیر سایه خود قرار می دهد. علت این امر نیز آن است که خداوند به دلیل صدقه دانستن میزان روزها و لحظه های مدارا یا بخشیدن فرد طلب کار، او را مشمول اجر کریم و ثواب های فراوان خود کرده است.

ج) خداوند دوست دارد بندگانش به افراد بده کار ناتوان، گذشت داشته باشند. خداوند این گذشت را برای بنده اش «خیر» می داند. از این رو، برای طلب کارانی که بده کارشان توانایی بازپرداخت را ندارد، بهتر است از حق خود گذشت کنند و اجر واقعی این عمل را از خداوند بستانند.

تمامی این سفارش ها و تشویق ها، در مورد گذشت و «صدقه» دانستن قرض، برای آن است که آنها خواستار ترویج «قرض حسن» هستند. به عبارت دیگر، گذشت، رفتار شایسته، بخشش و صدقه دانستن طلب، همگی از ویژگی های قرض حسن است و گیرنده واقعی چنین قرضی نیز _ به فرموده قرآن _ خود خداوند است.

۱۶. پی گیری نکردن قرض از بده کاران

جراح مدائینی نقل می کند که امام صادق (ع): «آنکه گره اُن ینزل الرجل علی الرجل و له علیه دین و...؛ ایشان خوش نداشت شخص طلب کار بر شخص بده کار وارد

دلیل اینکه امام رفتن طلب کار نزد بده کار را ناپسند می داند، این است که چه بسا بده کار از دیدن او خجالت بکشد، در حالی که چنین رفتار و حالتی با «قرض حسن» سازگار نیست. پیش تر گفته شد که در قرض حسن، چون فرد به خداوند قرض می دهد، نباید با ایجاد شرمندگی و نگرانی در فرد قرض دار، قرض را از «حسن» بودنش انداخت و در نتیجه، از پی آمدهای الهی آن محروم شد.

۱۷. پی آمدهای قرض ندادن

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ اَحْتَاَجَ اِلَيْهِ اَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ. (۲)

هر که برادر مسلمانش به قرض او نیازمند شود و او با آنکه می تواند قرضش ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می سازد.

امام صادق (ع) می فرماید:

الْمُؤْمِنُ اَخُو الْمُؤْمِنِ وَعَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ... وَ مَا مَوْمِنٍ يَخْذُلُ اَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ نُصْرَتِهِ خَذَلَهُ اللهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ. (۳)

مؤمن، برادر، چشم و راهنمای مؤمن است؛ مؤمنی که برادر مؤمنش را تنها و خوار بگذارد، در حالی که بتواند او را یاری رساند، خداوند

ص: ۹۵

۱- فروع من الكافي، ج ۵، ص ۱۰۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۵؛ نك: وسائل الشيعه، ج ۱۳، ص ۸۸.

۳- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۱.

در دنیا و آخرت، او را تنها و بی یاور خواهد گذاشت.

شاید محروم بودن از بوی بهشت، بدترین عقوبت برای یک انسان باشد؛ زیرا ارزش واقعی انسان، بهشت است. در واقع، اگر انسان به هر علتی از این نعمت الهی محروم شود، دچار خسران (زیانی جبران ناپذیر) شده است. یکی از چیزهایی که انسان را از نعمت بهشت محروم می کند، بی توجهی به قرض دادن است.

این محروم بودن برای کسانی است که توانایی کمک یا قرض دادن به نیازمندان را دارند، ولی در این زمینه اقدامی نمی کنند. بر اساس بیان پیامبر و حضرت علی (ع)، اگر فرد توانا بداند دیگری به کمک و قرض او نیاز دارد، ولی کمکی نکند، از بوی بهشت محروم خواهد شد. حتی تعبیر معصوم (ع) نشان می دهد که لازم نیست فرد نیازمند، قرض خواستن خود را به زبان آورد، بلکه همین که فرد بداند برادر دینی اش نیازمند بخشی از دارایی اوست، ولی به او قرض ندهد، از بوی بهشت محروم خواهد شد. در این حدیث ها، به محروم بودن از بوی بهشت اشاره شده است و نه خود بهشت. شاید بتوان گفت کسانی که کارهای خیر انجام می دهند و از نعمت احساس بوی بهشت بهره مندند، حتی در این دنیا نیز از بوی بهشت بهره دارند و خود این نعمت، آنان را به انجام دادن اعمال خیر تشویق می کند. به دلیل همین بوی بهشت و احساس تشنگی است که انسان به انجام دادن امور خیر می پردازد و از کارهای زشت می پرهیزد. بوی بهشت چنان بندگان نیکوکار خداوند را سرمست می کند که هیچ گاه آن را با بهایی اندک و خوشی های زودگذر عوض نمی کنند. امام صادق (ع) می فرماید:

ص: ۹۶

إِنَّ مِنْ نِعْمِهِمْ أَهْلَ الْجَنَّةِ أَنْ يُوجَدَ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرِهِ أَلْفَ عَامٍ مِنْ مَسَافَةِ الدُّنْيَا. (۱)

یکی از کمترین نعمت های بهشتیان آن است که بوی آن را از هزار سال راه از مسافت دنیا، درک می کنند.

جنبه دیگر مسئله این است که «حرام شدن بوی بهشت» برای کسانی که می توانند از کار دیگران گره بکشایند، ولی نمی کنند، نکته بسیار مهمی را بیان می کند و آن اینکه انسان نباید به گرفتاری های برادران دینی خود بی اعتنا باشد؛ زیرا خداوند همه نعمت ها را به بندگانش بخشیده است و دوست دارد از محل همین بخشش های او، بندگانش به یکدیگر ببخشند و گره گشای مشکل هم باشند. اینکه فردی نیاز برادر دینی خود را ببیند و توان کمک به او را نیز حتی به صورت قرض، داشته باشد، ولی بی توجه از کنار او بگذرد، از نظر انسانی بسیار ناپسند است. خداوند و معصومین (ع)، بی اعتنایی به زندگانی دیگران را برای تمامی انسان ها ناپسند دانسته اند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (۲)

هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اعتنایی نداشته باشد، مسلمان نیست.

همچنین می فرماید:

ص: ۹۷

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۲ هـ. ق، ج ۲، ص

۱۱۱، ح ۲۶۲۹.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (۱)

هر کس ندای فردی را که می گوید: «ای مسلمانان! کمک کنید»، بشنود، ولی پاسخی ندهد، مسلمان نیست.

بنابراین، هیچ عذری برای بی اعتنائی مسلمانان در برابر دیگر افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان پذیرفته نیست. انسان بودن یک مسلمان و نیز «مسلمانی» او حکم می کند که همواره در زندگی اجتماعی به گرفتاری های هم نوعانش توجه کند و در رفع آنها بکوشد. البته باید دانست کمک کردن به دیگران و حاجت روا کردن دیگران، نعمت و فرصت است و به معنای از دست دادن توان و کم شدن دارایی نیست. چنین فرصتی، در بیان معصومین (ع)، رحمت خدا شمرده شده و خود، زمینه خیری است برای کسانی که از فرصت پیش آمده به خوبی بهره گیرند.

۱۸. بخل، مانعی در برابر قرض

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که خداوند می فرماید: «حَرَّمْتُ الْجَنَّةَ عَلَى الْمَنِيَانِ وَالْبَخِيلِ؛ بهشت را بر منت گذار و بخیل حرام کردم.» (۲) همچنین آن حضرت فرموده است: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْبَخِيلُ؛ سوگند به آن که جانم در دست اوست، آدم بخیل وارد بهشت نمی شود.» (۳)

ص: ۹۸

۱- همان.

۲- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۱.

۳- حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، تهران، کتاب خانه اسلامی، ۱۳۸۲ هـ. ق، ج ۱، ص ۵۰۷.

بنا بر احادیثی که گذشت، بخل سبب می شود حالتی در انسان پیش آید که فرد نتواند به دیگران کمک کند. با توجه به بحث پیشین درباره محروم ماندن از بهشت برای خودداری کنندگان از قرض دادن، می توان یک رابطه برای این دو موضوع در نظر گرفت و آن این است که بخیل از دیگران دست گیری نمی کند و در پاسخ درخواست قرض، دچار حالتی می شود که نمی تواند کمک کند. از این رو، از درک بوی بهشت محروم می شود. البته بخل به تنهایی سبب گسترش بسیاری از آفت های اخلاقی می شود که هر کدام آنها می تواند عامل سقوط و خروج انسان از مسیر هدایت الهی باشد. برخی از آثار بخل از این قرارند:

آفت جوان مردی و مردانگی است؛ آفت آزادگی و ایمان است؛ سبب محروم شدن از ایمان خالص است؛ سبب دوری از خدا می شود؛ سوءظن به معبود است و سبب خروج از ولایت حق می شود. (۱)

به فرموده قرآن، بخل، سبب دشوار شدن کار بخیل خواهد شد:

وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى . (لیل: ۸ - ۱۰)

و اما هر کس بخل ورزید و بی نیازی کرد و آن [وعده] نیکو را انکار کرد و دروغ انگاشت، پس به زودی او را برای راه دشوار آماده سازیم.

علامه طباطبایی رحمه الله درباره کسانی که گرفتار صفت ناپسند بخل شده اند، می فرماید:

ص: ۹۹

۱- مقاله «بخل در آیینه روایات»، ترجمه: علی شالچیان ناظر، وام؛ ذخیره ماندگار، بهار ۱۳۷۸، ش ۱۱، صص ۳۹ - ۴۱.

آنها از فطرت انسانی به کنار افتاده و در بازار زندگی ورشکسته اند؛ زیرا در زندگی تنها نیک بختی و آسودگی خود را می خواهند و به زندگی فردی معتقدند. با اینکه فطرت انسان، زندگی اجتماعی را برای ما زندگی معرفی می نماید و زندگی فردی از هر راه که باشد محکوم به شکست است. [آنان] با نشان دادن قدرت به دیگران، خضوع بینوایان را به خود جلب می نمایند و با اینکه به درد دردمندان نمی رسند، آنان را پیوسته در حال کرنش نگه [می دارند] و روح بت پرستی را زنده می دارند. در نتیجه، هر گونه شهامت و شجاعت و علو طبع و افتخارات انسانی از جامعه برچیده می شود. گذشته از اینکه خودشان عواطف پاک و انسان دوستی و دل سوزی و خیرخواهی را زیر پا می گذارند، انواع جرم و خیانت و هر گونه پستی و رذالت را در جامعه ترویج می دهند؛ زیرا قوی ترین عامل طبیعی جنایت و جرم، مانند بدگویی، دزدی، راهزنی، آدم کشی و فقر، در طبقه نیازمندان است و خشم کینه و حس انتقامی است که از توانگران در دل گرفتاران جای گیر می شود و توانگران بخیل به آن دامن می زنند. از اینجاست که بخیل، دشمن شماره یک جامعه است و در هر حال، گرفتار خشم خدای جهان و نفرت جهانیان خواهد بود. (۱)

نتیجه آنکه برای اینکه جزو قرض دهندگان شویم، باید از صفت «بخل»

ص: ۱۰۰

۱- سید محمدحسین طباطبایی، خلاصه تعالیم اسلام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ج ۳، صص ۱۷۴ _ ۱۷۸، برگرفته از: «با اندیشمندان» وام؛ ذخیره ماندگار، زمستان ۱۳۷۷، ش ۱۰، صص ۴۶ و ۴۷.

بپرهیزیم و سخاوتمند شویم تا اهل خیر و اهل «قرض حسن» گردیم.

۱۹. دلیل برتری قرض بر صدقه

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

رَأَيْتُ مَكْتُوبًا عَلَى يَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةَ بِعَشْرِهِ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ فَقُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ مَا بَالَ الْقَرْضُ أَعْظَمَ أَجْرًا قَالَ: لِأَنَّ صَاحِبَ الْقَرْضِ لَا يَأْتِيكَ إِلَّا وَ هُوَ مُحْتَاجٌ وَ رُبَّمَا وَقَعَتِ الصَّدَقَةُ فِي غِنَى. (۱)

بر در بهشت دیدم نوشته شده بود: قرض، هجده ثواب و صدقه، ده ثواب دارد. از جبرئیل علت بیشتر بودن ثواب قرض را پرسیدم. گفت: چون قرض گیرنده نزد تو نمی آید مگر اینکه نیازمند باشد، در حالی که چه بسا صدقه در دست فرد توان مند بی نیاز قرار گیرد.

امام صادق (ع) فرموده است:

الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَ الصَّدَقَةُ بِعَشْرِهِ، وَ ذَلِكَ أَنَّ الْقَرْضَ لَا يَكُونُ إِلَّا فِي يَدِ الْمُحْتَاجِ، وَ الصَّدَقَةُ رُبَّمَا وَقَعَتْ فِي يَدِ غَيْرِ مُحْتَاجٍ. (۲)

بر در بهشت نوشته است: قرض، هجده و صدقه، ده ثواب دارد؛ زیرا قرض تنها در دست نیازمند قرار می گیرد، ولی صدقه چه بسا در دست بی نیاز نیز قرار گیرد.

علی (ع) نیز می فرماید:

فَقَرَضُ دِرْهَمٍ كَصَدَقَةِ دِرْهَمَيْنِ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَقَالَ هُوَ

ص: ۱۰۱

۱- کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۰.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۰.

یک درهم قرض، مانند دو درهم صدقه است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم آن بر عهده توانگران است.

اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) نقل می کند:

مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرِهِ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بِخَمْسَةِ عَشْرٍ. (۲)

بر در بهشت نوشته است: صدقه: ده و قرض، هجده ثواب دارد و در روایت دیگر (قرض) پانزده ثواب دارد.

امام رضا (ع) می فرماید:

أَجْرُ الْقَرْضِ ثَمَانِيَةِ عَشْرٍ ضِعْفًا مِنْ أَجْرِ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْقَرْضَ يَصِلُ إِلَى مَنْ لَا يَضَعُ نَفْسَهُ لِلصَّدَقَةِ لِأَخْذِ الصَّدَقَةِ. (۳)

پاداش قرض هجده برابر پاداش صدقه است؛ زیرا قرض به دست کسی می رسد که حاضر نیست برای دریافت صدقه به کسی رو بزند.

شاید مقایسه قرض و صدقه از چند جهت جای تأمل داشته باشد. اول آنکه چرا چنین فضیلتی در قرض نسبت به صدقه وجود دارد و معصومین (ع) نیز پیوسته آن را بیان کرده اند؟ دوم اینکه میان قرض و صدقه چه ارتباطی وجود دارد که همواره مورد توجه است؟

به نظر می رسد علت فضیلت قرض نسبت به صدقه این باشد که قرض

ص: ۱۰۲

۱- همان، ص ۱۴۰.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۳۳.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۰.

را کسی درخواست می کند که به مرحله نیاز رسیده است. از این رو، فرد توانگر با کمک و قرض دادن به نیازمندان این اطمینان را دارد که گرهی از مشکل یک نیازمند بگشاید، در حالی که در صدقه همیشه این گونه نیست و احتمال اینکه فرد برخوردار از صدقه، نیازمند واقعی نباشد، فراوان است. به جز این شاید قرض گیرنده برای حفظ آبروی خود، حاضر نشود به سوی امور دیگری مانند درخواست صدقه، گدایی و کارهای ناپسند برود. در واقع، بهترین راه را برای حل مشکل خود برگزیده است. از این رو، خواسته است کمتر از موارد دیگر شرمند شود و چون قرار است در نخستین فرصت، دین خود را ادا کند، جرئت تقاضای قرض را یافته است. بنابراین، می توان گفت قرض برای بسیاری از مردم، امری پسندیده تر است تا تقاضای صدقه. فضیلت قرض بر صدقه نیز شاید به همین دلیل باشد.

دلیل اینکه همواره قرض با صدقه مقایسه می شود، این است که قرض را با توجه به ماهیتش، نوعی صدقه دانسته اند؛ یعنی این دو سنخیتی با هم دارند، و گرنه بدون این سنخیت، امکان مقایسه وجود نداشت. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «كُلُّ قَرْضٍ صَدَقَةٌ؛ هر قرضی، صدقه است.»^(۱) این روایت نشان می دهد قرض نوعی صدقه است. یک تفاوت میان صدقه و قرض این است که در صدقه، انسان از نتیجه کارش شناخت کاملی ندارد، در حالی در مورد قرض، معمولاً قرض دهنده به نتیجه عمل خود آگاه است

ص: ۱۰۳

و همین امر سبب فضیلت آن نسبت به صدقه شده است. قرینه دیگر شباهت قرض به صدقه، نوع تفسیری است که بیشتر مفسران شیعه و سنی در تفسیرهایشان از «قرض حسن» داشته اند. بیشتر آنها «قرض حسن» را صدقه دانسته و گفته اند در واقع، فرد در «قرض حسن»، به خداوند قرض می دهد و نباید چشم داشت بازگشت صدقه خود را از غیر خدا داشته باشد. از این رو، قرض حسن، نوعی صدقه است و از نظر پاداش، به مراتب بالاتر از آن قرار دارد.

۲۰. زکات شمرده شدن قرض

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

مَنْ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا قَرْضًا يُنْظَرُ بِهِ مَيْسُورَهُ كَانَ مَالَهُ فِي زَكَاةٍ وَ كَانَ هُوَ فِي صَلَاةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يُؤَدِّيَهُ إِلَيْهِ. (۱)

هر کس به مؤمنی قرض دهد، مدت زمانی که صبر می کند تا وضع قرض گیرنده بهتر شود، مالش در حکم زکات خواهد بود و خودش هم با فرشتگان در حال نماز است تا بده کارش قرض خود را ادا کند.

امام باقر (ع) فرمود:

مَنْ أَقْرَضَ رَجُلًا قَرْضًا إِلَى مَيْسَرِهِ كَانَ مَالُهُ فِي زَكَاةٍ وَ كَانَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يَقْضِيَهُ. (۲)

هر کس به دیگری قرض بدهد تا وقت توانگری پرداخت کند، مال

ص: ۱۰۴

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۱۲۶.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۵۵۸.

او در زکات است و خودش هم با فرشتگان در حال نماز است تا بده کار قرض خود را بپردازد.

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

قَرْضُ الْمُؤْمِنِ غَنِيمَةٌ وَ تَعْجِيلُ خَيْرٍ إِنْ أُيسَرَ أَذَاهُ وَإِنْ مَاتَ اخْتَسِبَ مِنَ الزَّكَاةِ (۱).

قرض دادن به مؤمن، غنیمت و شتاب کردن در خیر است؛ زیرا اگر مؤمن دستش باز شد، آن را باز می گرداند و اگر هم از دنیا برود، جزو زکات قرض دهنده به شمار می آید.

به نقل عقبه بن خالد وی به همراه معلی و عثمان بن عمران بر امام صادق (ع) وارد شدند. همین که چشم امام به آنها افتاد، فرمود: خوش آمدید، خوش آمدید... عثمان گفت: فدایت شوم... من مردی توانگرم. فرمود: خداوند به توانگری ات برکت دهد. عثمان افزود: کسی نزد من می آید و از من درخواستی می کند، ولی هنوز وقت زکات من نرسیده است که چیزی به او بدهم. امام فرمود:

نزد ما قرض، هجده و صدقه، ده ثواب دارد؛ چه مانعی دارد چنان که می گویی توانگری، مبلغی به او بدهی. پس چون وقت زکات رسید، آن را زکات مالت قرار دهی؟ ای عثمان، او را دست خالی باز مگردان؛ زیرا باز گرداندن او نزد خدا گناهی بزرگ است. ای عثمان، اگر بدانی که منزلت مؤمن نزد خدا چه قدر است، هرگز در بر آوردن حاجت او سستی نخواهی کرد. هر که دل مؤمنی را شاد کند، به

ص: ۱۰۵

یقین، دل رسول خدا صلی الله علیه و آله را شاد کرده است. بر آوردن حاجت مؤمن، دیوانگی و پیسی و جذام را دور می سازد. (۱)

بر اساس این روایت ها، «قرض» حتی اگر ادا نشود، می تواند جزو زکات قرض دهنده به شمار آید؛ هر چند در آن زمان، زکاتی نداشته باشد.

۲۱. ثواب همیشگی صدقه در قرض

امام صادق (ع) فرمود:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا يَلْتَمِسُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حَسِبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَهُ بِحَسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِ مَالَهُ. (۲)

مؤمنی نیست که برای خشنودی خدا به مؤمن دیگر قرض دهد، مگر اینکه خداوند تا بازگشت مالش، برای او ثواب صدقه را منظور کند.

همچنین ایشان فرموده است:

لَمَّا أَنْ أَقْرَضَ قَرْضًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَّيَّدَ بِمِثْلِهِ وَكَأَنَّ يَقُولُ مَنْ أَقْرَضَ قَرْضًا وَضَرَبَ لَهُ أَجَلًا فَلَمْ يُؤْتِ بِهِ عِنْدَ ذَلِكَ الْأَجَلِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَتَأَخَّرُ عَنْ ذَلِكَ الْأَجَلِ بِمِثْلِ صَدَقَةِ دِينَارٍ وَاحِدٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. (۳)

اگر قرضی بدهم نزد من محبوب تر است از آنکه مانند آن را صدقه بدهم. (نیز می فرمود): هر که قرضی بدهد و موعد بازپرداختی معین

ص: ۱۰۶

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۳۴.

۲- همان.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۷.

کند و در وقت مقرر پرداخت نشود، برای هر روزی که تأخیر افتد، ثواب صدقه دیناری را دارد که در هر روز داده شود.

به فرموده امام صادق (ع)، حتی وقتی قرض گیرنده نتواند قرض خود را به موقع پس دهد، همه روزه برای قرض دهنده برابر قرض داده شده اش، ثواب صدقه نوشته می شود و این به مراتب، ثواب بیشتری از آن صدقه ای دارد که فرد از اول به کسی می بخشد.

نتیجه اینکه نوع تبیین قرض و نیز رفتار قرض دهنده در بیان امام صادق (ع)، بیانگر ارزش و جایگاه واقعی قرض حسن است. در واقع، گذشت و مدارا و مهربانی و چشم پوشی در برخی شرایط از اصل قرض و قرض گیرنده و نیز مسئله ثواب صدقه، همگی برای آن است که «قرض حسن» بهتر شناسانده شود. اگر تأکید می شود که به ازای دیرکرد در بازپرداخت قرض، ثواب صدقه برای قرض دهنده نوشته می شود، برای این است که به نوعی رفتار قرض دهنده به عمل خود و قرض گیرنده، شایسته تر شود. این امر تا آنجا می تواند پیش رود که قرض دهنده احساس کند از فرد مقروض هرگز طلب کار نیست، بلکه او باید خداوند را شکر گوید که توفیق چنین عملی را به او داده و افزون بر بهره مندی از ثواب بی شمار، از آثار درونی عمل خود نیز برخوردار شده است؛ زیرا گفته شد که قرض در درون فرد و قلب و روح و حتی جسم (بیماری های جسمی) او اثر مثبت می گذارد و زمینه های نشاط روحی و فکری شخص را فراهم می آورد.

ص: ۱۰۷

امام صادق (ع) فرموده است پس از نماز صبح این دعا را بخوانید:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمِيدِ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ وَ مِنْ غَلْبَةِ الدَّيْنِ وَالسُّقْمِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَإِلَى النَّاسِ. (۱)

توکل کردم به خدای زنده و پاینده ای که هرگز نمیرد و ستایش مخصوص خدایی است که فرزندی نگیرد و شریکی در فرمان روابی ندارد و به سبب ناتوانی و خواری یاوری برایش نیست و او را بزرگ بشمار. خدایا، به تو پناه می برم از تنگ دستی و ناداری و از فشار بده کاری و دردمندی و از تو می خواهم که مرا در پرداخت حق تو و حق مردم یاری کنی.

شخصی به امام محمد تقی (ع) نوشت که قرض بسیار دارم. حضرت در پاسخ نوشت بسیار استغفار کن و همواره سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را زمزمه کن. (۲)

از امام صادق (ع) است که:

اللَّهُمَّ لِحِظَتِكَ تَيَسَّرُ عَلَيَّ غُرْمَائِي بِهَا الْقَضَاءُ وَ تَيَسَّرُ لِي

ص: ۱۰۸

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات کتاب خانه صدر، ۱۳۷۶، چ ۲، ص ۱۱۷۰.

۲- مفاتیح الجنان، ص ۱۳۵۵.

بِهَا الْإِقْتِضَاءُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

خدایا، توجهی می خواهم از توجهات که بدان بازپرداخت را بر طلب کارانم و وام گیری را بر من آسان گردانی که به راستی تو بر هر چیزی توانایی.

این دعا نیز از امام موسی کاظم (ع) روایت شده است:

اللَّهُمَّ ارْزُدْ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ مَظَالِمَهُمُ الَّتِي قَبْلِي صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيهِ وَ مَا لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَسْعُهُ ذَاتُ يَدِي وَ لَمْ يَقْوِ عَلَيْهِ بَدَنِي وَ يَقِينِي وَ نَفْسِي فَادِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ مَا عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ ثُمَّ لَا تَخْلُفْ عَلَيَّ مِنْهُ شَيْئًا تَقْضِيهِ مِنْ حَسَنَاتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۲)

خدایا، حقوقی را که مردمان نزد من دارند، از کوچک و بزرگش، در آسانی و تن درستی برآورده کن و نیز آنچه را نیرو و دارایی من بدان نرسد و بدن، جان و یقینم بر آن قدرت نداشته باشد. پس آن را برای من پرداز از آن فضل شایانی که داری. و از آن بر من چیزی را که آن را از حسنات من پرداز، به جای مگذار. ای مهربان ترین مهربانان.

۲۳. نماز برای ادای دین و بدهی

مردی خدمت امام صادق (ع) رسید و گفت: آقای من! از قرضی که مرا فرا

ص: ۱۰۹

۱- همان، ص ۱۲۸۷.

۲- همان، ص ۱۲۸۸.

گرفته و از سلطانی که به من ستم می کند، نزد تو شکایت می کنم. مرا دعایی بیاموز که با آن غنیمتی به دست آورم که قرض خود را ادا کنم و ستم سلطان را از خود باز دارم. امام فرمود:

هرگاه تاریکی شب تو را فرا گرفت، دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اول آن، حمد و آیه الکرسی و در رکعت دوم حمد و آخر سوره حشر «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ تَأْخِرُ سوره» را بخوان. پس قرآن مجید را بر سر خود بگذار و بگو: «بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ إِلَى خَلْقِكَ وَ بِحَقِّ كُلِّ آيَةٍ لَكَ فِيهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَّحْتَهُ فِيهِ وَ بِحَقِّكَ عَلَيْكَ وَ لَا أَحَدٌ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ». آن گاه بگو [بک] یا الله، ده مرتبه؛ یا محمد، ده مرتبه؛ یا علی، ده مرتبه؛ یا فاطمه، ده مرتبه؛ یا حسن، ده مرتبه؛ یا حسین، ده مرتبه؛ یا علی بن الحسین، ده مرتبه؛ یا محمد بن علی، ده مرتبه؛ یا جعفر بن محمد، ده مرتبه؛ یا موسی بن جعفر، ده مرتبه؛ یا علی بن موسی، ده مرتبه؛ یا محمد بن علی، ده مرتبه؛ یا علی بن محمد، ده مرتبه؛ یا حسن بن علی، ده مرتبه؛ بالحجه، ده مرتبه. سپس حاجت خود را بخواه.

آن مرد رفت و پس از مدتی برگشت؛ در حالی که قرضش ادا شده بود و امر سلطان اصلاح شده و مالش افزایش یافته بود. (۱)

۲۴. مقایسه قرض دادن با صلّه رحم

در برخی روایت ها، قرض دادن با صلّه رحم مقایسه شده است، با اینکه

ص: ۱۱۰

ثواب صله رحم در روایت های اسلامی از صدقه و قرض دادن بیشتر است. بنا بر روایت های معتبر، صله رحم، بیست و چهار درجه فضیلت دارد. با وجود این، امام صادق (ع) می فرماید: «لِأَنَّ أُقْرِضَ قَرْضًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُصَلَّ بِمِثْلِهِ» (۱) من قرض دادن را از انجام دادن صله رحم، دوست تر می دارم.

چرا امام، قرض دادن را بر صله رحم ترجیح می دهد؟ شاید بتوان گفت در صله رحم، مسئله عاطفه و احساسات و ملاحظه روابط خویشاوندی مطرح است. چه بسا این ویژگی روانی _ عاطفی، عامل این عمل باشد و به دست آوردن خشنودی الهی در آن نباشد یا کمتر باشد، ولی در قرض دادن به فردی بیگانه که از خویشاوندان نیز نیست، به جز به دست آوردن خشنودی الهی، به برخی از احکام دین، نیز عمل می شود.

۲۵. درد آور بودن بده کاری

بده کاری، دردی است که جان انسان بده کار را رنج می دهد؛ حتی آزاردهندگی آن از دیگر دردها بیشتر است. از این رو، در روایات ما اندوه ناشی از وام گرفتن با دردهای جسمی از جمله چشم درد که از بدترین دردهای جسم آدمی است، مقایسه شده است. امام صادق (ع) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

مَا الْوَجَعُ إِلَّا وَجَعُ الْعَيْنِ وَمَا الْهَمُّ إِلَّا هَمُّ الدَّيْنِ. (۲)

هیچ دردی بسان درد چشم نیست و هیچ اندوهی چونان اندوه ناشی

ص: ۱۱۱

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹.

۲- علل الشرایع، ص ۵۲۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۲، ح ۶.

از دین و بده کاری نیست.

بده کاری در نظر پیشوایان اسلام، به منزله طوقی است که خداوند اگر بخواهد بنده ای را خوار سازد، آن را به گردن او می اندازد و از این طریق، او را گرفتار می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الدَّيْنُ رَأْيُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَرْضِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَدُلَّ عَبْدًا وَضَعَهُ فِي عُنُقِهِ. (۱)

بده کاری نشانه خدا در روی زمین است. پس اگر خداوند اراده کند بنده ای را خوار سازد، آن نشانه را به گردن او می اندازد.

همچنین حضرت می فرمایند: «لَا تَزَالُ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةً مَا كَانَ عَلَيْهِ الدَّيْنُ؛ (۲) نفس مؤمن در گرو [طلب کار] است تا زمانی که بدهی دارد».

اسلام چون نمی خواهد جز در موارد خیلی ضروری این حالت برای مؤمنان پیش آید، وام گرفتن را امری نیکو نمی شمارد.

۲۶. لزوم پرداخت قرض هنگام سررسید آن

ادای دین هنگام سررسید، کاری انسانی است و حتی بر نفقه اهل و عیال انسان، مقدم است. به این معنا که از نظر پیشوایان اسلام، بر انسان لازم است از مالی که در اختیار دارد، پیش از نفقه دادن به اهل و عیال، بدهی خود را

ص: ۱۱۲

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۲.

۲- همان، ج ۱۰۰، ص ۱۴۲.

بپردازد. سماعه می گوید:

از امام صادق (ع) درباره مردی پرسیدم که مالی دارد و بدهی نیز دارد. آیا آن مال را برای نفقه عیال خود مصرف کند، به امید اینکه برای او گشایشی در پرداخت وام پیدا شود یا قرض دیگری بکند با وجود تنگی معاش و معیشت و کسب و کار یا اینکه صدقه قبول کند [و از این طریق زندگی خانوادگی خویش را اداره کند] یا اینکه قرض خود را از همان مالی که نزد اوست، ادا کند؟ امام صادق (ع) در پاسخ فرمود: «از آن مال، قرض خود را بپردازد و برای اداره زندگی خویش اگر نیاز به قبول صدقه داشته باشد، از آن مانعی نیست».^(۱)

بنا بر این روایت، باید قرض سر وقت پرداخت شود، هرچند با این کار شخص مجبور شود برای معیشت عیال خود صدقه بگیرد. همچنین معلوم می شود تخلف از پرداخت بدهی به مراتب شکننده تر از خوار شدن در برابر خانواده خود است. در ذیل این روایت، امام صادق (ع) درباره علت این کار نیز چنین می فرماید:

وَلَا يَأْخُذُ أَمْوَالَ النَّاسِ إِلَّا وَعِنْدَهُ وَفَاءٌ لِمَا يَأْخُذُ مِنْهُمْ... فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ.^(۲)

اموال مردم را نباید از آنها گرفت؛ مگر اینکه با تعهد ادای آن همراه باشد؛ زیرا خداوند در قرآن کریم می فرماید: امواتان را میان خودتان به باطل مصرف نکنید جز از طریق تجارتی که میان شما مورد توافق

ص: ۱۱۳

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۴، ح ۱۷.

۲- همان.

قرار گرفته باشد.

علامه مجلسی رحمه الله در بحارالانوار، زیر عنوان «الْمُطَّلُ فِي الدِّينِ؛ کسی که در پرداخت دین سستی می کند و آن را به تأخیر می اندازد»، بابی گشوده و نزدیک به هشت روایت در نکوهش چنین کسی نقل کرده است. از جمله از پیامبر گرامی اسلام نقل می کند:

مَنْ يُمِطُّ عَلَى ذِي حَقِّ حَقَّهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى آدَاءِ حَقِّهِ فَعَلَيْهِ كُلُّ يَوْمٍ خَطِيئَةٌ عَشْرًا. (۱)

کسی که در دادن حق دیگری سستی کند و آن را به تأخیر بیندازد، در حالی که توان ادای آن را دارد، هر روزی که از او می گذرد، گناه کار است و گناه او مانند گناه باج گیر خواهد بود.

در روایت دیگری آمده است چنین کسی در روز قیامت، چونان ستم کار بازخواست خواهد شد.

امام صادق (ع) به یکی از اصحابش به نام یونس فرمود:

کسی که از ادای حق مؤمنی خودداری کند، روز قیامت، منادی از جانب خداوند ندا سر می دهد: «این همان کسی است که در دنیا از بازپرداخت حق مؤمنی خودداری کرده است.» سپس به او دستور می دهد که به دوزخ وارد شود. (۲)

همچنین در روایت دیگری آمده است:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَبَسَ مُؤْمِنًا عَنْ مَالِهِ وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ لَمْ يَذُقْ وَاللَّهِ مِنْ

ص: ۱۱۴

۱- امالی صدوق، ص ۴۳۲.

۲- ثواب الاعمال، ص ۲۱۵؛ بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۷، ح ۶.

هر مؤمنی که مال مؤمنی را نزد خود نگه دارد، در حالی که او بدان نیاز دارد، خداوند در روز قیامت از طعام بهشتی به او نمی چشاند و او را از شراب بهشتی سیراب نمی کند.

این مجازات اخروی کسی است که پرداخت وام خود را به تأخیر بیندازد و از پرداخت آن سر باز می زند، ولی مجازات دنیوی او نیز به صورت های گوناگون انجام می شود تا مایه عبرت دیگران شود. از جمله آن مجازات ها این است که برخی از حقوق و وظایفی که دیگران پس از مردن او دارند، از آنان گرفته می شود. از جمله این حقوق، احترام به او پس از مردن و شرکت در تشییع جنازه و نماز گزاردن بر اوست. این تکلیف، در مورد کسانی که از پرداخت حقوق دیگران از جمله قرض دهندگان خودداری کنند، گرفته می شود.

معاویه بن وهب، از اصحاب امام صادق (ع) از ایشان پرسید: داستانی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است درباره مردی از انصار که از دنیا رفته بود، در حالی که بده کار بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از مردنش در نماز او شرکت نکرد. آیا چنین داستانی درست است یا نه؟ آیا درست است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «لَا تُصَيِّمُوا عَلِيَّ صَاحِبِكُمْ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ الدَّيْنُ» (۲) در نماز میت بر رفیق خود که بده کار است [و از دادن بدهی خود خودداری کرده است [شرکت نکنید.]] امام

ص: ۱۱۵

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۱۴.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۳.

صادق (ع) در پاسخ فرمود: «آری، این کلام حقی است که از پیامبر صادر شده است».

در ذیل این روایت، دو علت برای این کار آمده است:

۱. «لِيَتَعَاطُوا الْحَقَّ وَ يُؤَدِّيَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ»؛ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین کاری را به این علت انجام داد که مسلمانان به حق یکدیگر توجه کنند و از ادای حق آنان خودداری نورزند.

۲. «وَلِئَلَّا يَسْتَخْفُوا بِالذِّينِ»؛ برای اینکه مسلمانان، امور شرعی و تکالیف خویش را سبک نشمارند. اصل استخفاف و سبک شمردن وظیفه، گناهی بس بزرگ است.

روشن است که این هر دو دستور، درباره شخص مرده نیست؛ زیرا او از دنیا رفته است و این کار برای او فایده ای ندارد. این دستور برای افرادی است که در پی جنازه او می روند و از خویشان و دوستان او هستند، بلکه از گرفته شدن این تکلیف از زندگان درباره مردگان، عبرت بگیرند و در این باره فکر کنند که چرا اسلام، او احترام گذاشتن و نماز گزاردن بر مرده ای که از پرداخت دین خود، با وجود توان بازپرداخت آن، سر باز زده است، منع می کند؟

۲۷. برابر بودن بازنگرداندن قرض با دزدی

در اسلام از کسی که قرض بکند، ولی قصد ادای آن را نداشته باشد، به دزد تعبیر شده است.

از امام صادق (ع) نقل شده است:

السُّرَاقُ ثَلَاثَةٌ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ مُسْتَحِلُّ مَهْوَرِ النِّسَاءِ وَ كَذَلِكَ مَنْ

ص: ۱۱۶

دزدها سه دسته اند: کسی که از دادن زکات خودداری کند؛ کسی که از پرداخت مهریه زنان خود سر باز زند و آن را حلال بداند؛ کسی که از دیگری قرض کند و به هنگام قرض کردن، قصد ادای آن را نداشته باشد.

ص: ۱۱۷

۱- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۲.

فصل اول: جایگاه قرض الحسنه در بانک داری بدون ربا

۱. قانون عملیات بانک داری بدون ربا

برای اجرای درست قانون عملیات بانک داری بدون ربا، مجلس شورای اسلامی، دستورالعمل اجرایی این قانون را در زمینه هر یک از مواد، تهیه کرد و به تصویب رساند. مواد ۱۵ تا ۱۷ قانون، درباره اعطای قرض الحسنه و دستورالعمل اجرایی آن چنین است:

ماده ۱ _ قرض الحسنه اعطایی، عقدی است که به موجب آن بانک ها (به عنوان قرض دهنده) مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر در این دستورالعمل به اشخاص، اعم از حقیقی یا حقوقی (به عنوان قرض گیرنده) واگذار می کنند.

ماده ۲ _ اعطای قرض الحسنه در موارد زیر مجاز است:

الف) شرکت های تجاری برای ایجاد کار: این مورد، ناظر به آن دسته از شرکت های تعاونی تولیدی و خدماتی (غیربازرگانی و معدنی) است که قسمتی یا تمام فعالیت آنها به منظور فراهم آوردن تسهیلات برای تأمین وسایل و ابزار و یا سایر امکانات ضروری جهت ایجاد کار برای اعضا در شرایطی باشد که این اعضا، خود، امکانات لازم را ندارند.

ب) کارگاه ها و محل های تولید، متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی به منظور کمک به امر افزایش تولید در موارد ذیل:

۱. جلوگیری از توقف کارگاه ها و واحدهای تولیدی موجود؛

۲. راه اندازی کارگاه ها و واحدهای تولیدی راکد؛

۳. توسعه کارگاه ها و واحدهای تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و روستاها؛

۴. ایجاد کارگاه ها و واحدهای تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و روستاها؛

۵. در مواردی که تأمین نیاز کارگاه ها یا واحد تولیدی از طریق سایر تسهیلات امکان پذیر نباشد؛

۶. ایجاد تسهیلات برای اشخاصی که در بخش کشاورزی به فعالیت اشتغال دارند و به علت بروز عوامل نامساعد طبیعی نظیر سیل، زلزله، یخ بندان، گرما، آفت نباتی و سایر موارد اضطراری مشابه، دچار ضرر و زیان شده باشند.

ج) رفع احتیاج اشخاص حقیقی در موارد زیر:

۱. هزینه های ازدواج؛

۲. تهیه جهیزیه؛

۳. درمان بیماری؛

۴. تعمیرات ساختمان؛

۵. کمک هزینه تحصیلی؛

۶. کمک برای ایجاد مسکن روستاها.

تبصره ۱ _ شرکت های تعاونی که حداقل با ۷ نفر عضو فاقد وسایل، ابزار و یا امکانات کاری برای انجام امور تولیدی و یا خدماتی مشخص تشکیل شده باشند، می توانند از تسهیلات قرض الحسنه بانک ها موضوع بند «الف» استفاده کنند.

ص: ۱۲۰

تبصره ۲_ واحدهای تولیدی متعلق به اشخاص حقیقی شامل اشخاصی نیز می گردد که مستقیماً در امر کشاورزی و دام پروری فعالیت داشته و یا به کشاورزی و دام پروری مبادرت خواهند کرد.

تبصره ۳_ بانک ها در اعطای تسهیلات موضوع بند «ب» فوق، به واحدهای تولیدی کشاورزی و صنعتی اولویت خواهند داد.

تبصره ۴- واحدهایی که در امور صنعتی به فعالیت اشتغال داشته باشند، مشمول استفاده از تسهیلات قرض الحسنه نخواهند بود.

تبصره ۵_ اعطای قرض الحسنه به کارکنان شاغل بانک ها طبق ضوابط این دستورالعمل ممنوع است. اعطای قرض الحسنه برای رفع احتیاجات ضروری کارکنان بانک ها، طبق ضوابط و مقررات مربوط به خود بلامانع است.

ماده ۳_ بانک ها موظفند در اعطای قرض الحسنه نکات زیر را رعایت نمایند:

۱. حصول اطمینان از نیاز متقاضی؛

۲. حصول اطمینان از ایجاد کار؛

۳. حصول اطمینان از افزایش تولید؛

۴. حصول اطمینان از مصرف مبلغ قرض الحسنه اعطایی توسط متقاضی.

ماده ۴_ میزان قرض الحسنه اعطایی توسعه بانک ها به هر شخص حقیقی یا حقوقی، به ترتیب ذیل تعیین می گردد:

الف) در موارد مندرج در بندهای الف و ب ماده ۲، حداکثر مبلغ پنج میلیون ریال؛

ص: ۱۲۱

ب) در موارد مندرج در بندهای ج ماده ۷، حداکثر مبلغ پانصد هزار ریال.

ماده ۵ - حداکثر جمع کل قرض الحسنه های اعطایی توسط بانک ها ۱۰ درصد جمع کل تسهیلات اعطایی در هر سال خواهد بود؛ مشروط بر اینکه از جمع کل سپرده های پس انداز قرض الحسنه تجاوز ننماید.

تبصره ۱ - بانک مرکزی می تواند سهم قرض الحسنه اعطایی هر یک از بانک های تخصصی و بازرگانی را با در نظر گرفتن اولویت برای روستاها و شهرهای کوچک تعیین نماید.

تبصره ۲ - میزان قرض الحسنه اعطایی بانک ها در مورد موضوع بند ج ماده ۲ نباید از ۲۵ درصد کل تسهیلات قرض الحسنه تجاوز نماید.

ماده ۶ - مدت بازپرداخت قرض الحسنه اعطایی توسط بانک ها به ترتیب زیر تعیین می گردد:

الف) در موارد مندرج در بندهای الف و ب ماده ۲، حداکثر پنج سال؛

ب) در موارد مندرج در بند ج ماده ۲، حداکثر سه سال.

ماده ۷ - بانک ها مکلفند به منظور حصول اطمینان از وصول مطالبات خود ناشی از اعطای قرض الحسنه تأمین کافی اخذ نمایند.

ماده ۸ - کارمزد دریافتی بانک ها بابت قرض الحسنه اعطایی در موارد بندهای الف و ب ماده ۲، حداکثر ۵/۲ درصد در سال و در مورد بند ج ماده ۲، ۱ درصد در سال تعیین می گردد؛ مشروط بر اینکه از هزینه های تجهیز منابع اعطایی قرض الحسنه و نیز هزینه های اعطای آن تجاوز ننماید.

ماده ۹ - بانک ها مکلفند در قرارداد قرض الحسنه قید نمایند که قرارداد

مذکور بر اساس توافق طرفین در حکم اسناد لازم الاجرا و تابع آیین نامه اجرایی اسناد رسمی می باشد.

ماده ۱۰ _ معاملات-تی که طبق قوانین و مقررات موضوعه در مورد وثایق دریافتی باید در دفاتر اسناد رسمی انجام شوند، کماکان طبق تشریفات مربوط انجام خواهند شد.

۲. عملکرد بانک ها در زمینه قرض الحسنه

بررسی عملکرد بانک داری جمهوری اسلامی ایران به ویژه در سال های اخیر، نشان می دهد که در زمینه اعطای تسهیلات قرض الحسنه به نیازمندان موفقیت چندانی نداشته و در مقایسه با میزان سپرده های قرض الحسنه مردم که سیر صعودی داشته است، سیر نزولی را نشان می دهد.

با توجه به آمار و نمودار جذب سپرده های قرض الحسنه نظام بانکی کشور در سال های ۱۳۶۷ _ ۱۳۷۶ که به تفکیک بانک ها در جدول مشخص شده است، می توان نتیجه گرفت که در این دهه، میزان جذب سپرده همواره به تفکیک بانک ها و کل جریان جذب سپرده، روند صعودی داشته است. (۱)

درباره اعطای تسهیلات قرض الحسنه بانک ها به مردم، باید یادآوری شود که بانک ها برابر قانون تنها می توانند حداکثر ۱۰ درصد از کل تسهیلات اعطایی سالانه خود را در قالب قرض الحسنه وام دهند، ولی با توجه به این

ص: ۱۲۳

۱- محمد آیینی، «طراحی انتشار اوراق سرمایه گذاری مسکن با عایدات تصادمی در چارچوب بازار سرمایه منطبق با موازین فقهی» پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشکده امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵.

قانون، به نظر می رسد بانک ها بیشترین درصد دریافتی سپرده های قرض الحسنه مردم را در غیر زمینه های قرض الحسنه به کار می گیرند، درحالی که اگر بانک ها به عنوان مؤسسه هایی که نقش انتقال دهنده وجوه سپرده شده افراد را به نیازمندان واقعی ایفا کنند، باید درصد تسهیلات اعطایی بسیار بیش از اینها باشد.

نام بانک ۴۹۵۳۰۰ ۳۹۶۳۰۰ ۳۴۲۷۰۰ ۳۵۱۷۷۱ ۳۵۲۹۱۳۶ ملی ۱۳۶۷۱۳۶۸۱۳۶۹۱۳۷۰۱۳۷۱۱۳۷۲۱۳۷۳۱۳۷۴۱۳۷۵۱۳۷۶
۷۸۴۲۰۰ ۷۴۰۴۰۰ ۹۰۰/۷۵۰ ۵۵۱۷۰۰ ۵۸۲/۴۷۲ ۸۳۳/۴۶۴ ۴۲۸۴۱۶ صادرات ۱۳۵۷۱۰۰ ۱۱۰۸۹۰۰ ۷۹۱۸۰۰ ۶۵۰۹۰۰ ۵۷۱۶۰۰
۳۱۳۹۰۰ ۳۵۷۱۰۰ ۲۱۱۱۰۰۰ ۲۰۰۴۰۰ ۱۷۲۶۰۰ ۱۱۶۱۰۰ ۳۲۹/۱۰۲ ۸۳۱۹۹۲۸۷/۸۹ تجارت ۱۴۱۰۱۸۰۰ ۱۰۷۵۵۰۰ ۸۷۶۲۰۰
۳۵۸۳۰۰ ۳۰۹۷۰۰ ۲۷۲۲۳۰۰ ۲۴۰۴۰۰ ۳۰۸۹۰۰ ۱۷۴۳۰۰ ۱۴۲۳۰۰ ۱۳۸۱۱۰ ۱۲۰۹۰۰ ۱۰۴۴۵۴۸ سپه
مسکن ۳۴۹۴۳۰۰ ۲۱۱۵۱۰۰ ۸۷۳۰۰۱۵۰۹۷۰۰ ۳۹۹۰۰۰ ۳۲۲۱۰۰ ۲۴۶۳۰۰ ۷۲۳۴۴۸۰۳۸۲۱۲۸۵۲۸۰
۱۴۰۵۰۰ ۲۱۴۵۲۳۰۸۷۵۴۸۵۷۵۹۷۷۰۰۱۴۰۵۰۰ ۲۳۵۰۰۰ ۱۷۵۱۰۰ ۱۴۸۴۰۰ ۳۲۵۳۰۰ ۷۳۸۳۰۰ صنعت و معدن ۱۵۱۱۴ توسعه
صادرات ۶۰۳۹۱۰۰ ۴۶۱۶۳۰۰ ۳۴۹۴۷۰۰ ۲۶۸۳۱۰۰ ۲۴۴۱۰۰۰ ۱۸۶۸۶۰۰ ۱۳۹۲۲۹۲ ۱۱۹۳۹۵۴۱۲۸۰۵۳۴ جمع ۳۰۰۹۰۰
۸۶۹۳۲۰۰

ص: ۱۲۴

جدول ۱ _ مانده سپرده قرض الحسنه در نظام بانکی کشور

در طول سال های ۱۳۶۷ _ ۱۳۷۶.

حال با توجه به روند جذب سپرده های در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران که سیر صعودی داشته است، انتظار می رود در بخش تسهیلات اعطایی، قرض الحسنه نیز روند صعودی داشته باشد، با این حال، بررسی جدول ترکیب تسهیلات اعطایی بانک ها به بخش خصوصی که در گزارش اقتصادی و ترازنامه سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، منتشر شده است، این گونه نیست. (۱)

سال درصد تسهیلات بانک ها

۱۳۶۵ ۱۱/۵

۱۳۶۶ ۱۰/۵

۱۳۶۷/ ۹/۶

۱۳۶۸ ۷/۴

۱۳۶۹ ۵/۷

۱۳۷۰ ۴/۱

۱۳۷۱ ۳/۶

ص: ۱۲۵

۱- «گزارش اقتصادی و ترازنامه سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۸»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی های اقتصادی.

۱۳۷۲ ۴/۶

۱۳۷۳ ۴/۴

۱۳۷۴ ۴/۷

۱۳۷۵ ۴/۵

۱۳۷۶ ۴/۶

۱۳۷۷ ۵/۹

۱۳۷۸ ۴/۶

جدول ۲ _ ترکیب تسهیلات اعطایی بانک ها به بخش خصوصی

در طول سال های ۱۳۶۵ _ ۱۳۷۸.

همان گونه که روند نزولی درصد تسهیلات نظام بانکی در مقایسه با کل تسهیلات بانک ها به بخش غیردولتی (برابر جدول ۲) نشان می دهد، می توان نتیجه گرفت که نقش قرض الحسنه های اعطایی در مقایسه با دیگر ابزارها در نظام بانکی با گذشت زمان، کاهش یافته است.

درباره نوع تبلیغات برای جذب سپرده های مردمی نیز جای بحث هست. آیا نوع تبلیغات و اختصاص دادن میلیاردها ریال از محل درآمد سپرده های مردمی به مسئله جایزه های گوناگون، با روح قرض الحسنه سازگار است؟

جایزه و تسهیلات ویژه، ابزارهای برانگیختن انگیزه های مادی مردم برای سپرده گذاری است، در حالی که در قرض الحسنه، ابزارهایی کارآیی لازم را دارند که بتوانند انگیزه های معنوی و اخروی صاحبان سرمایه را جهت رفع

ص: ۱۲۶

افزون بر این، درباره تسهیلات اندکی هم که به نیازمندان ارائه می شود، باید گفت از میان نیازمندان واقعی به قرض الحسنه و مراجعه کنندگان به بانک ها، امروزه کمتر افرادی موفق می شوند با شیوه های قانونی و درست، از نظام بانکی کشور قرض بگیرند. کسانی در این زمینه بیشتر موفق هستند که روابط اجتماعی بالایی داشته باشند.

همچنین به دلیل نوع نظام اعطایی قرض الحسنه و نیز آشنا نبودن بیشتر مردم با مسئله قرض الحسنه، امروزه بیشتر تسهیلات، در دست نیازمندان واقعی قرار نمی گیرد. به بیان بهتر، تشخیص فرد نیازمند و بی نیاز برای بانک ها و حتی بسیاری از صندوق های قرض الحسنه که نظام بسته تری دارند، امری ناممکن شده است. از این رو، وام هایی که باید برای رفع نیازمندان کم درآمد یا برای رفع نیازهای اضطراری صرف بشود، بیشتر به وام های مصرفی از نوع غیرضروری اختصاصی یافته است. (۲)

ص: ۱۲۷

-
- ۱- نک: علی اصغر هادوی نیا، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۲۰۴؛ نیز نک: «تبلیغات مخرب شبکه های بانکی در ترویج قرض الحسنه»، پایگاه حوزه ۱۵، تیر ۱۳۸۰، صص ۲۸ و ۲۹.
 - ۲- برای تفصیل بیشتر نک: خورشید احمد، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ج ۱، ترجمه: محمد جواد مهدوی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۸۲.

۱. تقسیم بندی صندوق های قرض الحسنه

به طور کلی می توان صندوق های قرض الحسنه فعال کشور را به سه دسته تقسیم کرد:

الف) صندوق های قرض الحسنه ای که در سطح گسترده و با ساختاری پیچیده و تقریباً اداری، به فعالیت مشغولند. بخش زیادی از این صندوق ها، به نهادها یا سازمان های دولتی وابسته اند. از این رو، بیشترین خدمت آنها نیز برای نیروهای انسانی همان سازمان یا اداره است، مانند: صندوق قرض الحسنه بسیجیان، صندوق قرض الحسنه قوامین، صندوق قرض الحسنه انصار المجاهدین و

هر چند این صندوق ها بیشتر یک نوع مؤسسه اعتباری هستند و کارشان نیز بسان مؤسسه های اعتباری، مالی است، به دلیل نامی که دارند و مردم نیز آنها را جزو صندوق های قرض الحسنه می شناسند، آنها را در ردیف صندوق های «قرض الحسنه» می آوریم.

ب) صندوق های قرض الحسنه با تشکیلات ساده تر که با توجه به توان مالی افراد نیکوکاری که گردانندگان آنها هستند، از نظر دریافت کارمزد به دو دسته تقسیم می شوند:

یک _ یک دسته بدون دریافت حتی کمترین مقدار کارمزد به فعالیت مشغولند. معمولاً چنین صندوق هایی به پشتیبانی های مالی افراد نیکوکار یا درآمد موقوفه ها مشغول به خدمت هستند. (۱)

دو _ دسته دیگر، آنهایی هستند که بیشترین سرمایه لازم برای ارائه خدمات را از خود متقاضیان وام، تأمین می کنند. از این رو، کارمزد کمتری

ص: ۱۲۸

برای خدمات رسانی و تأمین هزینه های صندوق از اعضای صندوق دریافت می کنند. گفتنی است بخشی از این صندوق ها زیر نظر سازمان اقتصاد اسلامی فعالیت می کنند. بنا بر آمارهای موجود، نزدیک به هزار صندوق از این نوع صندوق ها به سازمان اقتصاد اسلامی وابسته اند.^(۱)

ج) دسته آخر، صندوق هایی هستند که در قالب صندوق های قرض الحسنه خانوادگی یا دوستانه به فعالیت مشغولند. آمار از این صندوق ها در کل کشور در دست نیست. با توجه به محدود بودن فعالیت آنها، به نظر می رسد در بسیاری از مجموعه های فAMILI و جمع های دوستانه، مدرسه ها، مسجدها، دانشگاه ها، اداره های کوچک و مانند آنها وجود داشته باشند. در بعضی از این نوع صندوق ها، کارمزد کمی برای هزینه های صندوق دریافت می شود. در برخی صندوق های دیگر نیز به دلیل فعالیت داوطلبانه افراد و ناچیز بودن هزینه، چیزی به عنوان کارمزد دریافت نمی شود.

۲. عوامل اثرگذار در جذب سپرده در صندوق های قرض الحسنه

الف) عوامل معنوی

بی تردید، ایجاد انگیزه های معنوی از اساسی ترین راه های اثرگذار در جذب سپرده هاست. بنا بر تأکید قرآن کریم و احادیث پیشوایان معصوم (ع) در احسان و نیکی به برادران و خواهران مسلمان، همواره در جامعه اسلامی هستند کسانی که به این گونه کارها علاقه دارند. از آنجا که پاداش معنوی

ص: ۱۲۹

۱- مقاله «بهره برداری غیراصولی از صندوق های قرض الحسنه متوقف می شود»، اطلاعات، ۱۳۸۱/۱/۲۲، ص ۴.

فراوانی برای نیکوکاران به ویژه قرض دهندگان در نظر گرفته شده است، نیکوکاران دوست دارند بخشی از دارایی خود را به صورت قرض الحسنه در اختیار محرومان جامعه قرار دهند تا از پاداش معنوی آن بهره مند شوند.

قرض دادن در گذشته های دور، بیشتر بدون واسطه و به طور فردی صورت می گرفت، ولی امروزه با گسترده شدن جوامع، وجود واسطه هایی برای اجرای این عمل ضرورت یافته است. در تأکید بر عامل معنوی در ایجاد صندوق های قرض الحسنه، می توان به فعالیت اقتصادی در مسجدها اشاره کرد که اعتماد نیکوکاران را جلب می کند. این انگیزه در آغاز تأسیس صندوق های قرض الحسنه، به ویژه در آغاز انقلاب، به خوبی توانست بخش زیادی از سپرده های مردم را به صندوق های قرض الحسنه جذب کند.

ب) اعتماد مردم به مؤسسان و اعضای هیئت مدیره و کارمندان صندوق ها

هر چه فضای صندوق ها محدودتر باشد، مردم شناخت بیشتری از هیئت مدیره و نیز مؤسسان صندوق به دست خواهند آورد. هر اندازه نیروهای مورد اعتمادتری در صندوق ها مشغول به کار باشند، اطمینان مردم نیز بیشتر جلب می شود. از این رو، یکی از عوامل جذب مردم و سپرده های آنها نوع عملکرد و رفتار مؤسسان و کارمندان صندوق هاست.

ج) مکان صندوق قرض الحسنه

یکی از مهم ترین روش هایی که صندوق های قرض الحسنه برای جذب سپرده های بیشتر، به کار گرفته اند، انتخاب مکان صندوق در مناطق پرجمعیت شهرها و بخش ها بوده است. تجربه نشان داده است که گشایش

صندوق ها در مکان های تجاری و مذهبی مانند بازارها و مسجدها در جذب سپرده های بیشتر، اثرگذار است.

(د) امکان دریافت وام

بیشتر صندوق های قرض الحسنه به کسانی وام می دهند که در صندوق دارای حساب باشند. بیشتر مردم به امید آنکه خود نیز بتوانند هنگام نیاز، وام قرض الحسنه دریافت دارند، سپرده هایشان را به این صندوق ها واریز می کنند.

(هـ) وام در مقابل سپرده (وام جدولی)

یکی از روش هایی که برخی از صندوق های قرض الحسنه در سال های اخیر برای جذب هر چه بیشتر سپرده به کار گرفته اند، پرداخت وام معادل سپرده یا بیشتر از آن در آینده به شرط سپرده گذاری در زمان حال است. در چنین شیوه ای، سپرده افراد باید دست کم چهار ماه در حساب صندوق بماند تا سپرده گذار بتواند پس از گذشت این زمان، از صندوق وام بگیرد. گفتنی است با چنین شیوه ای، زمینه سوءاستفاده بیشتر برای برخی افراد غیرمتعهد فراهم می شود، به گونه ای که جمع شدن یک باره سپرده های مردم و فاصله افتادن چند ماهه تا اعطای وام به آنها، در مراحل آغازین فعالیت صندوق، این امکان را برای سودجویان فراهم می کند تا از محل سپرده های مردم و اعضای صندوق بتوانند به سوءاستفاده های مالی دست بزنند.

(و) تبلیغات

افزون بر مسائل پیش گفته، تبلیغات نیز در این زمینه نقش مهمی دارد. به دلیل مذهبی بودن موضوع قرض الحسنه، تبلیغات نیز بیشتر با توسل به روش های مذهبی صورت می گیرد. البته در سال های اخیر شیوه های تبلیغات

برای برخی از صندوق های قرض الحسنه بزرگ، تغییرهای چشم گیری یافته و با استفاده از رسانه های فراگیر، صورت گرفته است.

(ز) اهدای جایزه به سپرده گذاران

در سال های اخیر، برخی از صندوق های قرض الحسنه از نوع اول، مانند صندوق قرض الحسنه بسیجیان و انصارالمجاهدین با اختصاص دادن بخشی از درآمد صندوق برای تهیه جایزه، توانسته اند با تبلیغات در این زمینه، توجه بسیاری از مردم به ویژه نوجوانان و بانوان را برای باز کردن حساب در این صندوق ها جلب کنند.

۳. شرایط و چگونگی پرداخت وام در صندوق های قرض الحسنه

بخشی از صندوق های قرض الحسنه در محیط های کوچک فعالیت می کنند. از این رو، در شناخت افراد نیازمند کمتر دچار مشکل می شوند و به ایجاد شرایط سختی مانند آوردن ضامن و چک امضا شده یا معرف و کمتر دست می زنند، ولی بسیاری از صندوق های فعال کشور به دلیل نداشتن شناخت کافی از تمامی اعضا و جلوگیری از برخی مشکلات، تقریباً مقررات زیر را به کار می گیرند:

۱. متقاضی وام باید به وام درخواست شده کاملاً نیازمند باشد؛
۲. متقاضی وام باید برای نیاز مشروع و ذکر شده خود، وام را دریافت کند؛
۳. متقاضی وام باید در صندوق قرض الحسنه حساب داشته باشد یا

حساب باز کند؛

۴. متقاضی وام را باید یکی از اعضای هیئت امنا یا مؤسس یا هیئت مدیره معرفی کرده باشد؛

۵. متقاضی وام برای بازپرداخت وام باید برابر شرایط صندوق، ضمانت کافی ارائه دهد؛

۶. متقاضی وام بایستی ضامنی معتبر و مورد قبول صندوق معرفی کند؛

۷. متقاضی وام باید در محل فعالیت صندوق، ساکن یا شاغل باشد؛

۸. برای دریافت وام هنگامت، متقاضی وام باید به میزان دست کم چهار ماه، پس از باز کردن حساب و قرار دادن مبلغ دلخواه (برابر وام درخواستی) منتظر بماند؛

۹. برای دریافت وام بالاتر از ده میلیون ریال، متقاضی باید دو ضامن معتبر معرفی کند.

۱۰. متقاضی وام باید به ازای دریافت وام، به نسبت میزان وام، از ۳ تا ۶ درصد کارمزد پرداخت کند.

این مبلغ، از شرایط برخی صندوق هاست و برخی صندوق ها نیز بیش از این میزان، دریافت می دارند. برخی صندوق ها نیز اساساً کارمزدی در برابر خدمات خود دریافت نمی کنند. (۱) گفتنی است همه صندوق ها این شرایط را اجرا نمی کنند و برخی صندوق ها نیز شرایط دیگری دارند.

ص: ۱۳۳

۱- مراجعه حضوری به برخی صندوق های قرض الحسنه و تهیه گزارش؛ نک: «بررسی نقش و اثرات صندوق های قرض الحسنه...»، ص ۱۱۵.

۴. انواع وام های پرداختی صندوق های قرض الحسنه

بیشتر وام هایی که صندوق های قرض الحسنه به متقاضیان می دهند، از نوع وام های مصرفی است؛ به این معنا که نیازمندان برای حل مشکل فردی خود در زمینه های مختلف، از این وام ها استفاده می کنند. البته در چند سال اخیر، میزان وام های اعطایی تولیدی برخی صندوق های قرض الحسنه که پشتوانه های مالی قوی تری دارند، نسبت به گذشته بیشتر شده است. همچنین نوع وام های صندوق ها به دلیل نوع نیازهای افراد، متفاوت است. این تفاوت با توجه به نوع صندوق ها و شهرها بیشتر می شود، ولی به طور کلی بیشتر تسهیلاتی را که صندوق ها در اختیار متقاضیان قرار می دهند، می توان در انواع زیر خلاصه کرد: (۱)

۱. وام درمان؛

۲. وام ازدواج؛

۳. وام ساخت و تعمیر خانه و مغازه؛

۴. وام تعمیر وسیله گذران زندگی؛

۵. وام رهن و اجاره؛

۶. وام تحصیلات آموزشی؛

۷. وام خرید وسایل ضروری؛

۸. وام کشاورزی و دام داری؛

ص: ۱۳۴

۱- همان، ص ۱۱۲.

۹. وام توسعه صنایع کوچک و کسب و کار؛

۱۰. وام بدهی و قرض؛

۱۱. وام سرمایه برای کسب؛

۱۲. وام تهیه مسکن؛

۱۳. وام زیارت اماکن مقدس؛

۱۴. وام به دیگر صندوق های قرض الحسنه؛

۱۵. وام به مؤسسه ها و اداره های دولتی؛

۱۶. دیگر وام ها.

۵. حساب مسدودی

در برخی از صندوق های قرض الحسنه، حسابی به نام «مسدودی» برای اشخاص حقیقی باز می شود. بیشتر این حساب ها از آن کسانی است که توانایی مالی بالایی دارند و آنان به تشخیص خود، افراد نیازمند را به صندوق معرفی می کنند تا از اعتبار موجودی خود در آن صندوق، قرض بگیرند. البته اجرای امور مربوط به اعطای وام و تعیین ضامن و مانند آن را همان صندوق ها انجام می دهند. نکته مهم در چنین حساب هایی آن است که افراد توانگر چون از یک سو به امور خیریه و قرض الحسنه علاقه دارند و از سوی دیگر، نمی خواهند خود به طور مستقیم عهده دار همه امور اعطای قرض به افراد نیازمند باشند، چنین حساب هایی را باز می کنند. صاحبان چنین حساب هایی به دلیل اطمینان از بازگشت دارایی خودشان، به این روش اعطای وام به متقاضیان گرایش دارند.

ص: ۱۳۵

۶. ویژگی های صندوق قرض الحسنه کارآمد

برخی از کارگزاران صندوق های قرض الحسنه، به طور کلی ویژگی های زیر را برای داشتن یک صندوق کارآمد یادآوری کرده اند: (۱)

۱. داشتن خلوص نیت و حفظ شعایر اسلامی از سوی همه هیئت امنا و هیئت مدیره و کارکنان صندوق؛

۲. اعطای قرض بدون منت به نیازمندان؛

۳. داشتن حسن خلق و توجه به ترویج سجایای اخلاقی؛

۴. سرعت عمل در تمامی مراحل اعطای قرض و پرهیز از کاغذ بازی و گذران وقت و رفت و آمدهای بی مورد؛

۵. توجه مجریان امر به اختصاص نیافتن سپرده ها در امور تجاری و امور اقتصادی؛

۶. دریافت نکردن کارمزد از متقاضیان وام؛

۷. تعیین نشدن هیچ پیش شرطی برای پرداخت قرض؛

۸. داشتن هیئت امنا و هیئت مدیره و مدیر عاملی که شرایط زیر را داشته باشند:

الف) داشتن فرصت کافی؛

ص: ۱۳۶

۱- «مباحث پیرامون قرض الحسنه در رسانه ملی»، گفت و گوی رادیویی، وام؛ ذخیره ماندگار، تابستان ۱۳۸۰، ش ۲۰، صص ۵۴ _ ۵۶؛ نک: «انگیزه های تشکیل صندوق قرض الحسنه و آسیب شناسی آن»، وام، بهار ۱۳۸۱، ش ۲۳، صص ۶۰ _ ۶۲.

ب) برخورداری از حُسن شهرت؛

ج) داشتن توان فکری و مالی.

۹. برخورداری از کارکنان خوش برخورد، خوش سیما، متعهد و کارشناس؛

۱۰. داشتن ساختمان مناسب و باز؛

۱۱. داشتن ساعت کاری مناسب؛

۱۲. داشتن ارتباط با عاملان نیکوکار و وام گیرندگان.

بعضی از مدیران یا هیئت امنای صندوق های قرض الحسنه، داشتن تمامی این شرط ها را لازمه کارآمد بودن صندوق نمی دانند. اتفاقاً عمل به برخی از موارد نهی شده در برخی صندوق ها را مشکلی برای موفقیت صندوق نمی دانند. آزادی صندوق ها برای دادن وام به امور تجاری و کسب و منفعت و گرفتن کارمزد از متقاضیان و... جزو این موارد است.

۷. مشکلات صندوق های قرض الحسنه

در کنار تمامی نقاط قوت صندوق های قرض الحسنه و عوامل اجرایی آنها، می توان به برخی آسیب ها نیز پی برد؛ آسیب هایی که اگر شناسایی نشوند، در درازمدت می توانند حیات صندوق ها را به خطر اندازند. امروزه، کم نیستند صندوق هایی که به دلیل کم توجهی به نوع عملکرد و آسیب های موجود در آنها، در آستانه تعطیلی یا ورشکستگی قرار دارند.

در این پژوهش، قصد آسیب شناسی صندوق های قرض الحسنه را نداریم. تنها با توجه به سخنان برخی عوامل مرتبط با صندوق های قرض الحسنه و نیز برخی مراجعه کنندگان و اعضای صندوق ها، به بخشی از آسیب های این

صندوق ها اشاره خواهیم کرد.

مهم ترین آسیب های موجود در زمینه رفتار عوامل نیکوکار صندوق ها را می توان چنین برشمرد:

۱. آشنا نبودن کامل بسیاری از آنها با فرهنگ قرض الحسنه؛

۲. اختصاص ندادن زمان لازم برای این گونه فعالیت ها؛

۳. ترکیب سنی بالا؛

۴. نبود تنوع صنفی؛

۵. نبود نظارت کافی بر فعالیت های صندوق به دلیل گرفتاری زیاد هیئت امنا؛

۶. رواج رابطه به جای ضابطه و قانون؛

۷. حاکمیت اندیشه سنتی در عصر تکنولوژی. (۱)

مهم ترین آسیب هایی که هیئت امنا و هیئت مدیره این صندوق ها را تهدید می کند، بدین قرار است:

۱. ناآگاهی از جایگاه فرهنگ قرض الحسنه؛

۲. بی توجهی به اساس نامه مصوب، به گونه ای که پس از گذشت اندک زمانی، مفاد اساس نامه به فراموشی سپرده می شود.

۳. نبود تجربه مدیریتی کارآمد و طولانی: با وجود جنبه های اخلاقی،

ص: ۱۳۸

۱- محمدقاسم حلاجیان، مقاله «آسیب شناسی صندوق های قرض الحسنه ۱»، وام، تابستان ۱۳۸۰، ش ۲۰، ص ۱۲؛ نک: محمد

قاسم حلاجیان، مقاله «آسیب شناسی صندوق های قرض الحسنه ۲»، وام، پاییز ۱۳۸۰، ش ۲۱، صص ۲۰ _ ۲۸.

مذهبی و حسن شهرت، متأسفانه بیشتر هیئت امنای هیئت مدیره از نظر تجربه مدیریتی و خلاقیت و نظارت مفید، ویژگی‌ها و شرایط کافی را ندارند.

۴. بی توجهی به برنامه ریزی های کلان؛

۵. الگوبرداری نادرست از صندوق های مشابه؛

۶. مقایسه نادرست کارکرد با صندوق های بزرگ؛

۷. نداشتن رایزنی های علمی با مسئولان دیگر صندوق ها؛

۸. پای بندی اندک افراد برای شرکت در نشست های هیئت امنای و هیئت مدیره؛

۹. بی توجهی به تنوع صنفی در انتخاب هیئت مدیره؛

۱۰. کاهش انگیزه خدمت در درازمدت؛

۱۱. اعتقاد نداشتن به اطلاع رسانی فعالیت ها؛

۱۲. قطع ارتباط با اعضا و نیکوکاران در درازمدت؛

۱۳. بی توجهی به مسئله شورا و مشورت. (۱)

برخی مشکلاتی نیز که از سخنان برخی مراجعان یا کارگزاران صندوق های قرض الحسنه می توان برداشت کرد، به قرار زیر است:

۱. در گزارش رادیویی، مصاحبه شونده ای، در پاسخ به گزارشگر رادیو درباره مشکلاتش چنین گفت: «در طول هفته گذشته، شاید این دهمین بار

ص: ۱۳۹

باشد که به این صندوق مراجعه کردم و هر بار، موانعی سر راه من گذاشتند. حقیقتش این بار که مراجعه کردم، پشیمان شدم که چرا تقاضای وام کردم. می خواهم بگویم وام نمی خواهم و از خیر این وام گذشتم. باید فکر دیگری بکنم...» (۱).

۲. شخص دیگری در تماسی تلفنی، خطاب به میهمانان برنامه گفت و گوی رادیویی درباره فرهنگ قرض الحسنه می گوید: «وقتی کسی نیاز مبرمی به وام دارد، صندوق دارها او را خیلی سرگردان می کنند؛ مثلاً اسامی اشخاص خاصی را اعلام می کنند که باید یکی از آن اشخاص، معرف باشد. وقتی به آنان مراجعه می کنیم، می گویند ما اصلاً شما را نمی شناسیم. پس چه باید کرد؟» (۲).

۳. مصاحبه شونده دیگری در پاسخ پرسش گزارشگر رادیو می گوید: «البته این صندوق ها حتماً برای خود قوانین و ضوابطی دارند. معمولاً برای گرفتن یک وام از این صندوق ها با مشکلات جدی مواجه می شویم؛ مثلاً در معرفی ضامنی که صندوق می خواهد، هر ضامنی را که می آوریم، قبول نمی کنند و آن ضامنی را می پذیرند که مورد قبول خودشان باشد. به هر حال، معرفی کردن ضامن یکی از مشکلات وام گرفتن است.» (۳).

۴. مدیر عامل یکی از صندوق های قرض الحسنه تهران در مورد مهم ترین

ص: ۱۴۰

۱- «گفت و گوی رادیویی پیرامون فرهنگ قرض الحسنه»، وام، پاییز ۱۳۷۸، ش ۱۳، ص ۵۰.

۲- همان، ص ۴۹.

۳- همان، ص ۵۰.

مشکلات صندوق های قرض الحسنه چنین گفته است: «مراجعه مستقیم افراد به صندوق ها یکی از معضلات اصلی صندوق هاست؛ چون افراد باید با معرفی یکی از افراد شناخته شده صندوق، به تشکیل پرونده و دریافت وام اقدام کنند. در این میان، کسانی هستند که معرفی ندارند و صندوق هم ایشان را نمی شناسد. در این صورت، با برگزاری جلسه های توجیهی، مقدار نیاز شخص بررسی می شود. گاهی نیز فرد نیازمند به دلیل نداشتن ضامن، به دریافت تسهیلات موفق نمی شود و این مشکل، تا حدود زیادی به افراد نیازمند بازمی گردد [نه به صندوق]. افزون بر اینکه ما نیز احساس شرمندگی می کنیم».^(۱)

۵. مدیرعامل یکی دیگر از صندوق های قرض الحسنه تهران درباره مهم ترین مشکل این گونه صندوق ها گفته است: «مشکل اصلی، بینش است. بیشتر صندوق های ما در تبیین بینش خود مشکل دارند. آنان انگیزه های الهی دارند، ولی فاقد بینش لازم هستند. ما بین صندوق های قرض الحسنه در میزان دانش اجرا، اختلاف های زیادی نمی بینیم، بلکه نکته مشکل آفرین، بینش است؛ یعنی هنوز جایگاه قرض حسن برای صندوق ها مشخص نیست».^(۲)

۸. ضرورت تشکیل صندوق های قرض الحسنه خانوادگی و دوستانه (خصوصی)

اشاره

بخش مهمی از صندوق های قرض الحسنه موجود در کشور، صندوق های

ص: ۱۴۱

۱- «مباحثی پیرامون قرض الحسنه در رسانه ملی» وام، تابستان ۱۳۸۰، ش ۲۰، ص ۵۸.

۲- همان، ص ۵۹.

فامیلی هستند. آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد، ولی بی گمان با توجه به نوع کارآیی و مشکلات کمتر آنها در مقایسه با صندوق های قرض الحسنه بزرگ، می توان حدس زد شمار فراوانی از این نوع صندوق ها در کشور وجود داشته باشد.

مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما با همکاری صندوق قرض الحسنه الزهرا (س)، در یک پژوهش مشترک، دیدگاه های مردم تهران را در مورد صندوق های قرض الحسنه خصوصی جویا شده اند که به قدر ضرورت، به بخش هایی از آن اشاره می کنیم.

الف) پیآمدهای مثبت تشکیل صندوق های قرض الحسنه خانوادگی و دوستانه

الف) پیآمدهای مثبت تشکیل صندوق های قرض الحسنه خانوادگی و دوستانه

۱. جلوگیری از رباخواری؛

۲. ایجاد روحیه همکاری در میان خانواده ها؛

۳. غنی سازی معنویت و صفای روحی در فامیل؛

۴. جلوگیری از افسردگی و ایجاد روحیه امید و نشاط روانی؛

۵. تقویت مبانی وحدت آفرین اعضای فامیل؛

۶. حفظ شأن و آبروی افراد فامیل؛

۷. مسئله بُعد فرهنگی و تربیتی و حاکم بودن آن در تشکیلات؛

۸. توان بخشی به اعضای فامیل برای رویارویی با مشکلات و بحران ها؛

۹. احیای سنت شورا و مشورت؛

۱۰. ایجاد زمینه مناسب برای شناخت هر چه بیشتر خانواده ها از یکدیگر؛

۱۱. ایجاد فرصت های شغلی یا بسترسازی برای فعالیت های مختلف صنفی و شغلی؛

۱۲. حل بسیاری از مشکلات اقتصادی و روحی، روانی و اجتماعی افراد؛

۱۳. شناخت افراد نیکوکار و همکاری های بیشتر با توجه به تجربه های مشترک. (۱)

(ب) عوامل موفقیت صندوق های قرض الحسنه خانوادگی و دوستانه

برخی مسئولان و اعضای صندوق های قرض الحسنه فامیلی، از میان عواملی که به بازدهی بالای این صندوق ها می انجامد، به موارد زیر اشاره کرده اند:

۱. موضوع فعالیت صندوق، تنها قرض الحسنه باشد و موضوع های کاری دیگر مانند سود، تعاونی، معامله و مانند آن در کار نباشد.

۲. مشارکت در کار، تنها برای رضای خدا و به منظور پاداش معنوی باشد؛ (۲)

۳. خودجوش بودن صندوق های خانوادگی؛

۴. سادگی سازوکار و دوری از کاغذبازی های اداری؛

ص: ۱۴۳

۱- محمدجمال راهنمایی، مقاله «صندوق های قرض الحسنه فامیلی، پاسخ به یک ضرورت اجتماعی»، وام، زمستان ۱۳۷۸، ش

۱۴، صص ۴۰ _ ۴۷؛ محمدجمال راهنمایی، مقاله «صندوق های قرض الحسنه خصوصی گامی به سوی مشارکت و هم دلی»،

وام، بهار ۱۳۷۹، ش ۱۵، صص ۴۶ _ ۵۰.

۲- وام؛ ذخیره ماندگار، ش ۱۴، ص ۴۵.

۵. قائم به شخص نبودن صندوق ها؛

۶. بهره گیری از تجربه کاری صندوق های موفق؛

۷. مدیران و گردانندگان صندوق ها، تعهد کاری مناسب و قدرت اجرایی بالایی داشته باشند؛

۸. داشتن وقت کافی، حُسن شهرت و توان فکری و مالی دست اندرکاران صندوق ها.

ج) آسیب های فراروی صندوق های قرض الحسنه خانوادگی

ج) آسیب های فراروی صندوق های قرض الحسنه خانوادگی (۱)

اصل وجود صندوق های قرض الحسنه و برکت آثار آنها می تواند در حل مشکلات اعضای فامیل بسیار مؤثر باشد، ولی بی توجهی به مشکلات و برخی آسیب ها، در درازمدت، آثار زیان بخشی برای اعضای صندوق به بار می آورد. از این رو، توجه به این آسیب ها و نقاط حساس می تواند در مدیریت بهینه صندوق ها و اطلاع رسانی مناسب به اعضای صندوق اثرگذار باشد.

در طرح پژوهشی یاد شده، پاسخ گویان در پاسخ به پرسشی درباره آسیب ها و کاستی های صندوق های قرض الحسنه خصوصی (فامیلی) چنین گفته اند: (۲)

۱. چندان مورد اطمینان نیستند و چه بسا مورد سوءاستفاده و فساد مالی قرار می گیرند. (۱۷ درصد)

ص: ۱۴۴

۱- مقاله «صندوق های قرض الحسنه خانوادگی، مزایا و مشکلات»، وام، ش ۱۸، صص ۲۱ - ۳۳.

۲- ناصر حیاتی، «نظرخواهی از مردم تهران درباره صندوق های قرض الحسنه خصوصی فامیلی و دوستانه»، طرح تحقیقاتی مرکز تحقیقات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

۲. تداوم ندارند و خیلی زود از هم می پاشند. (۸ درصد)

۳. مبلغ وام بسیار کم است. (۴ درصد)

۴. خوب اداره نمی شوند. (۳ درصد)

۵. موجب درگیری و برخورد میان اعضای فامیل می شود. (۲ درصد)

۶. اعضا بی تجربه اند و میان آنان همکاری وجود ندارد. (۱ درصد)

۷. اساس نامه دقیق ندارند. (۱ درصد)

۸. بعضی از اعضا اقساط خود را به موقع پرداخت نمی کنند. (۱ درصد)

۹. بعضی از اعضا توان بازپرداخت وام را ندارند. (۱ درصد)

۱۰. مدیر صندوق را درست نمی شناسند. (۱ درصد)

۱۱. قانون چندان رعایت نمی شود. (۱ درصد)

۱۲. این گونه وام ها مشکلات اقتصادی را برطرف نمی کند. (۱ درصد)

۱۳. دیگر موارد: امین نبودن مدیر صندوق، ثبت نشدن این صندوق ها، رعایت نشدن احکام شرعی در برخی از این صندوق ها، نداشتن کارآیی، بی نظمی، وجود سلیقه های شخصی، نبود نظارت دولتی، برتری بُعد عاطفی در این صندوق ها، دشوار بودن قرعه کشی، مشکلات پذیرایی در نشست ها، کم بودن توانایی مالی مردم. (۳ درصد)

۱۴. هیچ گونه عیبی ندارند. (۶۲ درصد)

باید یادآوری کرد با توجه به اینکه هر پاسخ گو می توانسته است به بیش از یک مورد اشاره کند، جمع درصدها بیش از صد شده است.

افزون بر مشکلات یاد شده، به آسیب های جدی دیگری می توان اشاره کرد که گریبان گیر این گونه صندوق هاست:

۱. داشتن نگاهی مادی به کار صندوق و فراموشی جنبه های الهی و معنوی؛

۲. گرفتن کارمزد در برخی صندوق ها برای تأمین هزینه ها و افزایش سرمایه؛^(۱)

۳. نبود الگوی کارآمد؛

۴. گرفتاری های فراوان اعضای اصلی و مدیران صندوق ها به ویژه در دوران تثبیت؛

۵. قائم به شخص بودن صندوق ها؛

۶. چنددستگی در میان اعضا؛

۷. شرکت در داد و ستدهای اقتصادی سودآور.^(۲)

د) چگونگی عملکرد صندوق های قرض الحسنه خانوادگی

به طور کلی، روش کار صندوق های قرض الحسنه خانوادگی را به دو شکل زیر می توان تقسیم کرد:

۱. دسته ای از صندوق ها، پس از تشکیل صندوق، ماهانه مبلغی را به عنوان سرمایه صندوق از اعضا می گیرند و هر ماه با قرعه کشی در جمع اعضای هیئت مدیره یا در جمع بیشتر اعضا، قرض الحسنه در اختیار فرد برنده قرار می دهند.

ص: ۱۴۶

۱- «گفت و گو با آقای مردانی از اعضای صندوق قرض الحسنه الزهرا علیهاالسلام»، وام، پاییز ۱۳۷۹، ش ۱۷، ص ۴۷.

۲- مقاله «آسیب شناسی صندوق های قرض الحسنه ۲»، صص ۳۰ _ ۳۳.

۲. در دسته دیگری از صندوق ها، افراد با توجه به توانایی مالی، ماهانه از یک میزان حداقلی تا مبالغ بیشتری، در اختیار صندوق قرار می دهند و هیئت مدیره صندوق بر اساس درخواست اعضای نیازمند صندوق، به آنها وام می پردازند. از آن پس، افراد وام گیرنده بر اساس میزان وامی که گرفته اند، اقساط خود را ماهانه پرداخت می کنند. (۱)

به نظر می رسد فعالیت صندوق های قرض الحسنه از نوع اول، بیشتر به تعاونی های محلی یا خانوادگی شباهت داشته باشد؛ زیرا نوع مشارکت و قرار گرفتن اعضا در فهرست دریافت وام در زمانی که چه بسا نیاز ضروری هم به آن نداشته باشند، نمی تواند مصداقی از قرض الحسنه درست باشد.

۹. مفهوم قرض الحسنه در نگاه مردم

اگر قرض الحسنه به عنوان یک سنت حسنه برخاسته از آموزه های دینی، درست شناخته و درست اجرا شود، آثار و برکت های بی شماری خواهد داشت و بسیاری از گرفتاری های فردی و اجتماعی افراد جامعه را حل می کند. لازمه بهره مندی از فایده های قرض الحسنه، داشتن عملکرد درست در این مورد است و لازمه عملکرد درست نیز شناخت کافی از مفهوم «قرض الحسنه» است. اینکه مردم جامعه اسلامی ما چه میزان از برکت «قرض الحسنه» بهره مند می شوند، به این بستگی دارد که آنان تا چه اندازه شناخت درستی از «قرض الحسنه» دارند و چه قدر آن را به کار می گیرند.

ص: ۱۴۷

۱- مراجعه حضوری و تهیه گزارش از چگونگی عملکرد برخی صندوق های قرض الحسنه فامیلی.

شاید تاکنون علت بسیاری از محرومیت های مردم به این واقعیت مربوط شود که آنان «قرض الحسنه» را خوب نشناخته و کمتر به این سنت حسنه عمل کرده اند.

با چند پرسش از مردم درباره تعریف قرض الحسنه، به این نتیجه می رسیم که آنان شناخت درستی از «قرض الحسنه» ندارند. حتی آشنایان با آن نیز به دلیل نداشتن شناخت کافی از قرض الحسنه، در عمل دچار تزلزل و نوعی تردید هستند.

در پژوهش مشترک مرکز تحقیقات و سنجش برنامه ای سازمان صدا و سیما و صندوق قرض الحسنه الزهرا (س) در سطح تهران، پرسش هایی از مردم شده است که چند مورد را می آوریم:

۱. به نظر شما قرض الحسنه چیست؟

پولی است که بدون بهره به مردم قرض داده می شود. (۴۲ درصد)

کمک به نیازمندان و دیگر هم نوعان. (۲۲ درصد)

وام یا قرض دادن به دیگران (بدون اشاره به مفهوم وام بدون بهره). (۱۲ درصد)

دادن پول در راه خدا به دیگران. (۸ درصد)

پس انداز و گذاشتن پول برای روز نیاز. (۴ درصد)

سپردن پول به بانک بدون دریافت بهره. (۳ درصد)

پس اندازی که دولت با آن کار می کند. (۲ درصد)

پولی که در بانک می گذارند و به آن سود تعلق می گیرد. (۲ درصد)

پولی که به صورت امانت به کسی سپرده می شود. (۱ درصد)

قرض با کارمزد کم؛ پولی که بلاعوض داده می شود؛ نزول خواری شرعی؛ تعاون؛ گذاشتن پول برای گرفتن جایزه و... (۴) درصد(۱)

۲. آیا تا به حال پول قرضی گرفته اید؟

۶۴ درصد به این پرسش پاسخ مثبت و ۳۶ درصد پاسخ منفی داده اند.

از کسانی که پاسخ مثبت داده اند، پرسیده شده از کجا یا از چه کسی قرض گرفته اید؟ پاسخ های آنان چنین بوده است: دوستان و آشنایان (۳۶ درصد)؛ اقوام نزدیک (۲۳ درصد)؛ اعضای خانواده (۱۰ درصد)؛ همسایگان (۲ درصد)؛ اداره و محل کار (۲ درصد)؛ صندوق های قرض الحسنه (۱۴ درصد)؛ بانک ها (۱۰ درصد)؛ دیگر موارد: (مانند نزول خواران، بنیاد شهید، کسانی که توان مالی دارند و...) (۳ درصد)(۲)

بیشتر پاسخ گویان هنگام نیاز مالی، نخست به نزدیکان و بستگانشان مراجعه کرده اند. آسان تر بودن و احتمال دست یابی سریع تر به پول مورد نیاز در این زمینه بی اثر نیست. افزون بر اینکه شرایط بانک ها و صندوق های قرض الحسنه و نیاز به سپردن ضمانت های مختلف از سوی وام گیرنده، موجب طولانی و دشوار ساختن جریان گرفتن وام مورد نیاز می شود.

۳. اگر در حال حاضر پولی داشته باشید، آیا آن را به فرد گرفتاری قرض می دهید؟

ص: ۱۴۹

-
- ۱- حسن دلخوش و معصومه حیدری، «نظر سنجی از مردم تهران درباره فرهنگ قرض الحسنه»، واحد افکار عمومی مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۱۹.
 - ۲- همان، ص ۲۲۶.

۵/۸۶ درصد به این پرسش، پاسخ مثبت و ۱۳/۵ درصد، پاسخ منفی داده اند. از کسانی که به این پرسش، پاسخ مثبت داده بودند، پرسیده شد: چرا به جای قرض دادن، خودتان از پول استفاده نمی کنید؟ پاسخ ها در این زمینه چنین بود:

نداشتن نیاز مالی (۴۲ درصد)؛ کمک کردن به هم نوعان و مشکلات آنان (۳۲ درصد)؛ ثواب داشتن قرض دادن به دیگران (۱۲ درصد)؛ لذت بردن از کمک به دیگران (۵ درصد)؛ امید به قرض گرفتن از آنان هنگام گرفتاری (۲ درصد)؛ برای اینکه پس انداز کنم، بستگی به طرف نیازمند دارد، توانایی کار کردن با پول را ندارم و... (۲ درصد).^(۱)

۴. چرا برخی افراد به قرض دادن گرایشی ندارند؟

اعتماد نداشتن به طرف مقابل در دادن قرض (۵۱ درصد)؛ خسیس بودن و پول دوستی (۱۸ درصد)؛ به گمانشان خودشان بهتر می توانند از پولشان استفاده کنند (۲ درصد)؛ بستگی به افراد دارد (۲ درصد)؛ دوست نداشتن قرض (۲ درصد)؛ دیگر موارد (مانند: حسادت و بخل، نداشتن حس مسئولیت، آشنا نبودن با فرهنگ قرض، سستی عقیده، نداشتن پول و سختی پول درآوردن) (۴ درصد).^(۲)

ص: ۱۵۰

۱- همان، ص ۲۲۶.

۲- همان، ص ۲۲۷.

بی شک، بررسی مقایسه ای مفهوم قرض الحسنه و رفتارهای ارزشی متناسب با آن در قرآن و احادیث و سطح جامعه، می تواند در شناخت بیشتر فرهنگ اسلامی قرض الحسنه مؤثر باشد و نگاهی تازه از این مفهوم به دست دهد. این نگاه تازه، تفاوت های آشکاری از آنچه اکنون در عمل شاهدیم، خواهد داشت.

برای پی بردن به تفاوت های قرآنی و حدیثی قرض الحسنه با مفهوم رایج آن، می توان در موضوع های مختلف مربوط به قرض الحسنه به بحث پرداخت. پاسخ به پرسش هایی مانند: چیستی قرض الحسنه، نوع برداشت مردم از آن، آثار و پیآمدهای قرض الحسنه، قرض گیرندگان، اخلاقی یا اقتصادی بودن قرض گرفتن، ثواب و آثار اخروی آن، چگونگی شیوه های تبلیغ برای آن، جایگاه قرض در جامعه، تفاوت قرض الحسنه با مؤسسه های اعتباری و تعاونی های مردمی، شرایط قرض دادن و گرفتن، تفاوت قرض با صدقه و پرسش هایی از این دست، به خوبی می تواند تفاوت های قرآنی و حدیثی قرض الحسنه را با مفهوم رایج آن نشان دهد.

از سوی دیگر، برای پی بردن به این تفاوت ها می توان به شناخت مردم و نوع رفتارشان در مورد قرض الحسنه اشاره کرد تا میزان تفاوت آن با مفهوم قرآنی و حدیثی اش روشن شود.

۱. مفهوم قرض الحسنه

معمولاً مردم، قرض الحسنه را پولی می دانند که بدون بهره یا سود به

دیگران قرض داده می شود. بسیاری نیز قرض الحسنه را کمک به دیگران معنا می کنند و بخشی نیز قرض دادن به هم نوعان را قرض الحسنه می نامند، ولی بسیاری از مردم از شرایط قرض الحسنه، قرض دهندگان و قرض گیرندگان شناخت کاملی ندارند یا به حرف هایشان عمل نمی کنند.

بسیاری از دانسته های مردم از موضوع قرض الحسنه، به شیوه عملکرد صندوق های قرض الحسنه باز می گردد. امروز صندوق های قرض الحسنه، بانک های کشور و نیز افراد نیکوکاری که خارج از نظام بانکی به نیازمندان قرض می دهند، الگوی بسیاری از مردم در این زمینه هستند. از این رو، پیش از ادامه بحث، مفهوم قرض الحسنه را از نظر قرآن و احادیث بررسی می کنیم.

«قرض حسن» در قرآن کریم، شکل تکامل یافته قرضی است که میان مردم رایج بوده است. بسیاری از مردم در گذشته و پیش از نزول آیات «قرض حسن»، از قرض به عنوان ابزار اقتصادی درآمدزا سود می جستند و در برابر دادن مقداری به عنوان قرض، درصدی را نیز به عنوان «ربا» از گیرنده قرض می گرفتند. خداوند برای حل بسیاری از گرفتاری های مسلمانان، «قرض حسن» را مطرح کرد و برای اینکه همگان، به این عمل تشویق شوند، در آن ویژگی هایی قرار داد تا مردم با دید کاملاً متفاوتی از گذشته بدان پردازند. برای مثال، خداوند قرض از نوع «حسن» را خواستار شد و گیرنده این قرض را نیز خودش معرفی کرد. آن گاه آثار فراوانی را برای قرض دهندگان در نظر گرفت. در این تعریف جدید، خداوند، گرفتن بهره و سود را از گیرندگان قرض حرام کرد؛ ولی خود، سودی چندین برابر ارزش مبلغ قرض داده شده، به قرض دهنده بخشید و افزود که رحمت و اجر

کریم اخروی خود را شامل حال بنده قرض دهنده اش می کند. در این مفهوم جدید، قرض تنها یک عمل ساده و مادی اجتماعی نیست، بلکه یک عمل اخلاقی راه گشا و کارآمد است.

خداوند، خود را گیرنده قرض معرفی می کند؛ زیرا قرار است قرضی که بنده اش به انسان نیازمندی می دهد، تنها برای خشنودی او باشد. به دیگر سخن، این کار را برای نفع شخصی یا از روی ریا انجام نمی دهد و منتی بر نیازمندان نمی گذارد. وقتی قرضی برای خدا شد، دیگر هیچ ادعایی برای سودجویی و حتی بازگشت اصل آن از گیرنده قرض نخواهد بود. به عبارت دیگر، چه بسا شکل ظاهری قرض، چنان باشد که قرض کاملاً شبیه انفاق و صدقه شود. این مسئله، در تفسیرهای مختلف بررسی شده است.

از سوی دیگر، تمامی سفارش های معصومین (ع) به موضوع قرض، قرض دهنده و گیرنده به گونه ای بود که رفتارهای مرتبط با قرض را بسیار دقیق و بر اساس مفهوم قرآنی آن آموزش داده بودند. از نظرگاه قرآن و احادیث، قرض حسن نوعی صدقه به شمار می آید. البته با این تفاوت که فضیلت و ارزش آن بیشتر از صدقه است. از این رو، پیشوایان معصوم (ع) در پی آن بوده اند تا این عمل نیک، در جامعه رواج یابد.

۲. آثار قرض الحسنه

بسیاری از مردم، فایده مهم قرض الحسنه را برای گیرنده آن می دانند، در حالی که نوع بیان قرآن و احادیث پیشوایان معصوم (ع) به گونه ای است که گویا خود فرد قرض دهنده بیشتر از هر کس دیگری در قرض الحسنه سود خواهد برد. در واقع، «قرض» مجالی است تا دهنده آن از برکات خداوندی

بهره مند شود. این برکات تنها به صورت مادی نیست، بلکه سرشار از توفیق های معنوی است. از سوی دیگر، گیرنده قرض، چون با فردی روبه رو است که هرگز به دلیل کمکش، منتهی نگذارده است و آزاری نیز نخواهد داشت، راحت تر به حل گرفتاری اش می پردازد. از این رو، در چنین جامعه ای، میزان روی آوردن افراد به کارهای ناشایست کاهش می یابد. پس قرض حسن در یک کلام، آثار فردی و اجتماعی بسیار ارزشمندی دارد، حال آنکه در جامعه امروز ما، افراد شناخت دقیقی از این آثار ندارند. از این رو، کمتر اهل قرض حسن هستند. البته دلیل این کم مهری به قرض، نداشتن شناخت کافی است. اگر شناخت مردم از قرض حسن واقعی، کامل تر بود، عمل به این سنت حسنه نیز بیشتر می شد.

۳. شرایط قرض دادن

بیشتر صندوق های قرض الحسنه و نیز تمامی بانک های جمهوری اسلامی، برای پرداخت قرض، شرایطی قرار داده اند که در آموزه های دینی کمتر بدان اهمیت داده شده است. امروزه فرد نیازمند باید برای نیاز خود مدرک ارائه دهد و سپس ضامن معتبر به همراه مدارکی مانند چک یا سفته به صندوق یا بانک تحویل دهد. همچنین فرد متعهد می شود در پایان هر ماه اقساط قرض خود را بپردازد و اگر نتواند، از حساب شخص ضامن برداشت می شود یا چک تضمین شده به اجرا درمی آید. حتی اگر این بدحسابی فرد قرض گیرنده، تنها یک بار باشد و او نتواند قرض خود را به موقع پس بدهد، از گرفتن قرض در آینده محروم خواهد شد؛ زیرا او را در بازپرداخت قرض ناتوان می شمارند. در شرایط بسیاری از صندوق ها و بانک ها آمده

است که اگر از آغاز مشخص شود متقاضی قرض، توانایی بازپرداخت آن را ندارد، به او قرض نمی دهند.

دقت در نوع رفتار مردم در قرض دادن، ما را به این نتیجه می رساند که برداشت مردم از موضوع قرض الحسنه نیز بسیار سطحی است. در نگاه قرآنی و حدیثی به قرض الحسنه، قرض دهنده باید خداوند را به خاطر این فرصت پیش آمده، شکر گزارد که دست نیاز مردم به سوی او دراز شده است و از او بخواهد توفیق حل تمام گرفتاری های فرد نیازمند را به او بدهد. در واقع، چنین فردی با چنین فرصتی که برایش پیش آمده است، باید خود را از گیرنده ظاهری قرض نیازمندتر بداند؛ زیرا این عمل او زمینه ساز رحمت و مغفرت خداوندی برای اوست. اگرچه مقداری از دارایی او کم می شود، در عوض، پاداش الهی و بخشش گناهان، سود کار نیک او خواهد بود. در نتیجه، چنین فردی خود را هرگز طلب کار و منتظر وصول طلب، از فرد مقروض درمانده نمی بیند. در مکتب اسلام، چنین فردی بر دست نیازمند بوسه می زند و با اشتیاق، گرفتاری او را رفع می کند؛ چون او را واسطه توفیق و رحمت الهی می داند و هرگز حاضر نمی شود با ایجاد شرایط آزاردهنده، آرامش خاطرش را برهم زند. در فرهنگ قرآنی و حدیثی، قرض گرفتن نه ضامن می خواهد، نه چک و سفته و نه خواهش و دربه دری و در فرهنگ قرآنی و حدیثی، حتی بهتر است اگر توانگران جامعه از نیاز برادر دینی شان آگاه شدند، بدون درخواست او به کمکش بشتابند و از دارایی خود، در اختیار او بگذارند تا گرفتاری اش برطرف شود. پیشوایان معصوم همواره با آموزه های ارزنده خود در زمینه قرض می کوشیدند فضایی آماده

سازند تا در آن فضا، مؤمنان همواره حلال مشکلات یکدیگر باشند و تا زمانی که در جامعه اسلامی، افراد نیازمند وجود دارند، یکی از راه های حل گرفتاری شان، قرض دادن به آنان باشد. با توجه به اینکه گرفتاران، «قرض» را راه سالم تر و آبرومندانه ای برای حل گرفتاری شان می بینند، بدان گرایش می یابند و اگر رفتار درستی در پشت این عمل اسلامی نباشد، آنان هرگز سراغ آن نمی روند. خلاصه اینکه شرایط قرآنی و حدیثی قرض حسن، با آنچه امروزه در جامعه ما به نام قرض الحسنه بدان عمل می شود، بسیار متفاوت است.

امروزه یکی از شرایط بیشتر صندوق های قرض الحسنه برای دریافت وام، مشارکت اولیه و سرمایه گذاری اعضا است؛ به این معنا که اعضای صندوق پیش از دریافت وام باید مقدار مشخصی در صندوق سرمایه گذاری کنند تا پس از گذشت چند ماه بتوانند وام بگیرند. اگر نام این گونه وام ها را جدولی یا قراردادی بگذاریم، باید یادآور شویم که حضرت امام خمینی رحمه الله در استفتایی، شرط کردن چنین امری و گرفتن مبلغی پیش از اعطای وام را حرام دانسته است. البته برخی از صندوق ها با حيله های شرعی از حرمت چنین قراردادهایی فرار کرده اند، ولی حتی با فرض مجاز بودن چنین شرط هایی، آیا به راستی نوع عمل چنین صندوق هایی می تواند زیرمجموعه قرض حسن باشد؟

برابر تعریف قرآن و سیره معصومین (ع)، چنین شیوه هایی هرگز مصداق قرض حسن نیست. شاید فعالیت چنین صندوق هایی که با نام قرض الحسنه، ادعای کار نیک هم دارند، جدا از حرام یا جایز بودن عملشان، بیشتر به یک

نوع تعاون شباهت دارد. بیشتر صندوق های بزرگ قرض الحسنه در کشور نیز در شمار مؤسسه های اعتباری _ مالی هستند تا قرض الحسنه. در مورد صندوق های کوچک خانوادگی نیز شاید بتوان در یک دسته بندی، بیشتر آنها را مصداق تعاونی هایی خانوادگی و دوستانه دانست. تنها برخی از آنها، را که نوع مشارکت و سرمایه گذاری اعضایشان با بقیه متفاوت است و در آنها شرطی برای درخواست وام وجود ندارد و نیازمندان برای دریافت وام، مشکلات کمتری دارند، بتوان به قرض الحسنه واقعی نزدیک دانست. البته شمار چنین صندوق هایی بسیار کم است.

برخی از صندوق ها برای آشنایی بیشتر با فرد نیازمند به قرض، اتاق های ملاقاتی در نظر گرفته اند تا فرد نیازمند با افراد نیکوکار روبه رو شوند و آن گاه در صورت صلاح دید به او وام تعلق بگیرد. در روایتی نقل شده است که مردی به امام حسن بن علی (ع) نامه ای داد. حضرت فرمود: حاجت برآورده است. به او عرض شد: ای پسر رسول خدا! اگر در نامه شخص متقاضی می نگریستی و سپس به مقدار خواهش، پاسخ می دادی، بهتر نبود؟ حضرت فرمود: خداوند از اینکه وی در برابرم بایستد تا نامه اش را بخوانم، مرا بازخواست خواهد کرد. (۱)

حال، به راستی رو در رو نشستن و جويا شدن از گرفتاری نیازمندی که به ناچار مجبور شده است برای دریافت مقداری قرض به یک صندوق مالی

ص: ۱۵۷

۱- ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ترجمه: عبدالعلی صاحبی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، ص ۹۳.

پناه بیاورد، با آموزه های معصومین (ع) منطبق است؟ آیا با چنین شیوه هایی می توان از حقیقت نیاز آنها آگاه شد؟ آیا همه کسانی که به این اتاق های ملاقات می روند، بدون شرمندگی به شرح نیاز خود می پردازند؟ اگر هدف افراد نیکوکار در این گونه نشست ها، شناسایی افراد نیازمند و سپس دادن وام به آنهاست که تقریباً همه آنها می دهند، در این صورت، باید گفت پس دلیل چنین دیدارهایی چیست؟ اگر قرار است بر اساس حق یا ناحق تشخیص دادن نیازها، به افرادی اعتماد نکرد و به آنها وام نداد، در این صورت آیا این نوع رفتارها می تواند اسلامی باشد؟ آیا این گونه رفتارها سبب رنجش و خجالت بیش از حد یک مسلمان نمی شود؟

به نظر می رسد تمامی این رفتارها، اگرچه نتیجه بخش باشد، با قرض حسن منطبق نیست. در نتیجه، آثار و برکت های کمتری نیز برای متولیان قرض و صاحبان سرمایه و مال قرض خواهد داشت.

۴. قرض گیرندگان

با توجه به آموزه های دینی، امروزه بسیاری از درخواست کنندگان وام های قرض الحسنه، جزو قرض گیرندگان واقعی نیستند. در مکتب ائمه اطهار (ع) کسانی باید قرض بگیرند که نیاز ضروری به قرض داشته باشند. وقتی چنین نیازی برای فرد پیش آید و او به دنبال قرض از برادر دینی خود برود، بنا بر احادیث پیامبر و ائمه (ع)، نخستین یاری گر او برای بازپرداخت دینش، خود خداوند خواهد بود. این عنایت خداوند برای ادای قرض، برای کسانی است که با وجود تمامی تلاش هایشان، باز نیازمند مانده و برای رفع نیاز خود به ناچار درخواست قرض کرده اند.

امروزه بسیاری از درخواست های قرض شاید جزو عمل قرض باشند، ولی مصداق قرض حسن نخواهند بود. حل گرفتاری های درجه چندم زندگی با قرض، نمی تواند مصداق قرض حسنی باشد که در احادیث به آنها اشاره شده است. نبود فهم درست از موضوع قرض حسن در جامعه امروزی و افزایش درخواست های افراطی و نامنطبق با آموزه های دینی، سبب شده است که درخواست های حقیقی نیازمندان واقعی در میان آنها گم شود و از برکت این سنت حسنه محروم باشند. اگر حوزه فعالیت کارگزاران امر قرض حسن از بسیاری فعالیت های خارج از این حوزه جدا شود، آن گاه به برکت احیای این سنت، همگان از برکت الهی و پیآمدهای این مشارکت سالم انسانی و اسلامی، سود می برند و از آثار فردی - اجتماعی کارشان بهره مند خواهند شد.

۵. قرض دهندگان

چه کسانی می توانند اهل قرض حسن باشند؟ آیا امروزه تمامی کسانی که توانایی قرض دادن دارند، از این فرصت استفاده می کنند؟ آیا این افراد از اهمیت قرض دادن و نیز آثار قرض دادن آگاهند؟ اگر مردم بدانند اثر قرض الحسنه، پیش از آنکه برای جامعه و فرد گیرنده آن باشد، متوجه خود آنان می شود، آیا باز از این کارها خودداری می کنند؟

گفته شد که خداوند به کسانی که اهل قرض حسن باشند، پاداش بی پایانی می بخشد. همچنین خداوند از گناهان اهل قرض حسن می گذرد. (۱)

ص: ۱۵۹

این کار، آثار روحی و روانی و حتی جسمی بسیاری دارد که اگر مؤمنان از آن باخبر بودند، بیش از پیش به این عمل خداپسندانه می گراییدند.

روان شناسان معتقدند با انجام دادن یک کار نیک، نوعی احساس جدید در انسان ایجاد می شود و این احساس در شخصیت او اثری ماندگار برجای می گذارد. قرآن می فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا؛ اگر نیکی کردید، به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کردید، باز به خود کرده اید.» (بنی اسرائیل: ۷) منطبق قرآن چنین است که انسان با کار خیر در واقع به خود خوبی کرده است و این همان اثر روان شناختی است که در پی کار نیک در انسان ایجاد می شود. (۱)

مقایسه نوع تبلیغات و روش های معمول جذب مردم به قرض الحسنه، ما را از تفاوت های فرهنگ قرض الحسنه قرآنی و حدیثی با مفهوم رایج آن آگاه تر می کند. امروزه بانک های جمهوری اسلامی و برخی صندوق های قرض الحسنه برای جذب مردم به قرض الحسنه، از هر روشی مانند دادن جایزه و تبلیغات مادی دیگر استفاده می کنند، در حالی که برای عمومی کردن فرهنگ قرض الحسنه و جذب مردم به آن، باید با معرفی درست قرض الحسنه و بیان آثار مختلف آن، مردم را به این کار خداپسندانه

ص: ۱۶۰

۱- «گفت و گو با دکتر محمدرضا شرفی، استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران»، وام، بهار ۱۳۸۰، ش ۱۹، ص ۱۳.

۶. کارمزد

امروزه در بسیاری از صندوق های قرض الحسنه، گرفتن کارمزد امری بدیهی به شمار می رود. مسئولان این صندوق ها گرفتن مقداری مزد برای اداره صندوق ها و تأمین هزینه های صندوق را ضروری می دانند. البته در این میان، برخی صندوق ها نیز گرفتن هر نوع و به هر میزان کارمزد را مخالف فرهنگ قرآنی قرض الحسنه می دانند. آنان می گویند کسانی که در این راه مشارکت می کنند، بی گمان، آمادگی پرداخت هزینه های جاری صندوق را هم دارند. (۲)

میزان کارمزدی که در صندوق ها یا نظام بانکی از متقاضیان قرض گرفته می شود، از ۲ درصد تا ۲۲ درصد متغیر است. حال باید توجه کرد که گرفتن کارمزد به هر میزان که باشد، آیا با فرهنگ قرآنی و حدیثی قرض الحسنه سازگار است؟

درباره هزینه های جاری این گونه صندوق های قرض الحسنه باید گفت متأسفانه هرگز به دنبال راه حل جدی برای این مسئله نبوده ایم. معمولاً اصل هدف و فلسفه پرداختن به چنین اموری روشن نیست. آیا جز این است که اصل قرض الحسنه، یک عمل اخلاقی و نوعی «صدقه» است؟ آیا در آنجا که

ص: ۱۶۱

۱- نک: مقاله «تبلیغات مخرب شبکه بانکی در ترویج قرض الحسنه»، پگاه حوزه، تیر ۱۳۸۰، ش ۱۵، صص ۲۸ و ۲۹.

۲- «مباحثی پیرامون قرض الحسنه در رسانه ملی»، ص ۵۷.

اصل سرمایه ما، مدت ها در دست دیگران قرار می گیرد و ما از سود آن چشم می پوشیم، فکر نمی کنیم که باید در قرض الحسنه نیز از دارایی خود و منابع آن چشم پوشیم. از این رو، امروزه درباره مسئله قرض الحسنه، جامعه ما با یک حلقه گم شده روبه رو است و آن، اصل مسئله قرض الحسنه و جنبه های اعتقادی آن است. گویا کسانی که با گرفتن کارمزد می خواهند بخشی از هزینه ها را جبران کنند، با نوع کار و آثار مادی _ معنوی آن آشنا نیستند.

باید دانست روش کار بسیاری از صندوق ها و حتی نظام بانکی کشور هرگز در چارچوب قرض الحسنه بر اساس تعریف قرآنی آن قرار نمی گیرد. نوع فعالیت آنها بیشتر به مؤسسه های اعتباری یا تعاونی ها شبیه است. از این رو، اینکه در آنها کارمزدی از گیرندگان تسهیلات گرفته شود یا نه، به مسئله قرض الحسنه ربطی ندارد. اگر این صندوق ها تغییر نام دهند و از قرض الحسنه به نامی دیگر تبدیل شوند، در آن صورت، چه بسا اشکالی برای برخی دریافت های رایج و جبران هزینه ها به وجود نیاید. وجود دیدگاه های مختلف درباره حرام بودن هرگونه دریافت مبلغ افزوده در قرض و نیز سفارش های معصومین (ع) در مورد نگرفتن مقدار افزوده از قرض گیرنده و جنبه اعتقادی مسئله قرض حسن، میزان پیراستگی قرض حسن را از آسیب های مرتبط با آن مشخص می سازد.

۱. ناآگاهی از آثار مثبت قرض الحسنه

خداوند در قرآن کریم، آثار بسیار ارزشمندی را برای قرض حسن در نظر گرفته است. همچنین بهره مندی از ثواب اخروی قرض حسن که چندین برابر ثواب صدقه و انفاق است، از نکته هایی است که بسیاری از مردم از آنها آگاهی کافی ندارند یا آگاهی آنان به مرحله باور قلبی نرسیده است. این ناآگاهی از مسئله قرض حسن سبب بی توجهی آنان به این موضوع مهم شده است. همچنین در احادیث معصومین (ع)، فضیلت های بسیاری برای کسانی که اهل قرض حسن هستند، مطرح شده است. اگر مردم از این نتایج و آثار ارزشمند آگاهی داشتند، بی گمان، خود را از چنین فرصت گران بهایی، محروم نمی کردند.

۲. ناآگاهی از پیآمدهای منفی ترک قرض الحسنه

اشاره

در برخی احادیث آمده است اگر مؤمنی، توانایی رفع مشکل برادر دینی خود را داشته باشد، ولی به تقاضای او توجه نکند یا برای برطرف کردن مشکل مالی او گام برندارد، در مسلمانان او تردید است. پیامبر در حدیث معروفی فرموده است: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^(۱) یا در حدیث دیگری می فرماید: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ، فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ

ص: ۱۶۳

بِمُسْلِمٍ» (۱) بنا بر این احادیث، اهتمام مسلمانان به امور یکدیگر و حتی غیرمسلمانانی که به آنها پناه آورده اند، شرط مسلمانی آنان خواهد بود.

به نظر می‌رسد بی‌توجهی به این گونه احادیث، موجب غفلت افراد از وظیفه شناسی شان خواهد شد. برای کسانی که به درخواست قرض افراد نیازمند، بی‌توجه باشند، کیفر محروم بودن از بوی بهشت یادآوری شده است. اگر مردم از این مطلب آگاهی یابند، باز هم حاضر می‌شوند بی‌اعتنا بمانند؟

خداوند در آیات قرآن کریم، بارها به کسانی که اهل انفاق نیستند و تنها سرگرم ثروت اندوزی هستند، هشدار داده و آنان را از عذاب الهی، برحذر داشته است. در سوره توبه می‌خوانیم:

وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ. (توبه: ۳۴)

کسانی را که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک مژده ده.

در ادامه همین آیه می‌خوانیم:

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ. (توبه: ۳۵)

روزی که آن [زر و سیم] را در آتش دوزخ بتابند و با آن پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌های آنان را داغ نهند [و گویند]: این است آنچه برای خویشتن می‌اندوختید. [پس

ص: ۱۶۴

۱- همان.

کیفر] آنچه را می اندوختید، بچشید.

آیاتی که به انفاق اشاره دارند، اگرچه به طور مستقیم به قرض مربوط نمی شوند، ولی چون هم در انفاق و هم در قرض، کمک به دیگران مطرح است، می توان مطمئن شد که عذاب الهی و سرزنش های مطرح شده در مورد ترک کنندگان انفاق، در مورد ترک قرض نیز مصداق پیدا خواهد کرد. در مورد ترک امور خیر همچون انفاق، کمک به دیگران و قرض دادن به گرفتاران، به جز مواردی که پیش از این به آنها اشاره کردیم، پی آمدهای دیگری از احادیث و آیات قرآنی برشمرده، مانند:

الف) بی توجهی خدا

کسانی که به گرفتاری ها و مصیبت های دیگران بی توجه باشند، خداوند نیز به آنان بی توجه خواهد بود و از عنایت الهی دور خواهند ماند.

ب) نفرین الهی

خداوند در سوره مائده، در پی پیمان شکنی بنی اسرائیل و بی توجهی آنان به ندای الهی پیامبران در قرض حسن دادن، آنان را لعن و نفرین می کند و دل هایشان را به قساوت مبتلا می گرداند: «فَبِمَا نَقَضَتْهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً؛ پس به سبب شکستن پیمانشان، آنان را لعنت کردیم و دل هایشان را سخت گردانیدیم». (مائده: ۱۳)

ج) بی کاری ستم کاران

امام باقر (ع) می فرماید:

مَنْ بَخِلَ بِمَعُونَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَالْقِيَامِ لَهُ فِي حَاجَتِهِ أُبْتَلِيَ بِمَعُونَةِ مَنْ

ص: ۱۶۵

هر کس در یاری برادر مسلمانش بخل ورزد و برای رفع نیازمندی او به پا نخیزد، مجبور به یاری کسی خواهد شد که به او ستم کند و پاداشی نیز به او ندهد.

د) تباہ شدن اموال

امام صادق (ع) می فرماید: «مَنْ مَنَعَ حَقًّا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْفَقَ فِي بَاطِلٍ مِثْلِيهِ؛ (۲) هر کس از پرداخت حقی از خدا سر پیچد، دو برابر آن را در باطل خرج خواهد کرد».

ه) بی برکتی اموال و دارایی

بسیاری از اهل خیر می دانند که هر گاه توانایی کمک به دیگران را داشته، ولی اقدامی نکرده اند، در عوض، به نوعی با بی برکتی در اموالشان روبه رو گشته اند. همین که آنان مشتاق انجام دادن امور خیر هستند، گویای این نکته است که وجود برکت الهی در پی کار خیر، سبب اشتیاق آنان در پی گیری امور خیر و استمرار آن بوده است.

و) روی آوردن گرفتاری

وقتی افراد توان مند جامعه، توانایی رفع مشکلات نیازمندان را داشته باشند، ولی از این کار خودداری کنند، خود آنان نیز گرفتار پی آمدهای این بی توجهی به نیازمندان خواهند شد. برای مثال، مشکلات جدیدی که برخی از نیازمندان به دلیل برطرف نشدن گرفتاری شان برای جامعه ایجاد می کنند، گریبان بسیاری از توانگران جامعه را می گیرد. البته خداوند نیز بر این گونه

ص: ۱۶۶

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۰.

۲- وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳.

افراد خشم می گیرد و در پی بی توجهی آنان به نیازمندان، آنان را به مشکلات مختلفی گرفتار می سازد:

وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (بقره: ۱۹۵)

و در راه خدا انفاق کنید و با [ترک این انفاق] خود را به دست خویش به هلاکت میفکنید و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.

ز) حسرت هنگام مرگ و در قیامت

از حضرت علی (ع) پرسیدند: «حسرت چه کسی از همه مردم بیشتر است؟» فرمود:

کسی که مالش را در ترازوی دیگری می بیند و خداوند، او را به خاطر همان مال، وارد آتش می سازد و وارث او را باز به خاطر همان مال وارد بهشت می کند. (۱)

بسیاری از این پی آمدها، در نتیجه بی توجهی به رفع نیاز نیازمندان است. اگر این ناآگاهی ها از میان برود، زمینه ترویج فرهنگ انفاق، قرض الحسنه و دیگر کارهای نیک فراهم می شود.

۳. داشتن روحیه دنیاپرستی و مال دوستی

وجود چنین حالتی در انسان، زمینه ساز بسیاری از لغزش های دیگر می شود؛ چون: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ.» در سوره تغابن و سیاق مربوط به

ص: ۱۶۷

آیه قرض حسن می خوانیم: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ جز این نیست که مال ها و فرزندانان [برای شما] آزمون هستند و مزد بزرگ نزد خداوند است.» (تغابن: ۱۵)

در آیه پیش از این آیه، آمده است برخی از فرزندان و همسران مؤمنان، دشمنان آنان هستند و باید مراقب آنان باشند. بنا بر این مطلب، دوست داشتن بیش از حد دنیا و سرمایه و فرزندان و بی توجهی به سفارش الهی در مورد آنها، می تواند سبب خروج انسان از مسیر سعادت شود و خسران ابدی را در پی داشته باشد.

در سوره منافقون نیز خداوند به مؤمنان یادآوری می کند که مبادا سرمایه و فرزندان آنان مانع ذکر الهی شود. نیز از آنان خواسته است تا پیش از فرا رسیدن مرگ، از آنچه به آنان روزی داده است، در راه خدا انفاق کنند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ وَ أَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنُ مِنَ الصَّالِحِينَ. (منافقون: ۹ - ۱۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید، سرمایه و فرزندانان، شما را از یاد خدا غافل نکنند و هر که چنان کند (به سبب مال و فرزندان از اطاعت خدا بازماند) زیان کار است. و از آنچه شما را روزی کرده ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد، پس گوید: پروردگارا، چرا مرا تا سرآمدی نزدیک باز پس نداشتی (مرگ مرا اندکی به تأخیر نیفکندی) تا صدقه دهم و از نیکان و شایستگان باشم؟

۴. بخل

یکی از صفات بسیار نکوهیده اخلاقی که در دنیادوستی و ثروت پرستی ریشه دارد، بخل است. این صفت ناپسند اجازه نمی دهد شخص به انفاق و قرض و کارهای خیر در راه خدا بپردازد. برای بخل، پی آمدهای زیادی در قرآن و کتاب های حدیثی، اخلاقی و تفسیری آمده است. برای نمونه، در قرآن می خوانیم:

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ . (حدید: ۲۳ و ۲۴)

و خداوند هیچ متکبر خودستایی را دوست ندارد؛ آنان که خود بخل می ورزند و مردم را نیز به بخل وا می دارند.

همان گونه که از این گونه آیات برمی آید، بخیل هم خود، بخشنده نیست و هم دیگران را به بخل فرا می خواند. بنا بر این آیه، می توان به این نتیجه رسید که بخل سبب تکبر می شود و محروم ماندن از عنایت الهی را در پی دارد.

۵. آزمندی

حرص، صفت ناپسندی است که انسان را پیوسته به ثروت اندوزی افزون بر نیازش وامی دارد. آزمند که همواره در اندیشه مال است، کمتر به از دست دادن چیزی راضی می شود. او دوست دارد همه چیز را به دست آورد. از این رو، راضی نمی شود چیزی را به کسی قرض دهد یا هدیه کند. ویژگی آزمند این است که فکر می کند اگر چیزی را به کسی ببخشد یا قرض دهد،

ص: ۱۶۹

زیان دیده و از دارایی اش کم شده است:

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا. (اسراء: ۱۰۰)

بگو: اگر شما خزانه های بخشایش پروردگار مرا می داشتید، آن گاه از بیم هزینه کردن و به سبب گدامنشی دست باز می داشتید و آدمی، بخیل و تنگ چشم است.

۶. ترس از تهی دستی و پیروی از شیطان

ترس انسان ها از تهی دستی و کاهش سرمایه مانع دیگری در راه ترویج فرهنگ قرض الحسنه است:

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (بقره: ۲۶۸)

شیطان، شما را از تهی دستی و بینوایی می ترساند و به زشت کاری و ناشایستی (بخل و منع صدقات) فرمان می دهد و خدا، شما را به آمرزش و بخشش خویش نوید می دهد و خداوند، گشایش بخش و داناست.

اگر انسان یقین بداند که روزی و برکت به دست خداوند است و اوست که هر کس را بخواهد، از فضل خویش بهره مند می سازد، هرگز خود را از انفاق و بخشش و قرض و گره گشایی ها محروم نمی گرداند. خداوند دوست دارد بندگانش در راه او خرج کنند و هنگام نیازمندی، دست دیگران را بگیرند. از این رو، برای جبران بخشش های بندگانش و جبران محبت بندگانش به یکدیگر، به رزق و روزی آنان برکت می دهد و نه تنها دارایی آنان نمی کاهد، بلکه چندین برابر آن را از فضل و رحمت خویش به آنان عطا می کند.

خداوند در آیات پایانی سوره تغابن (سیاق آیه قرض) می فرماید:

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتِطَعْتُمْ وَاسْمِعُوا وَأَطِعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُّوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ مُشْكُورٌ حَلِيمٌ. (تغابن: ۱۶ و ۱۷)

پس هر چه می توانید، از خدا پروا کنید و بشنوید و فرمان برید و انفاق کنید که برای خودتان بهتر است و هر که از بخل و آز خویش نگاه داشته شود، پس ایشانند رستگاران. اگر خدای را وامی نیکو دهید، آن را برای شما افزون کند و شما را بیامرزد و خدا سپاس گزار و بردبار است.

شاید مهم ترین مانع درونی بر سر راه انجام دادن امور خیر و خرج کردن در راه خدا، نداشتن تقوا باشد که خود زمینه ساز بسیاری از موانع دیگر است. اگر این آفت درونی و قلبی انسان رفع شود، بسیاری از بیماری های اخلاقی انسان درمان می شود و از وجود انسان پاک خواهند شد. در سوره حدید نیز در سیاق آیات مربوط به قرض حسن، خداوند، بیماری سنگ دلی و راه درمان آن را مطرح می کند. بهترین راه برای درمان این بیماری قلبی که کانون پیدایش دیگر بیماری های درونی است، راهی است که قرآن در همین سوره حدید معرفی می کند و آن، جلا دادن قلب و ایجاد خشیت الهی در آن است. چنین عملی تنها با ذکر الهی به دست می آید و بهترین راه، تلاوت و پس از آن، تعقل و تدبیر در آیات قرآن است:

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا

كَالَّذِينَ اتَّوَا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْرُ فَنَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ. اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. (حدید: ۱۶ و ۱۷)

با تدبّر در آیات قرآن است که قلب، روشنایی خود را به دست می آورد و از تاریکی ها و سنگ دلی رهایی می یابد. در واقع، کلید حل تمامی بیماری های قلبی و درونی همچون بخل، آزمندی، تنگ دستی، دنیادوستی و مال پرستی به دست قرآن است. خواندن و شنیدن آیات حق، بهترین و کوتاه ترین راه ممکن برای هدایت انسان است.

۸. غرور و آرزوهای طولانی

در سوره حدید و در میانه دو آیه ای که به قرض حسن می پردازند، غرور، نفاق و آرزوهای طولانی، مانع دیگری است که در جهت گمراهی و کفر و محروم ماندن از نور مؤمنان اهل قرض حسن مطرح شده است:

يُنَادُونَهمَ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِن كُنتم فتنتم أنفسكم و تربصتم و ارتبتم و غرتكم الاماني حتى جاء أمر الله و غرکم بالله الغرور. (حدید: ۱۴)

۹. ترک صله رحم و روابط اجتماعی

یکی دیگر از موانع ترویج قرض حسن، کم شدن رفت و آمدهای مردم با یکدیگر است. شاید در نگاه تحت، چنین موضوعی کم اهمیت جلوه کند، ولی با کمی دقت روشن خواهد شد که این عامل سبب کاهش میزان قرض حسن می شود. اگر در یک جمع فAMILI یا محلی و دوستانه، رفت و آمدهای اجتماعی برای مدتی کاهش یابد، دست گیری از نیازمندان و اموری مانند

ص: ۱۷۲

قرض حسن نیز در این گونه شرایط کاهش می یابد. اگر رفت و آمد انسان با دوستان یا فامیل یا همسایگان قطع شود، در صورت نیاز یکی از اعضای این مجموعه به کمک یا قرض دیگران، چگونه دیگر خویشان یا همسایگان از نیاز او آگاه خواهند شد؟ آیا مقدمه رسیدگی به نیاز بستگان، آگاهی از وضعیت آنان نیست؟ امروزه بسیاری از مردم به دلیل فاصله گرفتن از یکدیگر یا به سبب ترک رفت و آمد، هرگز از وضعیت یکدیگر آگاهی نمی یابند، هرچند توانایی کمک به یکدیگر را داشته باشند و اهل منت و جواب منفی هم نباشند. بنابراین، ناآگاهی از وضعیت نیازمندان، می تواند عاملی برای محروم ماندن آنان از ثواب و آثار قرض دادن باشد.

همچنین به دلیل ترک صله رحم و کاستن از روابط اجتماعی در میان خانواده ها یا دوستان، افراد کمتر با یکدیگر صمیمی هستند. از این رو، به فرض دست رسی افراد به یکدیگر و حتی آگاهی از توان یکدیگر، هرگز نمی توانند درخواست قرض کنند یا قرض دیگران را بپذیرند. به بیان دیگر، نبود صمیمت میان افراد، مانع از دادوستد قرض در میان آنان می شود. در صورتی که اگر رفت و آمدها و پیوندهای عاطفی به ویژه در میان گروه های خانوادگی، همسایه و دوستان افزایش یابد، به خوبی می توان شاهد حل مشکلات یکدیگر و اجرای سنت های حسنه مانند قرض الحسنه بود. امام حسین (ع) در این مورد می فرماید: «تواصلوا و تباروا؛ با یکدیگر رابطه داشته باشید و به یکدیگر نیکی کنید».^(۱)

ص: ۱۷۳

۱۰. ترویج نادرست قرض الحسنه

شیوه های غلط تبلیغی که بیشتر در مورد مسائل مادی و جایزه ها در صندوق های قرض الحسنه و برخی بانک ها رایج است، در کنار تفسیرهای نادرست کارگزاران این امر از «قرض حسن» و عملکرد اشتباه بسیاری از آنان، سبب پدید آمدن ذهنیت منفی درباره قرض حسن می شود. در نتیجه، این سنت الهی در جامعه به خوبی اجرا نخواهد شد.

ص: ۱۷۴

رسانه یکی از ابزارهای مهم برای گسترش فرهنگ است. رسانه از منبر و وعظ و خطابه گرفته تا مجله، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت، می تواند سبب تقویت یک فرهنگ یا تغییر و تضعیف یک فرهنگ گردد. امروزه رسانه ها چنان در زندگی مردم، حضور فعال دارند که می توانند در کوتاه ترین زمان، حتی نادرست ترین کارها را بهترین کار جلوه دهند. این کار البته به شکل مستقیم نخواهد بود، بلکه با شیوه های غیرمستقیم و گاه بلندمدت، دگرگونی های اساسی در رفتارها و آداب و رسوم مخاطب ایجاد می کنند.

در این میان، قرض الحسنه به عنوان یک سنت حسنه قرآنی و حدیثی تا مدت ها در زندگی مسلمانان حضور داشته است و اکنون نیز می توان همانند دیگر سنت ها و فرهنگ ها بدان توجه کرد.

رسانه ها به ویژه صدا و سیما به عنوان یک رسانه فراگیر می توانند به بهترین شکل به تبلیغ و ترویج این سنت حسنه بپردازند. از این رو، شایسته است دست اندرکاران رسانه ملی، با برنامه ریزی های مناسب، مردم را با این سنت الهی دقیق آشنا سازند تا همگان به آثار مثبت قرض دادن آگاه شوند و بیشتر به این سنت قرآنی روی آورند.

وظایف رسانه در مورد قرض الحسنه

۱. تبیین مفهوم واقعی قرض الحسنه

در جامعه اسلامی ما، نقش رسانه ملی در معرفی و گسترش آموزه های اسلامی و سنت های دینی بسیار مهم است؛ زیرا بسیاری از مردم آگاهی

درستی از آموزه ها و مفاهیم اسلامی ندارند. در مورد قرض الحسنه نیز چنین است.

از این رو، رسانه ملی باید بکوشد مفهوم واقعی این رفتار نیک اسلامی را تبیین کند تا مردم کاملاً به معنای واقعی آن پی ببرند. آن گاه برای ترویج آن در میان مردم تلاش کند.

رسانه ملی می تواند با توجه به سلیقه مخاطبان و با بهره گیری از شیوه های مختلف همچون نمایش، داستان، خبر، برنامه های کارشناسی، گزارشی و مستند، مفهوم واقعی قرض الحسنه را برای مردم تبیین کند.

وقتی همگان با این سنت حسنه الهی آشنا شوند و به نیازمندان واقعی قرض دهند و بکشند آن را جزو قرض حسن قرار دهند و از قرض سیئه دوری کنند، رفتاری های مسلمانان کمتر می شود. همچنین اگر همگان از شرایط قرض گرفتن و قرض دادن آگاه باشند و به بازپرداخت آن توجه کنند، زمینه تجلی برکت های الهی در میان مردم بیشتر می شود.

۲. بیان تفاوت های قرض الحسنه رایج با مفهوم قرآنی و حدیثی آن

در بخش های پیشین اشاره شد که آنچه امروزه در جامعه اسلامی به نام «قرض الحسنه» رواج دارد، کاملاً از مفهوم قرآنی و حدیثی آن، دور است. در بیشتر صندوق های قرض الحسنه و اعتباری و مالی، از آیه «و اقرضوا الله قرضاً حسناً...» تنها به عنوان شعار تبلیغاتی استفاده می کنند، ولی در عمل، کمتر نشانه ای از توجه آنان به قرآن کریم و سیره معصومین (ع) می توان یافت.

در

قرض الحسنه مورد نظر قرآن، خداوند، گیرنده واقعی قرض حسن است و قرض دهندگان باید به این موضوع توجه کنند. آیا اگر یک نیازمند در مانده، ولی آبرومند به دلیل نیازش از ما قرض بخواهد و ما به دلیل اخلاق انسانی و با درک نیازمندی برادر دینی مان به او قرض دادیم و او در روز موعده، نتوانست قرض خویش را پس بدهد، آیا باید چک و سفته او را به اجرا بگذاریم؟ آیا اساساً برای چنین احتمالی، باید از روز اول از چنان نیازمندی چندین چک معتبر و چند ضامن و مُعَرَّف معتبر درخواست شود تا در صورت دیرکرد در بازپرداخت قرض و قسط های آن، سفته ها و چک های ضامن او را به اجرا گذاریم و چه بسا از حقوق ضامن خیرخواه برداریم؟

نظر قرآن و سیره معصومین (ع) این نیست که اگر شخص بده کار نتوانست از عهده بازپرداخت قرض خود برآید، بدتر از روز اول خجالت بکشد و آبرویش برود. پس درمی یابیم شرط هایی که امروزه در صندوق های قرض الحسنه رایج است، با آیات قرآنی و روایات معصومین (ع) انطباق ندارد. بنابراین، رسانه ملی باید بکوشد تا تفاوت های چنین فعالیت هایی را با قرض الحسنه قرآنی و حدیثی که سَنَّتِ حسنَه الهی است، برای مردم بیان کند. باید همگان بدانند که بر اساس نص قرآن، گیرنده واقعی قرض حسن، خداوند است و اوست که در برابر چنین قرضی، چندین برابر ارزش مادی آن، به دارایی بنده اش برکت می دهد. همچنین افزون بر پاداش مادی، بخشش گناهان و پاداش معنوی و بهشت جاودان را نصیب او می سازد.

وقتی قرض دهنده ای به فرد نیازمندی قرض حسن می دهد، در واقع، می خواهد تا نیازِ قرض گیرنده برطرف نشده است، از پول خود چشم پوشد.

بنابراین، اگر قرض گیرنده حتی نتواند به هنگام، قرض را بازپرداخت کند، چیزی نزد دهنده قرض حسن عوض نمی شود؛ زیرا از این لحظه به بعد هم همان نیت و قصد در قلب او حاکم است. بر اساس روایات و احادیث، از این پس، ارزش کار او چندین برابر می شود. در واقع، در چنین مواردی است که قرض الحسنه، چندین برابر ارزش می یابد و تفاوت آن با قرض غیر از حسن مشخص می شود. اگر چنین مواردی نبود، شاید کمتر معنای واقعی قرض حسن روشن می شد و افراد مفهوم واقعی و قرآنی آن را درک نمی کردند.

اگر مرم بدانند قرض حسن، سفره پر نعمت و بابرکت الهی است که برای آنان پهن شده است تا از برکات آن بهره مند گردند، بی گمان، چنین فرصتی را از دست نخواهند داد. اگر آنان بدانند که قرض حسن، نوعی انفاق و صدقه است که حتی بیش از آنها ثواب و برکت اُخروی دارد، هرگز به شیوه هایی که به نام قرض الحسنه در بسیاری از صندوق ها جاری است، قرض الحسنه نخواهند گفت. پس شایسته است صدا و سیما و دیگر رسانه ها بکوشند تا این تفاوت مهم میان قرض الحسنه و کارهایی را که به نام قرض الحسنه در بسیاری از صندوق ها و بانک ها صورت می گیرد، برای مردم روشن کنند تا آنان با رغبت بیشتری به کمک نیازمندان و برادران و خواهران دینی شان بشتابند.

۳. ترویج فرهنگ قرض الحسنه

یکی دیگر از وظایف مهم رسانه در مورد قرض الحسنه، فضا سازی و فراهم آوردن شرایط اجتماعی قرض الحسنه است تا همگان با شناخت

بیشتر از مفهوم قرض الحسنه قرآنی و حدیثی، بتوانند در ترویج و عمل به این سنت قرآنی گام بردارند. از دیگر وظایف رسانه، ترویج فرهنگ قرآنی قرض حسن با روش های مختلف در برنامه های گوناگون امکان پذیر است. صدا و سیما می تواند با بهره گیری از کارشناسان دینی و پژوهش های صورت گرفته در موضوع «قرض الحسنه»، در قالب های گوناگون و برای دوره های سنی مختلف، برنامه هایی تولید کند.

البته نباید انتظار داشت رسانه در کمترین زمان، فرهنگ صحیح قرض الحسنه را ترویج کند؛ زیرا گسترش یک فرهنگ یا احیای آن، فرآیند دفعی و آنی نیست که در زمانی کوتاه، عملی شود، بلکه فرآیندی تدریجی است که باید با برنامه ریزی و استمرار، همراه باشد. برای افزایش توجه مردم به یک فرهنگ نیکو، باید افراد جامعه را با ضرورت، آثار، دستاوردها، کارآیی و پی آمدهای آن فرهنگ آشنا سازیم که این کار نیازمند زمان است. اگر مردم با آثار و نتایج سنت حسنه ای مانند «قرض الحسنه» قرآنی و حدیثی آشنا نشوند و به اهمیت و ضرورت آن پی نبرند، آن فرهنگ نه تنها گسترش نخواهد یافت، بلکه به فراموشی سپرده خواهد شد. حتی در لوای نام نیک آن، کارهای دیگری رخ خواهد داد.

به طور کلی، رسانه ملی با روش های زیر می تواند در ترویج فرهنگ قرض حسن گام بردارد:

الف) بالا بردن سطح آگاهی مردم درباره جایگاه واقعی

قرض الحسنه

امروزه بسیاری از مردم، آگاهی درستی از تعریف و جایگاه قرض حسن

ص: ۱۸۰

ندارند. اگر مطالبی نیز درباره تعریف قرض الحسنه شنیده باشند، از جایگاه آن ناآگاهند. البته علت این است که در این زمینه، کارهای پژوهشی دقیق انجام نشده است. بنابراین، پژوهشگران علوم انسانی از جمله رشته های قرآنی و حدیثی، اقتصاد اسلامی و فقه باید با بررسی دقیق قرض الحسنه در اسلام، به تعریف و تبیین جایگاه واقعی قرض حسن و دستاوردهای مختلف فردی و اجتماعی آن برای مردم بپردازند.

بنا بر نظرسنجی ها، مردم درک درست و یکسانی از تعریف قرض الحسنه ندارند. بسیاری از آنان، «قرض الحسنه» را پولی می دانند که بدون بهره به دیگران قرض داده می شود. برخی نیز قرض دادن مطلق به مردم را قرض الحسنه می دانند. بعضی گفته اند قرض الحسنه هر نوع کمک رساندن به نیازمندان است. شمار اندکی نیز سپرده گذاری در بانک یا خانه و مانند آن را قرض الحسنه نامیده اند.^(۱)

اگر مردم از قرض حسنی که در قرآن و احادیث آمده است، آگاه شوند، بی گمان، نوع نگاه و عمل آنان به گذشته متفاوت خواهد شد. بررسی آماری کسانی که اهل این سنت حسنه هستند، نشان می دهد که شناخت قلبی آنها از مسئله قرض حسن و آثار گوناگون آن، در مقایسه با دیگر افراد جامعه بیشتر است.

آگاهی دادن به مردم در مورد دستاوردهای قرض حسن، مثل تأثیر قرض دادن در استواری روابط اجتماعی، خانوادگی، زنده کردن روح هم بستگی و

ص: ۱۸۱

۱- «نظرسنجی از مردم تهران درباره فرهنگ قرض الحسنه»، ص ۶.

برادری، آثار اخروی و آمرزش الهی و نیز تأکید بر پی آمدهای مثبت قرض الحسنه بر شخص قرض دهنده، زمینه ترویج قرض الحسنه را فراهم می آورد.

ب) آگاهی از پی آمدهای ترک قرض الحسنه؛

ج) تقویت انگیزه های معنوی؛

د) طرح پشتوانه های اعتقادی و فرهنگی قرض الحسنه؛

ه) آموزش فرهنگ قرض الحسنه برای همگان.

۴. آسیب شناسی فرهنگ قرض الحسنه در جامعه

یکی از وظایف مهم رسانه ملی، آسیب شناسی عملکرد افراد و نهادهای جامعه در زمینه قرض الحسنه است. متأسفانه به دلیل ناسازگار بودن تعریف دقیق قرض الحسنه با نوع عملکرد نظام مالی کشور، عموم مردم، قرض الحسنه را راه کاری ضعیف می پندارند و حتی برخی آن را کاملاً از جایگاه قرآنی و حدیثی اش دور می دانند.

به بیان دیگر، به دلیل تبیین نشدن جایگاه و مفهوم قرض الحسنه و ضعیف عمل کردن مؤسسه های مالی و بانک ها در این زمینه، پیشینه ذهنی بیشتر مردم از مسئله قرض الحسنه، چنان است که هیچ گونه علاقه ای (مادی یا معنوی) برای سپرده گذاری در این زمینه ندارند. مهم ترین دلیل آن نیز اشتباه عمل کردن کارگزاران قرض الحسنه در کشور است. شرط هایی که امروزه بسیاری از صندوق های قرض الحسنه و حتی افراد میان یکدیگر برای قرض دادن دارند، با روح موجود در سنت قرآنی و فرهنگ نبوی تفاوت

دارد. در همین زمینه باید پرسید چرا در پیام‌های بازرگانی، بدون کوچک‌ترین نظارتی، هر مؤسسه اعتباری _ مالی یا نهادهای تعاونی، کار خود را زیر لوای قرض الحسنه تبلیغ می‌کنند؟

از نظر اسلام، هیچ اشکالی برای فعالیت‌های خیرخواهانه اقتصادی افراد و نهادها وجود ندارد، ولی مرزبندی حریم چنین فعالیت‌هایی باید کاملاً مشخص باشد. برای مثال، جایگاه یک مؤسسه مالی و اعتباری که بیشترین هدف آن، جذب سرمایه و سود بیشتر است (هرچند با رعایت برخی شرط‌ها اسلامی باشد)، باید برای همگان شناسانده شود. همچنین جایگاه یک تعاونی که به نیت خیر و کمک به افراد، تأسیس می‌شود و گردانندگان آن هم قصد سودآوری ندارند، نباید با جایگاه سنت قرض حسن در قرآن و دین در هم آمیزد. پس رسانه ملی باید بکوشد تا تفاوت واقعی قرض حسن با کمک‌های مشروط، بهره‌دار، دو طرفه (۱) و مانند آن را برای مردم روشن سازد.

ص: ۱۸۳

۱- شرکت‌های تعاونی و مؤسسه‌های مالی _ اعتباری با مشارکت خود مردم و سرمایه‌گذاری اولیه، به آنها خدمات رسانی می‌کند و قرض می‌دهد.

الف) تشکیل میزگرد

در میزگردها باید مفهوم قرض الحسنه و آثار و برکات آن تبیین شود. البته در این برنامه ها، باید از کارشناسانی استفاده شود که در این مورد پژوهش کرده اند و با مفهوم قرض الحسنه از دیدگاه قرآن و حدیث آشنایند. در غیر این صورت، گفت و گو به سرانجام شایسته و واقعی خود نخواهد رسید.

بهره مندی از استادان و عالمان حوزوی آشنا با مسائل اقتصادی و مفهوم قرآنی و حدیثی قرض الحسنه، برغناي چنین برنامه ای می افزاید.

همچنین پخش گزارش های مفید به همراه پرسش های مردمی در مورد قرض الحسنه و دادن پاسخ کارشناسی به آنها، می تواند برنامه را از یک نواختی بیرون آورد و میزان بهره مندی آن را برای مخاطب بیشتر سازد.

در گفت و گوی ویژه خبری نیز که با حضور کارشناسی آگاه به مفهوم واقعی قرض الحسنه و هماهنگی تلفنی با برخی استادان دیگر برگزار می شود، می توان به صورت زنده و مستقیم به تبیین مفهوم واقعی و آسیب های قرض الحسنه در جامعه پرداخت. از آنجا که برنامه هایی همچون گفت و گوی ویژه خبری شبکه دوم سیما، مخاطبان فراوانی دارد، می توان مسئله «قرض الحسنه» را در این برنامه به بحث و بررسی گذاشت.

در میان برنامه های جذاب رادیو، مانند قصه شب یا قصه ظهر جمعه، می توان به صورت غیرمستقیم، مسئله قرض حسن و آثار و برکاتش را گنجانند. در این صورت، مخاطبان این گونه برنامه ها به طور شایسته و

غیرمستقیم، به فرهنگ قرض الحسنه اسلامی علاقه مند می شوند.

(ب) برنامه های کودک و نوجوان

از آنجا که کودکان و نوجوانان، مهم ترین و اثرپذیرترین قشر جامعه هستند، پرداختن به مسئله قرض الحسنه در برنامه های کودک و نوجوان، زیربنای بسیار مؤثری در فرهنگ سازی قرض الحسنه در جامعه به شمار می آید. آنچه در حافظه و ذهن کودک به ثبت برسد، به سختی از یاد خواهد رفت. از این رو، شایسته است در این مورد با سرمایه گذاری فکری و مالی در برنامه های کودک و نوجوان و با مشورت های لازم در بخش پشتیبانی برنامه سازی برای گروه های کودک و نوجوان، به تولید و پخش برنامه های کودک با محتوای فرهنگ قرض الحسنه پرداخت. برنامه هایی همانند عموپورنگ و رنگین کمان در سیما که مخاطبان فراوانی دارد، به خوبی می تواند به فرهنگ سازی قرض الحسنه برای نسل کودک و نوجوان کمک کند.

(ج) برنامه های طنز و نمایشی تلویزیونی

پربیننده ترین برنامه های تلویزیونی صدا و سیما، برنامه های طنز و نمایشی یا سریال و سینمایی است. بنابراین، در برنامه های نمایشی و طنز باید از فرصت های پرفایده و اثرگذار، برای ترویج فرهنگ اسلامی قرض حسن سود جست. پرداختن به مسائل گوناگون در زمینه قرض الحسنه، مانند مسائل زیر می تواند بسیاری از مردم را به طور غیرمستقیم در قالب این نوع برنامه ها با فرهنگ قرض الحسنه آشنا سازد: چگونه و به چه کسانی قرض بدهیم؛ چه زمانی قرض بگیریم؛ از چه کسانی قرض بگیریم؛ با قرض دهندگان یا قرض گیرندگان چه رفتاری داشته باشیم؛ در صورت

دیرکرد در بازپرداخت قرض، چه رفتاری داشته باشیم و مانند آن. این گونه پرسش و پاسخ ها را می توان در میان برنامه های نمایشی جا داد و به طور غیرمستقیم، بر آگاهی های مخاطبان افزود.

(د) پرسش های مردمی

۱. قرض الحسنه چیست و چه مفهومی دارد؟
۲. یک فرد دهنده قرض حسن باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟
۳. دادن قرض الحسنه چه فایده هایی دارد؟
۴. آیا کسی که نیاز ضروری ندارد، شایسته است در پی قرض گرفتن باشد؟
۵. برخورد کسی که قرض خود را نمی تواند بپردازد، با قرض دهنده باید چگونه باشد؟ رفتار قرض دهنده با قرض گیرنده باید چگونه باشد؟
۶. اینکه می گویند خداوند، گیرنده واقعی قرض حسن است، چه معنایی دارد؟

(ه) پرسش های کارشناسی

۱. تعریف شما از قرض الحسنه چیست؟ به نظر شما قرض الحسنه چه ویژگی های باید داشته باشد؟
۲. رواج فرهنگ قرض الحسنه در جامعه چه آثاری دارد؟
۳. به نظر شما چگونه می توان قرض الحسنه را در اجتماع رواج داد؟
۴. راه های شناخت قرض الحسنه درست از نادرست کدامند؟
۵. مهم ترین تفاوت های قرض الحسنه قرآنی و حدیثی با قرض الحسنه رایج در جامعه چیست؟

۶. آسیب های گسترش قرض الحسنه نادرست و نامنطبق با قرض الحسنه واقعی و اسلامی کدامند؟
۷. رسانه چگونه می تواند مفهوم قرض الحسنه درست را در جامعه گسترش دهد؟
۸. برای برنامه سازان رسانه صدا و سیما در زمینه قرض الحسنه چه پیشنهادهایی دارید؟
۹. به کار بردن چه واژه ای به جای واژه قرض الحسنه (در عنوان صندوق های مالی و اعتباری و...) مناسب تر است؟
۱۰. دیگر رسانه ها چگونه می توانند مفهوم قرض الحسنه را تبیین کنند؟
۱۱. چرا اسلام بر حسن بودن قرض تأکید دارد؟
۱۲. چه عواملی قرض حسن را از حسن بودن دور می سازد و حتی به قرض سیئه تبدیل می کند؟

* قرآن کریم، ترجمه: جلال الدین مجتبوی.

* نهج البلاغه، ترجمه: حسین انصاریان.

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسن، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، بی تا.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ هـ . ق.

۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت لبنان، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۴. احمد بن فارس، زکریا، معجم مقاییس اللغه، قم، دارالکتب العلمیه، بی تا.

۵. اردبیلی، مولی احمد (معروف به محقق اردبیلی)، زبده البیان فی الاحکام القرآن، قم، انتشارات کنگره محقق اردبیلی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۶. آلوسی بغدادی، محمد، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۷. آمدی، عبدالواحد، غُزْر الحکم و درر الکلم، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ . ق / ۱۹۸۷ م.

٨. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، بی تا.
٩. بیهقی، احمد بن حسین بن علی، السنن الكبرى، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، بی تا.
١٠. جزیری، عبدالرحمان، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ١٤٠٦ هـ. ق / ١٩٨٦ م.
١١. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران، انتشارات کتاب خانه اسلامی، بی تا.
١٢. دیوبندی، محمود حسن، تفسیر کابلی با فوائد موضع الفرقان شبیر احمد دیوبندی، تهران، نشر احسان، ١٣٧٠.
١٣. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ٥٠٢ هـ. ق.
١٤. راوندی، سعید بن هبه الله، فقه القرآن، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ١٣٩٩ هـ. ق.
١٥. رشیدرضا، محمد، المنار، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، بی تا.
١٦. زریجی، شیخ کریم، منهاج البلاغه، بی جا، ١٤٢٣ هـ. ق.
١٧. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
١٨. سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط، بیروت، داراحیاء التراث العربی،

۱۹. سیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، انتشارات کتاب خانه مرتضوی، ۱۳۴۳.
۲۰. سیدقطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، چاپ دهم، ۱۴۰۲ هـ . ق.
۲۱. طباطبایی، سیدمصطفی، فرهنگ نوین عربی _ فارسی، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیہ، چاپ نهم، ۱۳۷۳.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۹۴ هـ . ق، ۱۹۷۴ م.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات کتاب خانه اسلامیہ، بی تا.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ هـ . ق، ۱۹۸۸ م.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، تہذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، تهران، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۶۵.
۲۷. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفہرس لالفاظ القرآن الکریم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۴.

۲۸. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، بی تا.

۲۹. فخررازی، التفسیر الکبیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، بی تا.

۳۰. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۳۱. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۶۶م.

۳۲. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، مؤسسه چاپ و نشر انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ. ق / ۱۹۹۱ م.

۳۳. کاظمی، جواد، مسالك الافهام الى آیات الاحکام، تهران، انتشارات کتاب خانه مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۳۴. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الفروع من الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ هـ. ق.

۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۳۶. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، داراحیاء التراث

العربی، چاپ دوم، ۱۳۹۲ هـ. ق.

۳۷. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيله، تهران، منشورات کتاب خانه اعتماد کاظمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.

۳۸. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تهران، کتاب خانه اسلامی، ۱۳۸۲ هـ. ق.

۳۹. هندی برهان نوری، علاء الدین علی متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال، بیروت، لبنان، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹ هـ. ق / ۱۹۷۹ م.

۴۰. هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.

۴۱. آیینی، محمد، «طراحی انتشار اوراق سرمایه گذاری مسکن با عایدات تصادمی در چارچوب بازار سرمایه (منطق با موازین فقهی)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع).

۴۲. ابراهیمی، محمدحسین، ربا و قرض در اسلام، قم، بی تا، ۱۳۷۲.

۴۳. احمد، خورشید، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه: محمدجواد مهدوی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۴۴. آل اعتماد، سید مصطفی، بلاغه الحسین (ع)، ترجمه: علی کاظمی،

قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۶ هـ. ق.

۴۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، نشر ناهید، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۴۶. خسروی، موسی، پند تاریخ، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، چاپ هشتم، بی تا.

۴۷. دشتی، محمد، نهج الحیاه (فرهنگ سخنان امام حسین (ع))، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۴۸. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

۴۹. فیض کاشانی، ملامحسن، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ترجمه: عبدالعلی صاحبی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.

۵۰. قریب، محمد، فرهنگ لغات قرآن، تهران، نشر بنیاد، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۵۱. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال های ۱۳۶۳ الی ۱۳۷۸، تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی).

۵۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۲.

۵۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.

ص: ۱۹۳

۵۴. موسوی لاری، مجتبی، رسالت اخلاق در تکامل انسان، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۵۲.

۵۵. نظری، مرتضی، شرایط احیای فرهنگ قرض الحسنه، تهران، نشر اسپید، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۵۶. نورمحمدی، علی، قرض الحسنه، تهران، انتشارات فروزان، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۵۷. هادوی نیا، علی اصغر، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۵۸. واعظی نژاد، حسین، آینده ای بهتر در پرتو انفاق، تهران، بی نا، چاپ اول، ۱۳۷۹.

نشریه

۱. ابراهیمی، محمدحسین، مقاله «فلسفه و آثار اجتماعی قرض الحسنه»، وام، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۵.

۲. مقاله «طرح قرض الحسنه در سوره مائده»، وام، شماره ۵، پاییز ۱۳۷۶.

۳. مقاله «اهداف و انگیزه های تشکیل صندوق های قرض الحسنه و آسیب شناسی آن»، وام، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۱.

۴. پیرحیاتی، ناصر، مقاله «نظرخواهی از مردم تهران درباره صندوق های قرض الحسنه خصوصی»، امور سنجش برنامه ای مرکز

ص: ۱۹۴

تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸.

۵. مقاله «تبلیغات مخرب شبکه بانکی در ترویج قرض الحسنه»، پگاه حوزه، شماره ۱۵، تیر ۱۳۸۰.

۶. حلاجیان، محمدقاسم، مقاله «صندوق های قرض الحسنه خانوادگی، مزایا و مشکلات»، وام، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.

۷. دلخوش، حسن و معصومه حیدری، مقاله «نظرسنجی از مردم تهران درباره فرهنگ قرض الحسنه»، واحد افکار عمومی مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.

۸. رهنمایی، محمدجمال، مقاله «صندوق های قرض الحسنه فامیلی پاسخ به یک ضرورت اجتماعی»، وام، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۷۸.

۹. صدر، سیدکاظم، مقاله «آثار اقتصادی رفتار و عقد قرض الحسنه»، وام، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۵.

۱۰. غفاری، مهدی، «احسان در سیره سیدالشهداء»، وام، شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۱.

۱۱. گفت و گو با دکتر محمدرضا شرفی، استادیار دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، وام، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۰.

۱۲. لسانی فشارکی، محمدعلی، مقاله «روش های مطالعه و تحقیق

در قرآن مجید»، هشتمین کنگره بزرگ داشت علامه طباطبایی رحمه الله، تبریز ۱۳۷۲.

۱۳. مودن زادگان، حسن علی، مقاله «عوامل پیش گیری از ارتکاب جرم ربا»، وام، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.

۱۴. نظری، مرتضی، مقاله «روش های توسعه فرهنگ قرض الحسنه»، وام، شماره ۳، بهار ۱۳۷۶.

۱۵. مقاله «نگاهی به فلسفه وجودی و کارکرد قرض الحسنه در عرصه جامعه»، ابرار، شماره ۷ و ۱۶، اردی بهشت ۱۳۷۷.

پایان نامه

۱. حقانی زنجانی، حسین، نظام اخلاقی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۲. عزیزی ابرقویی، ابوالفتح، «فرهنگ انفاق در قرآن با تأکید بر جنبه های اخلاقی»، پایان نامه کارشناسی ارشد قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۰.

۳. عسکری، علی، «بررسی نقش و اثرات صندوق های قرض الحسنه در سیستم بانکی کشور»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.

۴. نیک خواه دلشاد، مسعود، «جایگاه عقد قرض در نظام بانک داری

بدون ربا»، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۷۵.

ص: ۱۹۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

